

۱۴۳/۶/۱



سلسله جلسات

مسجد و اداره جامعه



عنوان جلسه یازدهم:

برنامه های کاربردی مساجد

مس جن و نحوه مواجهه با آن

محورهای جلسه:

۱. دو ویژگی اصلی جن بر اساس قرآن و روایات
۲. مجموعه تدابیر اسم پایه برای مواجهه و علاج مس جن
۳. مجموعه تدابیر شیء پایه برای مواجهه و علاج مس جن

شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی

تیرماه ۱۴۰۲

الْحَمْدُ لِلَّهِ

وَكَأَيُّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۴۶

و چه بسیار از پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگیدند، پس در مقابل آنچه در راه خدا به آنان رسید سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر تسلیم و ذلت فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.

شناسنامه

متن پیش رو ویرایش اول صد و چهل و سومین مکتوب از نوع ششم محصولات مرتبط با نقشه الگوی پیشرفت اسلامی (پیاده فوری) است. محتوای این محصول، متن پیاده شده ی گفت و گوی حجة الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) در یازدهمین جلسه دوره بحثی "مسجد و اداره جامعه" با موضوع "برنامه های کاربردی مساجد (مس جن و نحوه مواجهه با آن)" می باشد. این سخنرانی در جمع برخی از فضلاء حوزه علمیه قم در بنیاد هدایت و در تاریخ ۲ تیر ۱۴۰۲ برگزار شده است.



۱. مقدمه: پرسش چهارم دوره مسجد و اداره جامعه درباره برنامه های اجرایی مساجد.....۱۱

۱/۱. برنامه کاهش قیمتها، برنامه سلام، برنامه عطر، برنامه افزایش عقل و... به عنوان چند نمونه از برنامه ها ۱۱

۲. نحوه مواجهه با پدیده مس جن: یکی دیگر از برنامه های کاربردی مساجد.....۱۴

۲/۱. اصل واقع شدن پدیده مس جن، به عنوان یک حقیقت مورد تاکید قرآن کریم..... ۱۴

۲/۲. وجود یک بازار مالی با گردش مالی بالا برای ابطال سحر و جادو در نتیجه عدم ورود حوزه های علمیه..... ۱۴

۲/۳. لزوم شروع بحث و استتطاق از وحی با "تعریف جن" و معرفت افزایی درباره ویژگی های آن در بیان خالق ۲۱

۲/۴. بررسی ویژگی های جن به عنوان یکی از سرفصل های پنج گانه مباحث علوم غریبه مدرسه هدایت ۲۴

۲/۴/۱. مباحث مربوط به ملائکه، علم اعداد، رمل، جفر و...: بخشهای دیگر علوم غریبه مدرسه هدایت ۲۵

۲/۴/۲. ارتباط با عالم اموات (زیارت) یکی از بخشهای اصلی علوم غریبه مدرسه هدایت ۲۵

۲/۵. جن ها چه جور موجوداتی هستند؟ تعریف جن ۲۹

۲/۵/۱. لزوم آغاز تمامی اباحت از تعریف یک شیء ۲۹

۲/۵/۲. آشنا شدن با خاصیت های حدود دویست شیء پرکاربرد زندگی از طریق جدول فقهی تسخیر..... ۳۰

۲/۶. اولین ویژگی جن ها: جهالت ۳۶

۲/۶/۱. نسبت دادن بخت و اقبال به خداوند متعال دلیل این جهالت و نادانی ۳۶

۲/۷. ویژگی دوم جن ها: بی اطلاعی از غیب ۳۹

۲/۷/۱. لزوم روایت صحیح عبرتکده ها (میراث فرهنگی) از جمله اهرام مصر بر اساس مدل فقهی روایت ۴۰

۲/۷/۲. کاهش انگیزه انسان ها برای ارتباط گیری با جن ها در اثر توجه به این دو ویژگی ۴۴

۲/۸. سومین ویژگی جن ها: سرعت بالای انتقال و جابجایی به خاطر خلقت از دود و آتش ۴۹

۳. تدابیر اسم پایه و تدابیر شیء پایه: راه های مواجهه و علاج مس جن.....۵۳

۳/۱. تدابیر اسم پایه مربوط به استفاده از ادعیه برای علاج مس جن ۵۳

۳/۱/۱. دعای غریق: اولین نمونه از تدابیر اسم پایه ۵۳

۳/۱/۲. آیات ۵۴ تا ۵۶ سوره اعراف معروف به آیات سخره: دومین نمونه از تدابیر اسم پایه ۵۳

۳/۱/۳	قرائت معوذتین و هفت بار ذکر تسمیه و حوقله با هم: سومین و چهارمین نمونه از تدابیر اسم پایه	۵۳
۳/۱/۴	معرفت داشتن به ورودی و خروجی های جن به خان: یکی از سیاق های بحث از تدابیر اسم پایه	۵۷
۳/۲	تدابیر شیء پایه مربوط به استفاده از اشیاء برای علاج مس جن	۶۰
۳/۲/۱	تدابیر مربوط به استفاده از حیوانات خانگی مانند کبوتر و خروس سفید	۶۰
۳/۲/۲	تدابیر مربوط به استفاده از مواد خوراکی مانند سیب، گوشت شتر، سرکه و نمک طبیعی	۶۲
۳/۲/۳	تدابیر مربوط به استفاده نکردن از غذای جن ها مانند تمیز نکردن کامل گوشت استخوان ها در غذا	۶۴
۳/۲/۴	تدابیر مربوط به استفاده نکردن از اشیای مورد علاقه جن ها مانند آهن، آب و الکل	۶۷
۳/۲/۵	جداسازی بخشهای مرطوب خانه مانند حمام و سرویس بهداشتی از نقاط خشک مانند پذیرایی در معماری ساختمان	۶۸
۷۶	پیوست ها	
۷۶	پیوست شماره یک: مسجد	
۷۶	بخش اول: آیات	
۷۸	بخش دوم: روایات	
۸۳	پیوست شماره دو: مرجعیت علمی مطلقه قرآن و روایات	
۸۳	بخش اول: آیات	
۸۴	بخش دوم: روایات	
۸۸	پیوست شماره سه: مدرسه فقهی هدایت	
۸۸	مطلب اول:	
۸۸	مطلب دوم:	
۸۹	مطلب سوم:	
۹۱	مطلب چهارم:	

۹۳ پیوست شماره چهار: بیان مبتنی بر سیاق.

سلام علیکم و رحمه الله و برکاته

بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا و نبينا و شفيعنا في يوم الجزاء و حبيب قلوبنا و طيب نفوسنا ابي القاسم محمد و على اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين المكرمين المنتجبين سيما بقيه الله في الارضين ارواحنا لتراب مقدمه الفداء وعجل الله تعالى فرجه الشريف واللعن الدائم على اعدائه اعداء الله من الان الى قيام يوم الدين.

۱. مقدمه: پرسش چهارم دوره مسجد و اداره جامعه درباره برنامه های اجرایی مساجد

۱/۱. برنامه کاهش قیمتها، برنامه سلام، برنامه عطر، برنامه افزایش عقل و... به عنوان چند نمونه از برنامه ها

بحث ما در شرح پرسش چهارم^۱ دوره مباحثاتی مسجد^۲ و اداره جامعه^۳ بود. عرض کردیم که این پرسش مربوط به شرح برنامه های اجرایی یک مسجد است. در جلسات گذشته راجع به شش برنامه به صورت اجمال صحبت

^۱ ارجاع پرورشی: عرض کردیم مهم ترین پرسش از میان این پرسش های هفتگانه، پرسش چهارم است چرا که به تبیین برنامه های اجرایی یک مسجد می پردازد. کارکردش این است که اقدامات امام جمعه و امام جماعت را برای نظام سازی و حل مسئله شرح می دهد.

حجه الاسلام کشوری. جلسه نهم دوره مباحثاتی مسجد و اداره جامعه. ۳۱ خرداد ۱۴۰۲ بنیاد هدایت / قم

برای دریافت متن کامل این سخنرانی به نشانی زیر مراجعه فرمایید.

<https://eitaa.com/olgou4/6181>

^۲ ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره اعراف آیه ۲۹: قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَكَ بگو: پروردگارم به میانه روی [در همه امور و به اجتناب از افراط و تفریط] فرمان داده و [امر فرموده]: در هر مسجدی [به هنگام عبادت] روی [دل] خود را [آن گونه] متوجه خدا کنید [که از هر چیزی غیر او مُنقطع شود]، و او را در حالی که ایمان و عبادت را برای وی از هر گونه شرکی خالص می کنید بخوانید؛ همان گونه که شما را آفرید، [پس از مرگ به او] باز می گردید.

برای مطالعه بیشتر درباره "مسجد" به پیوست شماره یک مراجعه فرمایید.

^۳ ارجاع پرورشی: هفت محور جلسه:

روش استنباط در مسئله مسجد چیست؟

مفاهیم پایه مسجد کدامند؟

ساختار خدمات مسجد برای تحقق مفاهیم پایه چیست؟

ابزارهای امام جماعت برای تحقق مفاهیم پایه کدامند؟

اقدامات کاربردی چهل گانه مسجد چیست؟

نحوه تامین مالی مسجد چگونه است؟

کتابخانه و حوزه علمیه پشتیبان مسجد چگونه باید باشد؟

حجه الاسلام علی کشوری. جلسه اول دوره بحثی مسجد و اداره جامعه. بنیاد هدایت قم

برای دریافت متن کامل جلسه به نشانی زیر مراجعه فرمایید.

<https://eitaa.com/olgou4/5519>

کردیم: برنامه کاهش قیمتها^۴، برنامه تسهیل بازی کودکان^۵، برنامه سلام^۶، برنامه عطر^۷، برنامه شادی آفرینی در مساجد^۸ و نهایتاً برنامه ی افزایش عقل^۹. بنا شد که ان شاء الله برای هر کدام از این برنامه ها هم در آینده یک جلسه مجزا داشته باشیم تا بتوانیم بیشتر گفت و گو کنیم.

^۴. ارجاع پرورشی: عرض کردیم که امام جمعه و جماعت باید برای کاهش قیمتها برنامه داشته باشد. گفتیم که مهم ترین راهکار برای کاهش قیمت، رایگان کردن محل فروش و عرضه طبیات است. این موضوع را در مباحثی مانند "الگوی فقهی تحلیل و مهار تورم" بیشتر توضیح داده ایم. حجه الاسلام علی کشوری. دهمین جلسه دوره مسجد و اداره جامعه، تیر ماه ۱۴۰۲ بنیاد هدایت قم

اولین مورد آنها تصمیم به کاهش قیمت هاست: چرا این را عنوان کرده ایم؟ چون در روایت دارد که "غلاء السعر" و گرانی موجب بدخلقی در جامعه می شود. چون مؤمن هم صاحب حرفه و تولید کننده است_البته تولید کننده خُرد و نه سرمایه دار کار آفرین_ بنابراین اگر می خواهید ارتباط تان را با دیگران برقرار کنید می توانید از طریق مباحث مربوط به قیمتها این کار را بکنید.

حجه الاسلام کشوری. نهمین جلسه دوره بحثی مسجد و اداره جامعه. ۳۱ خرداد ۱۴۰۲ بنیاد هدایت قم
برای دریافت متن کامل این سخنرانی به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<https://eitaa.com/olgou4/6181>

^۵. ارجاع پرورشی: طرح دیگری که باید اجرایی شود، تسهیل بازی کودکان است. یک امام جمعه و جماعت، تبعاً لنبی مکرم اسلام صلوات الله علیه باید به مدیریت بازی کودکان اهتمام داشته باشند. ما باید توجه داشته باشیم تا بازی برای کودکان در ذهن همه یک مسئله جدی تلقی شود. اگر امروز بخواهیم بحث کنیم باید بگویم: [در نهادها و ساختارهای کنونی]، شورای فرهنگ عمومی در شهرها باید توجه ویژه ای به این مسئله داشته باشد که البته آنها هم تخصص لازم برای پرداختن به این موضوع را ندارند. نتیجه اینکه خود ائمه جمعه و جماعت باید یک برنامه ی ویژه برای تسهیل بازی کودکان داشته باشند. همانطور که عرض کردیم ارکان طرح تسهیل بازی کودکان، تغییر تصور مردم درباره ی مسئله اسباب بازی است. دیگری آماده سازی محیط بازی بود که در مرحله اول حیاط خانه است و بعد هم حیاط مساجد. ما حق نداریم به بهانه بازی، فرزندانمان را در محیط های نا امنی مثل گیم نت ها و سایر محیط های مدرن رها کنیم.

حجه الاسلام علی کشوری. دهمین جلسه دوره مسجد و اداره جامعه، تیر ماه ۱۴۰۲ بنیاد هدایت قم

^۶. ارجاع پرورشی: برنامه دیگری که امام جمعه و جماعت برای تنظیم صحیح روابط انسانی باید دنبال کنند، مسئله مدیریت ابتدای برخورد انسان ها با هم است. وقتی انسانها همدیگر را ملاقات می کنند، نقطه آغاز و لحظه ی ختم دیدار از حساسیت ویژه ای برخوردار است. امام جمعه و جماعت ذیل حکم شریف "سلام" نحوه برخوردها و ملاقات های افراد را در محله مدیریت می کنند. در واقع مسئله "سلام" روش مدیریت ملاقات اول است. البته ملحق به این موضوع، مجموعه ای از دیگر مباحث هم مطرح است. مثلاً سلام همراه با خنده رویی و بشاشت یا سلام همراه با افشاء و آشکار گفتن آن.

حجه الاسلام علی کشوری. دهمین جلسه دوره مسجد و اداره جامعه، تیر ماه ۱۴۰۲ بنیاد هدایت قم

^۷. ارجاع پرورشی: چهارمین کاری که ضرورت دارد در مساجد درباره اش گفت و گو شود، اجرای طرح عطر است. عرض کردیم که عطر یک مسئله ذو ابعاد است و نگاه به آن باید ارتقاء پیدا کند. پوزیتیویست ها خیلی نمی توانند کارکردهای عطر را توضیح دهند و برای فهمیدن جایگاه عطر باید شاگرد انبیاء علیهم السلام شد. انبیاء علیهم السلام می فرمایند: عطر یک داروی اورژانسی برای کاهش نزاع های اجتماعی است. در روایت مربوط به عطر نرگس، حضرت علیه السلام می فرمایند: نرگس عطری است که جنون انسان ها را کاهش می دهد. جنون در روایت یعنی عصبانیت های بی در پی که مهم ترین عامل تخریب روابط انسانی است. بنابراین یکی از کارکردهای گسترش عطر، کاهش نزاع و ناراحتی ها در جامعه است. اگر فرماندهان محترم نیروی انتظامی یا قضات محترم کشور می خواهند سطح پرونده ها و نزاع ها کاهش پیدا کند، پیشنهاد همیشگی ما این بوده که مسئله عطر را در جامعه جدی بگیرند. عطر حتی باعث کاهش نزاع میان کسانی می شود که گرفتار غلبه و اختلال مزاجی شده اند. خاصیت عطر این است که به سرعت روی مغز

و قلب اثر می‌گذارد، کما اینکه در روایت آمده است که: الطیب یشد القلب. از دیگر سوی، "قلب" امیرالجوارح است و آرام کردن آن یعنی آرام کردن همه جوارح.

حجه الاسلام علی کشوری. دهمین جلسه دوره مسجد و اداره جامعه، تیر ماه ۱۴۰۲ بنیاد هدایت قم

^۸. ارجاع پرورشی: برنامه اجرایی شادی آفرینی در محله: ائمه جمعه و جماعت باید تثبیت مسئله لذتهای حلال و ارتقای تفریح را در دستور کار خودشان قرار دهند. به این دلیل که در روایات ما تأکید شده اگر کسی نتواند مسئله لذتهای حلال خود را مدیریت کند، به دیگر امور نمی‌تواند رسیدگی کند. مثلاً تکلیف به عبادت از جمله نماز خواندن. حضرت می‌فرماید: اگر وقت برای لذت حلال نداشته باشید، عبادت هم به نحو اتم انجام نخواهد شد. در همین فضا امام علیه السلام می‌فرماید: اگر میان دو نفر متأهل و مجرد مخیر شدید، فرد متأهل را برای امام جماعت شدن انتخاب کنید. به این دلیل که از نظر شارع، کسی که لذت حلال دریافت می‌کند، تعادل شخصیتی و عمق معرفتی بیشتری دارد. روایتش همان است که امام علیه السلام می‌فرماید: اوقات تان را چهار قسمت کنید که افضل اوقات، زمانی است که آن را به لذتهای حلال اختصاص داده‌اید.

حجه الاسلام علی کشوری. دهمین جلسه دوره مسجد و اداره جامعه، تیر ماه ۱۴۰۲ بنیاد هدایت قم

^۹. ارجاع پرورشی: ششمین برنامه‌ای که باید در مسجد و محله دنبال کنیم و بویژه ائمه جمعه هم آن را به عنوان یکی از برنامه‌های ثابت شهر پیگیری کنند، برنامه افزایش عقل است. همان‌طور که می‌دانید اساساً مخاطب شارع با عقول است و اگر عقل کسی تضعیف شود، کما اینکه در دوران مدرنیته این‌گونه است. گزاره‌های شارع را درک نمی‌کند. پایه تصمیم‌گیری درست عقل است. در روایت دارد که شاگرد کسی که علمش بیشتر از عقلش است نشوید. بعضی‌ها حتی اهل روایت هستند اما قوه عقلی‌شان کمتر از اطلاعات روایی‌شان است. به همین دلیل روایات می‌فرمایند شاگرد چنین انسان‌هایی نشوید. خانم‌ها وقتی که می‌خواهند ازدواج کنند، در اصل تشخیص کفویت باید اعتبار عقل را مد نظر قرار دهند. چه کسی هم کفو شماست؟ کسی که از لحاظ عقلی هم درجه شماست. مسئله عقل خیلی مهم است. وقتی که مشغول تربیت فرزندان خود هستید، اول باید بر ارتقا و تقویت عقلی آنها تمرکز کنید.

حجه الاسلام علی کشوری. دهمین جلسه دوره مسجد و اداره جامعه، تیر ماه ۱۴۰۲ بنیاد هدایت قم

۲. نحوه مواجهه با پدیده مس جن: یکی دیگر از برنامه های کاربردی مساجد

۲/۱. اصل واقع شدن پدیده مس جن، به عنوان یک حقیقت مورد تاکید قرآن کریم

۲/۲. وجود یک بازار مالی با گردش مالی بالا برای ابطال سحر و جادو در نتیجه عدم ورود حوزه های علمیه

اگر وقت اجازه بدهد امروز می خواهیم درباره دو برنامه دیگر توضیحاتی را تقدیم کنیم. برنامه ی اول درباره نحوه مواجهه با پدیده "مس جن"^{۱۰} است. می خواهیم درباره ویژگی های این مخلوق خداوند متعال بیشتر بدانیم و همینطور وارد تدابیر حوزه مس جن هم خواهیم شد. در صورتی که وقت داشته باشیم به صورت اجمال درباره بسته "اجتهاد برای کودکان"^{۱۱} هم توضیحاتی عرض خواهیم کرد. درباره پدیده "مس جن" باید بدانیم که اولاً اصل وجود

۱۰. ارجاع پژوهشی:

ویژگی های جن از دیدگاه قرآن

- ۱- جن موجودی است که از شعله های آتش آفریده شده، برخلاف انسان که از خاک آفریده شده است.
 - ۲- دارای عقل، علم، درک و تشخیص حق از باطل و قدرت منطق و استدلال است.
 - ۳- دارای تکلیف و مسئولیت هستند.
 - ۴- طایفه جن نیز مرد و زن دارند.
 - ۵- گروهی از آنها مؤمن صالح و گروهی کافرند.
 - ۶- دارای حشر و نشر و معادند.
 - ۷- آنها در آسمان ها بوده و خبرگیری و استراق سمع داشتند و بعداً ممنوع شدند.
 - ۸- در میان آنها افرادی یافت می شوند که از قدرت زیادی برخوردارند، همان گونه که در میان انسان ها نیز چنین است: مثلاً یکی از آنها به سلیمان گفت: «من تخت ملکه سبا را پیش از آن که از جای برخیزی از سرزمین او به این جا می آورم!»
 - ۹- آنها قدرت انجام بعضی کارهای مورد نیاز انسان را دارند: «گروهی از جن پیش روی سلیمان به اذن پروردگار کار می کردند، و برای او معبد ها، تمثال ها و ظروف بزرگ غذا تهیه می کردند.
 - ۱۰- خلقت آنها در روی زمین قبل از خلقت انسان ها بوده است.
- روایتی از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمود: «خداوند جن را پنج صنف آفریده است: صنفی مانند باد در هوا (ناپیدا هستند) و صنفی به صورت مارها، و صنفی به صورت عقرب ها، و صنفی حشرات زمینند و صنفی از آنها مانند انسانند که بر آنها حساب و عقاب است.
- پس جن نیز مانند انسان موجودی است مادی و همانند انسان دارای روح است.

پس به طور کلی دارای حیات هدفدار و معنادار می باشد که دارای ویژگی هایی است که حشر و نشر (معاد) را برای او لازم می گرداند.

الرحمن /سوره ۵۵، آیه ۱۵ / آیات مختلف سوره جن / آیات سوره جن و الرحمن / جن /سوره ۷۲، آیه ۶ / جن /سوره ۷۲، آیه ۱۱ / جن /سوره ۷۲، آیه ۱۵ / جن /سوره ۷۲، آیه ۹ / نمل /سوره ۲۷، آیه ۳۹ /سبا /سوره ۳۴، آیات ۱۲۱۳ / حجر /سوره ۱۲، آیه ۲۷ / سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۸۶ / ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۱۵۷ / معارف قرآن، استاد مصباح یردی، قم، ص ۳۱۰ / تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ج ۱۲، ص ۲۲۵.

۱۱. ارجاع پرورشی: برنامه افزایش استعداد مدرسه هدایت چه می گوید؟!

اولین برنامه کاربردی یک مسجد، برنامه استعداد آفرینی است. خانواده ها می توانند: با فهم و رعایت برخی از توصیه های شارح محترم در خود و دیگران سطح استعداد ها را افزایش دهند. برخی از اصول افزایش استعداد و افزایش رشد در همه افراد به شرح زیر است:

اصل اول: رعایت آداب پنجگانه انعقاد نطفه، اولین روش برای افزایش استعدادهای جسمی، فکری و اخلاقی افراد است. از نظر شارع عالم، شروع استعداد آفرینی در افراد وابسته به رعایت آداب پنجگانه انعقاد نطفه است. برای شرح بیشتر مسئله ارتباط استعداد های انسان با انعقاد نطفه به کتاب اجتهاد برای کودکان (<https://eitaa.com/olgou4/5468>) رجوع کنید. (استعدادهای پایه)

اصل دوم: برنامه ریزی برای مسئله بازی کودکان و عدم ارائه امر و نهی به کودک در هفت سال اول زندگی (سید بودن فرزند)، فرزند شما را از حیث قدرت تصمیم گیری رشد می دهد. یکی از مهمترین استعدادهای اخلاقی و فکری مورد نیاز برای انسان در طول زندگی، قدرت تصمیم گیری در صحنه های مختلف زندگی است. (استعداد تصمیم گیری و عدم پذیرش ذلت)

اصل سوم: عبد بودن فرزند در هفت سال دوم به علاوه آموزش کتاب خدا به او در این دوره از زندگی، استعداد پذیرش به موقع (عبد بودن فرزند) را در فرزند شما ایجاد می کند. ۷ سال به فرزند خود امر و نهی کنید و منطبق امر و نهی (کتاب خدا) را به او آموزش دهید؛ تا در موقعیت های لازم زندگی، استعداد و قوت پذیرش در او زنده باشد. انسان علاوه بر قدرت تصمیم گیری، نیازمند قدرت پذیرش حرف صحیح هم می باشد. (استعداد پذیرش حرف صحیح و عدم تکبر در برابر حرف حق و حرف برتر)

اصل چهارم: وزیر بودن فرزند و مشورت کردن با او در هفت سال سوم زندگی (وزیر بودن فرزند)، فرزند شما را با تکنولوژی بسیار پیشرفته مشورت آشنا می کند. مشورت با دیگران یکی از مهمترین استعدادهای مورد نیاز انسان است. مشورت با دیگران یعنی روش اضافه کردن علم صحیح دیگران به علم خود در مسائل مختلف زندگی. (استعداد استفاده از علم صحیح دیگران)

امام جماعت یک مسجد باید برنامه فقهی افزایش استعداد را در محله تحت مدیریت خود آموزش بدهد و والدین را به رعایت این برنامه استعداد آفرینی پیشرفته ترغیب نماید.

حجت الاسلام علی کشوری - نشست تخصصی مسجد و اداره جامعه در جمع ائمه جماعات استان البرز - سه شنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۲ - بنیاد هدایت قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان اپنا

<https://eitaa.com/olgou4/5816>

این امر در کتاب خدا مورد تاکید قرار گرفته است^{۱۲} و بعضی از انبیای گذشته به این پدیده مبتلا شده بودند. علاوه بر این باید توجه کنیم که در مجموعه کتابهای روایی ما هم یک باب مجزا برای موضوع "جن" وجود دارد^{۱۳}. بنابراین

۱۲. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره ص آیه ۴۱: «وَأَذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ». به خاطر بیاور بنده ما ایوب را، هنگامی که پروردگارش را خوانده که شیطان مرا مس کرده و به رنج و عذاب افکنده.

قَوْلُهُ وَ أَذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ قَالَ فَإِنَّهُ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ إِبْنِ فَضَالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَحْرٍ [مَحْبُوبٍ] عَنْ إِبْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ بَلِيَّةِ أَيُّوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّتِي أُبْتَلِيَ بِهَا فِي الدُّنْيَا لِأَنِّي عَلِمْتُ أَنَّكَ قَالَ لِنِعْمَةٍ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَ أَدَى شُكْرَهَا وَ كَانَ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ لَا يُحِبُّ إِبْلِيسُ مِنْ دُونَ الْعَرْشِ فَلَمَّا صَعِدَ وَ رَأَى شُكْرَ نِعْمَةِ أَيُّوبَ حَسَدَهُ إِبْلِيسُ وَ قَالَ يَا رَبِّ إِنَّ أَيُّوبَ لَمْ يُؤَدِّ إِلَيْكَ شُكْرَ هَذِهِ النِّعْمَةِ إِلَّا بِمَا أُعْطَيْتَهُ مِنَ الدُّنْيَا وَ لَوْ حَرَمْتَهُ دُنْيَاهُ مَا أَدَى إِلَيْكَ شُكْرَ نِعْمَةٍ أَبَدًا فَسَلَطْنِي عَلَى دُنْيَاهُ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّهُ لَا يُؤَدِّي إِلَيْكَ شُكْرَ نِعْمَةٍ أَبَدًا، فِقِيلٌ لَهُ قَدْ سَلَطْتُكَ عَلَى مَالِهِ وَ وُلِدِهِ قَالَ فَانْحَدَرَ إِبْلِيسُ فَلَمْ يُبْقِ لَهُ مَالًا وَ وَلَدًا إِلَّا أَعْطَبَهُ فَازْدَادَ أَيُّوبَ شُكْرًا لِلَّهِ وَ حَمْدًا قَالَ فَسَلَطْنِي عَلَى زَرْعِهِ، قَالَ قَدْ فَعَلْتُ فَجَاءَ مَعَ شَيَاطِينِهِ فَتَفَخَّ فِيهِ فَاحْتَرَقَ فَازْدَادَ أَيُّوبَ لِلَّهِ شُكْرًا وَ حَمْدًا فَقَالَ يَا رَبِّ! سَلَطْنِي عَلَى غَنَمِي، فَسَلَطَهُ عَلَى غَنَمِي فَاهْلَكَهَا فَازْدَادَ أَيُّوبَ لِلَّهِ شُكْرًا وَ حَمْدًا وَ قَالَ يَا رَبِّ سَلَطْنِي عَلَى بَدَنِي فَسَلَطَهُ عَلَى بَدَنِي مَا حَلَا عَقْلُهُ وَ عَيْنُهُ فَتَفَخَّ فِيهِ إِبْلِيسُ فَصَارَ قَرْحَةً وَاحِدَةً مِنْ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمِهِ فَبَقِيَ فِي ذَلِكَ ذَهْرًا طَوِيلًا يُحَمِدُ اللَّهَ وَ يُشْكِرُهُ حَتَّى وَقَعَ فِي بَدَنِهِ الدُّودُ وَ كَانَتْ تَخْرُجُ مِنْ بَدَنِهِ فَيَرُدُّهَا وَ يَقُولُ لَهَا اإِزْجِعِي إِلَى مَوْضِعِ الَّذِي خَلَقَكَ اللَّهُ مِنْهُ وَ تَبْنَ حَتَّى أُخْرِجَهُ أَهْلُ الْقَرْيَةِ مِنَ الْقَرْيَةِ وَ الْقُوَّةُ فِي الْمَرْبَلَةِ خَارِجُ الْقَرْيَةِ وَ كَانَتْ امْرَأَتُهُ رَحِيمَةً بِنْتُ يُوسُفَ بْنِ يَعْقُوبَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَ عَلَيْهَا تَتَصَدَّقُ مِنَ النَّاسِ وَ تَأْتِيهِ بِمَا تَجِدُهُ قَالَ فَلَمَّا طَالَ عَلَيْهِ الْبَلَاءُ وَ رَأَى إِبْلِيسُ صَبْرَهُ أَتَى أَصْحَابًا لَهُ كَانُوا زُهَبَانًا فِي الْجِبَالِ وَ قَالَ لَهُمْ: مُرُوا بِنَا إِلَى هَذَا الْعَبْدِ الْمُتَّبَلَى وَ سَأَلَهُ عَنْ بَلِيَّتِهِ فَرَكِبُوا بِغَالًا شَهْبًا وَ جَاءُوا فَلَمَّا دَنَوْا مِنْهُ تَفَرَّتْ بِغَالِهِمْ مِنْ تَتْنِ رِيحِهِ فَقَرَنُوا بَعْضًا إِلَى بَعْضٍ ثُمَّ مَشَوْا إِلَيْهِ وَ كَانَ فِيهِمْ سَابٌّ حَدَّثَ الْكَلْبَ فَقَعَدُوا إِلَيْهِ، فَقَالُوا: يَا أَيُّوبَ لَوْ أَحْبَبْتَنَا بِدُنْيِكَ لَعَلَّ اللَّهَ كَانَ يُهْلِكُنَا إِذَا سَأَلْنَاهُ وَ مَا تَرَى إِتْيَانًا بِهَذَا الْبَلَاءِ الَّذِي لَمْ يُبْتَلِ بِهِ أَحَدٌ إِلَّا مِنْ أَمْرِ كُنْتَ تَسْتَشِرُهُ فَقَالَ أَيُّوبُ وَ عَزَّةُ رَبِّي إِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنِّي مَا أَكَلْتُ طَعَامًا إِلَّا وَ نَيْمٍ أَوْ صَيْفٍ يَأْكُلُ مَعِي وَ مَا عَرَضَ لِي أَمْرَانِ كِلَاهُمَا طَاعَةٌ لِلَّهِ إِلَّا أَخَذْتُ بِأَسَدِهِمَا عَلَى بَدَنِي فَقَالَ الشَّابُّ سَوَاءٌ لَكُمْ عَمَلْتُمْ إِلَى نَبِيِّ اللَّهِ فَعَيَّرْتُمُوهُ حَتَّى أَظْهَرَ مِنْ عِبَادَةِ رَبِّهِ مَا كَانَ يَسْتُرُهَا، فَقَالَ أَيُّوبُ: يَا رَبِّ لَوْ جَلَسْتُ مَجْلِسَ الْحَكَمِ مِنْكَ لَأَدْلَيْتُ بِحُجَّتِي فَبَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ عِمَامَةً فَقَالَ: [يَا] أَيُّوبَ أَذْلَنِي بِحُجَّتِكَ فَقَدْ أَفْعَدْتَنِي مَقْعَدَ الْحَكَمِ وَ هَا أَنَا ذَا قَرِيبٍ وَ لَمْ أَزَلْ فَقَالَ يَا رَبِّ إِنَّكَ لَتَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَعْزُضْ لِي أَمْرَانِ قَطُّ كِلَاهُمَا لَكَ طَاعَةٌ إِلَّا أَخَذْتُ بِأَسَدِهِمَا عَلَى نَفْسِي أَلَمْ أَحْمَدَكَ أَلَمْ أَشْكُرَكَ أَلَمْ أَسْبِّحَكَ قَالَ فَتَوَدَّى مِنَ الْعِمَامَةِ بِعَشْرَةِ أَلْفٍ لِسَانًا يَا أَيُّوبَ مَنْ صَيَّرَكَ تَعْبُدُ اللَّهَ وَ النَّاسُ عَنْهُ غَافِلُونَ وَ تَحْمَدُهُ وَ تُسَبِّحُهُ وَ تُكَبِّرُهُ وَ النَّاسُ عَنْهُ غَافِلُونَ أَتَمُنُّ عَلَى اللَّهِ بِمَا لِلَّهِ فِيهِ الْمِثَّةُ عَلَيْكَ قَالَ: فَأَخَذَ أَيُّوبُ الْكِرْبَابَ فَوَضَعَهُ فِي فِيهِ ثُمَّ قَالَ لَكَ الْعُنْبَى يَا رَبِّ أَنْتَ فَعَلْتَ ذَلِكَ بِي، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ مَلَكًا فَرَكَضَ بِرِجْلِهِ فَخَرَجَ الْمَاءُ فَعَسَلَهُ بِذَلِكَ الْمَاءِ فَعَادَ أَحْسَنَ مَا كَانَ وَ أَطْرَأَ وَ أَتَبَّتْ اللَّهُ عَلَيْهِ رَوْضَةً خَضْرَاءَ وَ رَدَّ عَلَيْهِ أَهْلَهُ وَ مَالَهُ وَ وَلَدَهُ وَ زَرْعَهُ وَ قَعَدَ مَعَهُ الْمَلِكُ يُحَدِّثُهُ وَ يُؤْنِسُهُ، فَأَقْبَلَتْ امْرَأَتُهُ مَعَهَا الْكِسْرَ، فَلَمَّا اتَّهَتْ إِلَى الْمَوْضِعِ إِذِ الْمَوْضِعِ مُتَعَبِّرٌ إِذَا رَجُلَانِ جَالِسَانِ فَبَكَتْ وَ صَاحَتْ وَ قَالَتْ يَا أَيُّوبَ مَا ذَهَبَ فَنَادَاهَا أَيُّوبُ، فَأَقْبَلَتْ فَلَمَّا رَأَتْهُ وَ قَدَّ رَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بَدَنَهُ وَ نِعْمَتَهُ سَجَدَتْ لِلَّهِ شُكْرًا فَرَأَى ذَوَابَّتَهَا مَقْطُوعَةً وَ ذَلِكَ أَنَّهَا سَأَلَتْ قَوْمًا أَنْ يُعْطَوْهَا مَا تَحْمِلُهُ إِلَى أَيُّوبَ مِنَ الطَّعَامِ وَ كَانَتْ حَسَنَةَ الدَّوَابِّ فَقَالُوا لَهَا تَبِعِينَا ذَوَابَّتِكَ هَذِهِ حَتَّى نُعْطِيكَ فَقَطَعَتْهَا وَ دَفَعَتْهَا إِلَيْهِمْ وَ أَخَذَتْ مِنْهُمْ طَعَامًا لِأَيُّوبَ، فَلَمَّا رَأَاهَا مَقْطُوعَةً الشَّعْرِ غَضِبَ وَ حَلَفَ عَلَيْهَا أَنْ يَضْرِبَهَا مِائَةَ سَوْطٍ فَأَخْبَرْتَهُ أَنَّهُ كَانَ سَبَبُهُ كَيْتٌ وَ كَيْتٌ فَاعْتَمَّ أَيُّوبُ مِنْ ذَلِكَ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ «وَ خُذْ بِيَدِكَ ضِغْنًا فَاضْرِبْ بِهِ وَ لَا تَحْنُتْ» ۱-۳۸: ۴۳-۴۴ فَأَخَذَ مِائَةَ شِمْرَاخٍ فَضْرَبَهَا ضَرْبَةً وَاحِدَةً فَخَرَجَ مِنْ يَمِينِهِ ثُمَّ قَالَ: «وَ وَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَ ذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ» ۱-۱۳: ۴۳ قَالَ: قَرَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَهْلَهُ الَّذِينَ مَاتُوا قَبْلَ الْبَلَاءِ وَ رَدَّ عَلَيْهِ أَهْلَهُ الَّذِينَ مَاتُوا بَعْدَ مَا أَصَابَهُ الْبَلَاءُ كُلُّهُمْ أَحْيَاهُمُ اللَّهُ تَعَالَى، فَعَاشُوا مَعَهُ، وَ سِئِلُ أَيُّوبَ بَعْدَ مَا عَاقَاهُ اللَّهُ أَيُّ شَيْءٍ كَانَ أَشَدَّ عَلَيْكَ مِمَّا مَرَّ عَلَيْكَ قَالَ: شِمَاتَةُ الْأَعْدَاءِ قَالَ فَأَمْطَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي دَارِهِ فَرَأَسَ الذَّهَبِ وَ كَانَ يَجْمَعُهُ فَإِذَا ذَهَبَ الرِّيحُ مِنْهُ بِشَيْءٍ عَدَا حَلْفَهُ قَرَدَهُ، فَقَالَ لَهُ جَبْرَيْلُ: أَمَا تَشْبَعُ يَا أَيُّوبَ قَالَ: وَ مَنْ يَشْبَعُ مِنْ رِزْقِ رَبِّهِ

امام صادق (علیه السلام) - ابوبصیر گوید: «درباره‌ی بلاهایی که به ایوب (علیه السلام) رسید از آن حضرت (علیه السلام) سؤال کردم که علت آن‌ها چه بود؟» فرمود: «به جهت نعمت دنیایی بود که خداوند به او عطا کرد و او موفق به شکر آن نعمت شد و ابلیس که در آن زمان هنوز از زیر عرش رانده نشده بود (از مادون عرش محبوب نشده بود)، وقتی صعود کرد و شکر بی اندازه‌ی ایوب (علیه السلام) را مشاهده نمود به حسد دچار شد و گفت: «پروردگارا!

اگر ایوب (علیه السلام) تو را سپاس می گوید به جهت آن است که تو همواره در دنیا به او نعمت داده‌ای و اگر او را از دنیا و نعماتش محروم کنی او هم ابداً تو را شکر نخواهد گفت، مرا بر دنیایش مسلط کن تا بدانی او هیچ‌گاه شکر نعمتی را برای تو به‌جا نمی‌آورد». خداوند فرمود: «ای شیطان! تو را بر مال و فرزند او مسلط کردم»، پس شیطان به سرعت دست به کار نابودی مال و فرزندان ایوب (علیه السلام) شد، بعد از نابودی مال و فرزندان، ایوب (علیه السلام) بیشتر به درگاه خدا شکر و سپاس به‌جا آورد، شیطان عرضه داشت: «خدایا مرا بر کشت و زرع او مسلط ساز!» خطاب رسید: «چنین کردم»، پس شیطان با اعوانش به سراغ کشت و زرع ایوب (علیه السلام) رفتند و با نفخه‌ی (دمیدن) خود آن را به آتش کشیدند، اما شکر و سپاس ایوب (علیه السلام) به درگاه خداوند بیشتر شد. شیطان عرضه داشت: «خدایا! مرا بر چهارپایان و گله‌ی او مسلط ساز!» وقتی به او اجازه داده شد، همه‌ی دام‌های ایوب (علیه السلام) را هلاک کرد، باز هم ایوب (علیه السلام) شکر و سپاس بیشتری به‌جا آورد، این بار شیطان گفت: «خدایا! مرا بر بدن او مسلط ساز»، پس خداوند او را بر بدن او به‌جز عقل و چشمانش مسلط کرد. پس شیطان در بدن او دمید که موجب ایجاد زخمی شد که از فرق سر تا نوک پای او را فرا گرفت و مدت‌ها آن جراحت باقی بود و ایوب (علیه السلام) مدت مدیدی در آن حال باقی ماند و ایوب (علیه السلام) همواره خدا را شکر و سپاس می‌گفت تا آنجا که بدنش کرم گذاشت و آن‌ها از بدن او بیرون می‌آمدند و آن‌ها را بر می‌گرداند و به آن‌ها می‌گفت: «به همان جایی که خداوند شما را از آن خلق کرده باز گردید»، سپس آن عفونت‌ها بد بوی شد تا آنجا که اهل قریه او را بیرون کردند و وی را به زباله‌دانی بیرون شهر بردند و همسر او رحیمه دختر یوسف بن یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم خلیل الله (علیه السلام) بود که از میان مردم صدقه می‌گرفت و برای گذراندن زندگی به نزد ایوب (علیه السلام) می‌برد. وقتی رنج و بلا ی ایوب (علیه السلام) طولانی شد و ابلیس باز هم از او صبر دید، همه‌ی یارانش را که در کوه‌ها راهب بودند فرا خواند و گفت: «بیا بیاید برویم و از این بنده‌ی مبتلا دربار‌ی بلایی که به او رسیده بپرسیم»، پس سوار بر مرکب‌های خود از اسب و استر شدند و وقتی که به ایوب (علیه السلام) نزدیک شدند، حیوانات از بوی تعفن متأذی شدند و رم کردند، آن‌ها فرود آمدند و استران را به هم بستند و مجبور شدند پیاده به نزد او بروند، در میان آن‌ها جوانی نارس بود، آن‌ها در کنار ایوب (علیه السلام) نشستند و عرض کردند: «ایوب (علیه السلام)! کاش ما را از گناهت باخبر می‌کردی! امید است این چنین وقتی به درگاه خداوند به دعا بنشینیم و از او درخواست تندرستی تو را کنیم تا او درخواست ما برآورده سازد، چرا که گمان نمی‌کنیم جز این باشد که تو امری را از ما پنهان کرده‌ای و از آن‌رو، خدا تو را به این بلایی که هیچ‌کس را مبتلا نکرده، دچار نموده است». ایوب (علیه السلام) گفت: «به عزت پروردگارم سوگند! او خود می‌داند که من هیچ غذایی نخوردم جز آنکه در کنار سفره من یتیم و فقیری بود که همسفره‌ی من بود و هرگز دو امر بر من عرضه نشد که هر دو طاعت الهی باشد مگر اینکه آن را برگزیده‌ام که بر بدنم دشوارتر بوده است». آن جوان به یارانش گفت: «بدا به حال شما! که نزد پیغمبر خدا آمدید و او را سرزنش کردید تا او بخواهد آنچه را در عبادت خدا از شما پنهان می‌کرده آشکار سازد. ایوب (علیه السلام) عرض کرد: «پروردگارا! اگر در جایگاه دادخواهی از تو بنشینم، هرآینه حجت خود را بر تو عرضه می‌دارم». ناگاه خداوند ابری به‌سوی او فرستاد و فرمود: «ای ایوب (علیه السلام)! حجت خود را عرضه دار که اکنون تو را در جایگاه دادخواهی نشانده‌ام و این منم که همواره نزدیک تو هستم». ایوب (علیه السلام) عرض کرد: «پروردگارا! تو خود می‌دانی که هرگاه برای عبادت تو دو امر در نظرم رسیده، آن را برگزیده‌ام که بر نفسم دشوارتر بوده است، آیا حمد تو نگفتم؟ آیا شکر تو به‌جا نیاوردم؟ آیا تو را تسبیح نگفتم؟» در آنگاه از ابر به ده هزار زبان ندا رسید: «ای ایوب (علیه السلام)! چه کسی تو را بر آن داشت تا خدا را پرستش کنی، حال آنکه مردم از او غافل بودند؟ و چه کسی تو را بر آن داشت تا خدا را حمد و تسبیح و تکبیر گویی، حال آنکه مردم از او در غفلت بودند؟ آیا به خاطر کاری که در آن خدا بر تو منت دارد، بر خدا منت می‌گذاری؟ در آن دم ایوب (علیه السلام) دست در خاک برد و خاک بر دهان خود ریخت و عرض کرد: «پروردگارا! نکوهش من حق توست، این تو بودی که با من چنین کردی». پس خداوند فرشته‌ای به‌سوی فرستاد و آن فرشته پا بر زمین زد و از جای پایش چشمه‌ای سر برآورد و ایوب (علیه السلام) را در آن آب بشست و اینچنین ایوب (علیه السلام) از آنچه که پیش‌تر بود، نیک‌تر و شاداب‌تر گشت و خداوند به دورش باغی سبز رویانید و خاندان و مال و فرزند و کاشته‌ها را به او بازگرداند و آن فرشته به کنارش نشست و با او همدم و هم‌سخن شد. در همان حال، همسر ایوب (علیه السلام) تگه نانی خشک در دست، به راه افتاد و چون به آن جایگاه رسید، همه چیز را درگگون یافت و دو مرد را دید که در کنار هم نشسته‌اند، پس گریست و فغان برآورد و گفت: «ایوب (علیه السلام)! چه بلایی بر سرت آمد؟» ایوب (علیه السلام) او را صدا زد و او رو سوی حضرت کرد و وقتی دید خداوند بدن ایوب (علیه السلام) و دیگر نعمت‌های خود را به او بازگردانده، به سجده افتاد و شکر خدا به‌جا آورد. ناگهان ایوب (علیه السلام) گیسوان همسرش را بریده دید، چرا که او به نزد قومی رفته بود تا از آن‌ها برای ایوب، اندکی غذا بگیرد و آن قوم گیسوان او را نیک یافته و به او گفته بودند، اگر گیسوان خود را به ما بدهی، ما به تو غذا می‌دهیم. او هم گیسوان خود را چیده و به آن‌ها داده بود و از آن‌ها برای ایوب (علیه السلام) غذایی گرفته بود. چون حضرت گیسوان او را بریده دید، برافروخت و سوگند یاد کرد که صد تازیانه به او بزند. چون همسرش آن ماجرا را برای او بازگفت، ایوب (علیه السلام) از سوگند خود اندوهناک شد. آنگاه خداوند عز و جل به او وحی فرمود: *وَحْدُ بَيْدِكَ ضِعْفًا فَأَضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْتَثْ*، پس ایوب (علیه السلام) صد شاخه خرما برداشت و یک

اولین نکته در باره پدیده مس جن این است که مانند سایر موضوعات گذشته، این مسئله را هم باید به صورت فقهی حل و بررسی کنیم^{۱۴} و نباید کارکرد گرایانه به داستان نگاه کنیم. بازار مکاره ای در حال حاضر برای ابطال سحر و

تازیانه به او زد و این گونه سوگند خود را به جا آورد، سپس خداوند متعال فرمود: *وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنَّا وَذِكْرَى لَأُولَى الْأَكْبَابِ* و این گونه خداوند به فرزندان او که پیش از آن بلا یا پس از آن درگذشته بودند، جان دوباره بخشید و آن‌ها را به او بازگرداند و همگی در کنار آن حضرت (علیه السلام) زیستند. پس از اینکه خداوند متعال ایوب (علیه السلام) را سلامتی بخشید، از او پرسیدند: «ای ایوب (علیه السلام)! از این بلاها که بر سرت آمد، کدام یک بر تو دشوارتر بود؟» فرمود: «نکوهش دشمنان». خداوند متعال بر خانه‌ی ایوب (علیه السلام) بارانی از پروانه‌های طلا نازل فرمود و او آن‌ها را جمع می‌کرد و آنچه را از آن پروانه‌ها باد می‌برد، به دنبالش می‌دوید و آن را باز می‌گرداند. جبرئیل عرض کرد: «ای ایوب (علیه السلام)! سیر نمی‌شوی؟» فرمود: «چه کسی از روزی پروردگارش سیر می‌شود؟»

مصدر: تفسیر القمی ج ۲ ص ۲۳۹ / علل الشرایع ج ۱ ص ۷۶
دیگر منابع: تفسیر البرهان ج ۴ ص ۶۶۰ / بحار الأنوار ج ۱۲ ص ۳۴۱

^{۱۳} ارجاع پژوهشی: برای نمونه می‌توان به مجلدات ۵۴ تا ۶۳ کتاب شریف بحار الأنوار تحت عنوان "کتاب فی السماء و العالم" اشاره کرد. این مجلدات شامل موارد زیر می‌باشد: آسمان و جهان و پیدایش آن‌ها، اجزاء آن‌ها مانند فلکیات، فرشتگان، جن، انسان، حیوان، عناصر، صید. طریق کشتار حیوانات، خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و تمام کتاب طب النبوی و کتاب طب الرضا در ۲۱۰ باب.

^{۱۴} ارجاع پژوهشی: *عِدَّةٌ مِّنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ الْحُرِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: كُلُّ شَيْءٍ مَّرْدُودٌ إِلَى الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ وَكُلُّ حَدِيثٍ لَا يُؤَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زُخْرُفٌ*.
امام صادق علیه السلام فرمود: هر موضوعی باید بقرآن و سنت ارجاع شود و هر حدیثی که موافق قرآن نباشد دروغیست خوش نما.

مصدر: المحاسن ج ۱ ص ۲۲۰ / تفسیر العیاشی ج ۱ ص ۹ / الکافی ج ۱ ص ۶۹
دیگر منابع: مشکاة الأنوار ج ۱ ص ۱۵۲ / الوافی ج ۱ ص ۲۹۷ / وسائل الشیعة ج ۲۷ ص ۱۱۱ / بحار الأنوار ج ۲ ص ۲۴۲ / عوالم العلوم ج ۲۰ ص ۷۹۲

برای مطالعه بیشتر درباره ی مرجعیت علمی مطلقه کتاب و سنت به پیوست شماره دو مراجعه فرمایید.

طلسمات وجود دارد که گردش مالی بالایی هم دارد^{۱۵}. زمانی کسی به مدرسه ما^{۱۶} آمده بود تا مشکلی که در این زمینه دارد حل شود. به بنده می گفت: تاکنون دویست میلیون تومان وام گرفته ام و این پول را به کسانی داده ام که

^{۱۵} ارجاع پرورشی: در کوچه پس کوچه های تنگ و دور افتاده اطراف شهرها مردان و زنانی هستند که عده ای را اسیر جهان و گاهی خباثت خود کرده اند. این گروه که درآمد قابل ملاحظه ای از جهل و نادانی مردم دارند، بیشتر در حاشیه های شهر فعالیت می کنند. رمال ها همان افراد شیادی هستند که تنها با القای مشتت خرافه و راهکار بوج مردم را فریب داده و پول های کلانی به جیب می زنند.

مردی میانسال نزدیک خیابان اکبرآباد - بعد از ماهدشت کرج - در خانه ای کوچک با چندین گربه ریز و درشت زندگی می کند. او خود را ناجی زندگی مردم (!) معرفی می داند و در برابر راه های نجاتی که ارایه می کند ارقام شگفت انگیزی از مردم مطالبه می کند.

مسیر آن قدر دور افتاده است که بدون داشتن وسیله شخصی نمی توان خود را به خانه این رمال رساند. قبل از رفتن حتما نیاز به هماهنگی و وقت قبلی وجود دارد. بدون وقت قبلی پذیرش ممکن نیست. حیطة فعالیت این رمال تمامی امور مربوط به زندگی است. از عشق و ازدواج گرفته تا طلاق و مابقی موارد.

تقریباً با ریش و موی بلند صورت خود را غیر قابل شناسایی کرده است. برای معرفی باید بخشی از اسرار زندگی را در اختیارش گذاشت. تمامی اطلاعات مربوط به مشکل را دریافت می کند و پس از آن راهکار ارایه می دهد.

برای هر مشکل حدود قیمتی وجود دارد: طلسم ازدواج بین ۳ تا ۷ میلیون تومان، دعای گشایش بخت ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تا ۳ میلیون تومان، درمان نازایی ۸ تا ۱۰ میلیون تومان، طلسم زبان بند همسر ۴ تا ۵ میلیون تومان و!...

روزانه بین ۵ تا ۱۰ نفر مراجعه حضوری دارند و سهم طلسم ازدواج و دعای گشایش بخت بیشتر از دیگران است.

یک حساب سرانگشتی نشان می دهد که یک رمال می تواند سالیانه درآمدی میلیاردی داشته باشد در حالیکه برای حفظ ظاهر باید در دخمه هایی تاریک زندگی کند.

منبع: گزارش پایگاه اطلاع رسانی عصر ایران

<https://www.asriran.com/fa/news/800682>

^{۱۶} ارجاع پرورشی: منظور "مدرسه فقهی هدایت" است.

تربیت طلبه ذوالفنون هدف اصلی مدرسه هدایت است!

در مدرسه فقهی هدایت به دنبال تربیت طلبه ذوالفنون هستیم؛ زیرا طلبه باید به همه تخصص های مرتبط با سبک زندگی مسلط باشد. به عبارت دیگر: اصلاح سبک زندگی امری تک بعدی نیست و به اصلاح اموری مانند تغذیه، معماری، آموزش، سلامت، سیاست خارجی، تجارت، نظم اجتماعی، عبرت و میراث فرهنگی، تولید خبر و... نیازمند است.

تجربه ۴۵ سال گذشته به همه ما نشان داده است که سبک زندگی مردم ایران از تفویض امور فوق الذکر به بناهای عقلایی و متخصصین پوزیتیویستی ضربه خورده است. چالش های فعلی تربیتی و غیر تربیتی را ناشی از الگوی غلط معماری، استانداردهای غلط غذا (استانداردهای سازمان غذا و دارو)، آموزش های غیر مفید سیستم آموزشی و... می دانیم و نباید اصلاح سبک زندگی را با تکیه محض بر موعظه دنبال نمائیم. (آسیب شناسی حرکت جمهوری اسلامی و آسیب شناسی امضاها های غلط حوزه بر دانش های ناقص پوزیتیویستی)

در مدرسه تمدنی هدایت ۹ دسته تخصص فقهی مرتبط با سبک زندگی (مجموعاً ۴۰۰ نظریه فقهی) را آماده کرده ایم و مشغول انتقال این مفاهیم در قالب راه اندازی چرخه چهار بخشی تحریک فکر به نخبگان و اقویای شیعه هستیم. اصلاح سبک زندگی نیازمند تفقه بیشتر در ۱- امامت، ۲- علم، ۳- تزکیه، ۴- مکاسب، ۵- بیان، ۶- نظم، ۷- فرقان، ۸- عبرت و ۹- نفی سبیل است. (طبقه بندی جدید دانش)

حجت الاسلام علی کشوری - تبیین هدف مدرسه تمدنی هدایت در روز میلاد حضرت مدینه العلم (روحی فداه) ۱۷ ربیع الاول ۱۴۴۵ - قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پيامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5656>

در این زمینه ها مدعی انجام کارند اما تاکنون نتوانسته اند مشکل ما را حل کنند. عمده این افراد مدعی، روایت نخوانده اند^{۱۷}. ریشه این بازار مکاره و چالش هایی که برای مردم ایجاد کرده، مانند سایر عرصه ها به عدم ورود حوزه های علمیه و عدم پرسش از کتاب خدا در این مسئله باز می گردد^{۱۸}. اساسا هر جایی که تفکرات پیامبران و آیات الهی محور قرار نگیرد، مسائل دشوار می شود^{۱۹} و راه حل های سخت و ناکارآمد از طرف دستگاه دانشی

برای مطالعه بیشتر درباره مدرسه فقهی هدایت به پیوست شماره سه مراجعه فرمایید.

^{۱۷} ارجاع پژوهشی: أَبِي رَحْمَةَ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بُرَيْدِ الرَّزَّازِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بُنَيَّ إِعْرِفْ مَنَازِلَ الشَّيْعَةِ عَلَى قَدْرِ رَوَايَتِهِمْ وَ مَعْرِفَتِهِمْ فَإِنَّ الْمَعْرِفَةَ هِيَ الدَّرَائِبَةُ لِلرَّوَايَةِ وَ بِالذَّرَائِبَاتِ لِلرَّوَايَاتِ يَعْلُو الْمُؤْمِنُ إِلَى أَقْصَى دَرَجَاتِ الْإِيمَانِ إِنِّي نَظَرْتُ فِي كِتَابِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَوَجَدْتُ فِي الْكِتَابِ أَنَّ قِيَمَةَ كُلِّ إِمْرِي وَ قَدْرَهُ مَعْرِفَتُهُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُحَاسِبُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ مَا آتَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ فِي دَارِ الدُّنْيَا.

برید رزّاز از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: (پدرم) امام باقر علیه السلام بمن چنین فرمودند: فرزندم، حدّ دانش و درک پیروان مکتب علی علیه السلام را از اینکه آنان چه مقدار سخنان معصومین را آموخته و درک نموده اند و به دیگران می آموزند بدست بیاور. زیرا، شناخت آنان از گفتار پیشوایان دین و آگاهی ایشان بوسیله درک فرمایشات معصومین باعث می شود که مؤمن، خود را به بلندترین قلّه های ایمان برساند، من کتابی از حضرت علی علیه السلام مطالعه می کردم که این عبارت را در آن مشاهده نمودم: معیار ارزش و مقام هر کس، اندازه آگاهی و شناخت وی می باشد، زیرا خداوند تبارک و تعالی هنگام سنجش اعمال انسان، به اندازه خردی که در دنیا به او داده است کردارش را حساب می کشد.

مصدر: معانی الأخبار ج ۱ ص ۱ / الأصول الستة عشر (ط - دار الشبستری) ج ۱ ص ۳ / الكافي ج ۱ ص ۵۰

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۱ ص ۱۰۶ / منية المرید ج ۱ ص ۳۷۲ / الوافي ج ۱ ص ۲۲۵ / وسائل الشيعة ج ۲۷ ص ۷۹ / وسائل الشيعة ج ۲۷ ص ۱۳۷ / مستدرک الوسائل ج ۱۷ ص ۲۹۶

^{۱۸} ارجاع پرورشی: تعریف اجتهاد در فقه هدایت

اجتهاد در یک جمله به معنای استنطاق از امام علیه السلام است (کشف هدایت) و این تعریف را در مقابل تعریف مشهور الفقه هو العلم بالأحكام الشرعية الفرعية عن ادلتها التفصيلية (معالم) مطرح کرده ایم. در شرح کلمه استنطاق از امام دو نکته را عرض می کنیم: نکته اول اینکه: استنطاق از امام علیه السلام به محوریت یک پرسش یا چند پرسش است و اساساً استنطاق، وابسته به وجود پرسش در قلب فرد است. اگر پرسشی نباشد؛ استنطاقی هم متصور نیست! از نتایج نکته اول این است که: تحریک فکر افراد و به دست گیری نبض تفکر جامعه؛ زمینه سازی برای گسترش تفقه و اجتهاد است.

ابزارهای غیر بیانی، بیان نظری پرسش مطلوب و تنقیح پرسش های غلط مخاطبین، مراحل سه گانه ایجاد پرسش در مرحله اول استنطاق از امام علیه السلام محسوب می شود (مرحله اول فرآیند تفقه)

نکته دوم آنکه: امام علیه السلام با روشی تأسیسی و البته قابل فهم برای عرف با استنطاق فرد مواجه می شوند و قواعد نه گانه ظرفیت، تأمل، مکث، نظام مقایسه، رفق، منزلت، افتتاح، سیاق و کم را در مواجهه با استنطاق فرد رعایت می کنند. فرد فقیه با رعایت قواعد نه گانه فوق با استنطاق فرد مواجه می شود و به ابلاغ معذر و منجز اکتفاء نمی کند. والله العالم

حجت الاسلام علی کشوری - گفتگو با جمعی از طلاب مدرسه هدایت - یک شنبه ۱۴ دی ماه ۱۳۹۹ - قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامبران ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/2949>

^{۱۹} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره طه آیه ۱۲۴: وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى.

ناقص دیگران مطرح می شود که زندگی مردم را با مشکلاتی روبرو می کند.^{۲۰} نتیجه اینکه باید به کتاب خدا رجوع کنیم و درباره این موضوع با مردم حرف بزیم و راه حل های ساده پیامبر و امامان شیعه علیهم السلام را درباره نحوه مواجهه با این مسئله در اختیار آنها قرار دهیم. این از ضرورت مسئله و توضیح چرایی ورود ما به این داستان.

۲/۳. لزوم شروع بحث و استنتاج از وحی با "تعریف جن" و معرفت افزایی درباره ویژگی های آن در بیان خالق

چون اصل موضوع سحر، جن و طلسمات در جامعه وجود دارد، در این مسئله هم مانند سایر مشکلاتی که مردم به آنها مبتلا هستند، باید از وحی استنتاج^{۲۱} کنیم. بنده برای اینکه بسته "قانون اساسی زندگی جن و انسان"^{۲۲} -

و هر کس از یاد من رویگردان شود زندگی تنگ (و سختی) خواهد داشت، و روز قیامت او را نابینا محسور میکنیم.

قرآن کریم سوره ص آیه ۸۷: *إِنَّهُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ*: این [قرآن] جز ذکری برای جهانیان نیست.

^{۲۰} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره زخرف آیه ۳۶ و ۳۷: *وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِصْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّوهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ*.

و هر کس از یاد [خدای] رحمان دل بگرداند بر او شیطانی می گماریم تا برای وی دمسازی باشد. و مسلماً آنها ایشان را از راه باز می دارند و [آنها] می پندارند که راه یافتگانند.

قرآن کریم سوره انبیاء آیه ۵۰: *وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ*: و این [کتاب] که آن را نازل کرده ایم پندی خجسته است آیا باز هم آن را انکار می کنید.

^{۲۱} ارجاع پژوهشی: *وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيُّهَا النَّاسُ... وَ ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ فَلَنْ يَنْطِقَ لَكُمْ، أُخْبِرَكُمْ عَنْهُ أَنْ فِيهِ عِلْمٌ مَا مَضَى وَ عِلْمٌ مَا يَأْتِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حُكْمٌ مَا بَيْنَكُمْ وَ بَيَانَ مَا أَصْبَحْتُمْ فِيهِ مَخْتَلِفُونَ [تَخْتَلِفُونَ] فَلَوْ سَأَلْتُمُونِي عَنْهُ لَأَخْبِرْتُكُمْ عَنْهُ لِأَنِّي أَعْلَمُكُمْ*.

در آن هنگام پیغمبر اکرم نسخه ای از کتب آسمانی نخستین برایشان آورد که کتب جلوترش را تصدیق داشت و حلال را از حرام مشکوک جدا ساخت. این نسخه همان قرآنست، از او بخواهید تا با شما سخن گوید، او هرگز سخن نگوید، ولی من از او بشما خبر میدهم، در قرآنست علم گذشته و علم آینده تا روز قیامت میان شما حکم می دهد و اختلافات شما را بیان میکند، اگر از من قرآن را بیسید بشما می آموزم.

مصدر: تفسیر القمی ج ۱ ص ۱ / الکافی ج ۱ ص ۶۰

دیگر منابع: الوافی ج ۱ ص ۲۷۰ / تفسیر البرهان ج ۱ ص ۳۱ / بحار الأنوار ج ۸۹ ص ۸۱ / مستدرک الوسائل ج ۱۸ ص ۲۱۷

^{۲۲} ارجاع پرورشی: قانون اساسی زندگی انسان و جن چه می گوید؟!

بسته فقهی قانون اساسی زندگی انسان و جن یکی از پنج بسته فقهی علوم غریبه در مدرسه هدایت است؛ که در آن مسائل مهم مربوط به عدم اختلاط در زندگی انسان و جن تشریح می شود. برخی از سرفصل های مهم این بسته فقهی پرکاربرد به شرح زیر است:

سرفصل اول: تبیین ویژگی های جن از منظر آیات و روایات مانند: تبیین ماده ای که جن ها از آن خلق شده اند و ویژگی عدم اطلاع جن از غیب و... (تعریف تفصیلی ۱۰ ویژگی جن)

سرفصل دوم: تبیین ۱۵ عامل اختلاط میان زندگی انسان و جن؛ مانند: عامل غذا، عامل آرایش و زینت، عامل محل زندگی مشترک، عامل زمان های اختلاط، عامل مکان های اختلاط، عامل نظافت، عامل وسوسه و... (سبک زندگی مدرن در ۱۵ بخش به اختلاط زندگی انسان و جن انجامیده است!) سرفصل سوم: تبیین تفصیلی "حرزهای اسم پایه". برای مواجهه با آسیب های احتمالی جن ها به انسان؛ خصوصاً برای مواجهه با آسیب های بانوان و کودکان از این موضوع؛ اسماء و اذکار و آیاتی مانند قرائت منظم قرآن، مواظب صبحگاه و شامگاه بر ذکر لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و... توصیه شده است. (مجموعاً ۲۰ دعا)

که حدود نود آیه و روایت در این حوزه وجود دارد. را شرح و یک معرفی اجمالی از آن داشته باشم، دو مسئله را مطرح می‌کنم: اول اینکه مانند سایر موضوعات، بحث را از تعریف شروع می‌کنیم^{۲۳}. در خود این دوره بحثی هم از مفاهیم پایه مسجد^{۲۴} شروع کردیم که کمک می‌کرد تعریف و درک ما از مسجد ارتقاء پیدا کند. در این موضوع هم به لحاظ روشی به همین شکل عمل می‌کنیم. این نکته را خواهش می‌کنم توجه بفرمایید چرا که نکته فنی بحث است: هر جا دیدید که جامعه درباره مسئله ای دچار ابهام است و به دلیل معرکه آرایبی که وجود دارد نمی‌تواند

سرفصل چهارم: معرفی تفصیلی "حرزهای شیء پایه" برای مواجهه با آسیب‌های احتمالی جن‌ها، استفاده از اشیائی مانند: نگهداری از خروس سفید یا کبوتر، مصرف دائمی سرکه انگوری که در خانه تولید می‌شود، مصرف سیب در صبحگاه، سکونت در خانه‌های یک طبقه، عدم نگهداری از سگ در خانه و... توصیه می‌شود. (مجموعاً ۲۵ شیء)

حجت‌الاسلام علی‌کشوری - تبیین محتوای بسته فقهی قانون اساسی زندگی جن و انسان - چهارشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۲ - قم

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیام‌رسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5609>

^{۲۳} ارجاع پرورشی: صورت صحیح در تعریف اشیاء چیست؟

تعریف در "الگوی ساخت"، با تعریف در منطق صورت و تعریف در منطق سیستمی تفاوت دارد. همانطور که قبلاً گفته ایم: در "الگوی ساخت" بعد از انتخاب موضوع، برای آن موضوع - با روش تحقیق فقهی - تعریف، تصویر و تصمیم نوشته می‌شود. روش تعریف فقهی، صورتی رشد یافته برای تبویب فکر است؛ که نتیجه اش انتقال تأثیرگذار معرفت نسبت به اشیاء به انسان مستمع تعریف است.

انتقال معرفت از انسان تعریف کننده شیء به انسان مستمع تعریف؛ مستلزم رعایت اصولی مانند: ۱- بیان مبتنی بر ظرفیت، ۲- بیان مبتنی بر تأمل، ۳- بیان مبانی بر مکتب، ۴- بیان مبتنی بر رفق، ۵- بیان مبتنی بر مقایسه، ۶- بیان مبتنی منزلت، ۷- بیان مبتنی بر انفتاح، ۸- بیان مبتنی بر سیاق و ۹- بیان مبتنی بر کم است.

رعایت اصول نه گانه فوق در "صورت بندی یک تفکر" در واقع نوعی توسعه در صورت بندی فکر نسبت به صورت بندی شکل اول در منطق صوری (به قول فرنگی‌ها) محسوب می‌شود. در آینده صورت بندی تعریف در الگوی ساخت را با روش تفکر سیستمی هم مقایسه خواهیم کرد.

حجت‌الاسلام علی‌کشوری - گفتگوی مقدماتی درباره روش تعریف اشیاء - در جمع برخی طلاب مدرسه هدایت - جمعه انتظار ۲۹ اسفند ۱۳۹۹

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیام‌رسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/3034>

^{۲۴} ارجاع پرورشی: اصطلاح مفاهیم پایه یک اصطلاح ترجمه‌ای و فارسی است. معادلش در ادبیات شارع این است که ببینیم حد و حدود صلات چیست؟ حد و حدود مسجد چیست؟ بنابراین با توجه به روایات "لکل شیء حد ینتهی الیه"، به این رهنمون می‌شویم که همه چیز مفهوم پایه دارد؛ یعنی همه چیز حد دارد و می‌توانید وقتی در مورد آن صحبت می‌کنید همین پرسش را تکرار کنید. مثلاً درباره ی آب بگوییم: مفاهیم پایه آب چیست؟ چون شارع به ما فرموده: لکل شیء حد ینتهی الیه. وقتی دارید راجع به ساختمان بحث می‌کنید می‌توانید بگویید: مفاهیم پایه ساختمان چیست؟ چون لکل شیء حد ینتهی الیه. ساختمان هم دارای حد است. در بحث‌های نقشه الگوی پیشرفت اسلامی در عمده موارد این سوال تکرار می‌شود مثلاً: مفاهیم پایه مدیریت شهری چیست؟ یا مفاهیم پایه دانش ساختمان چیست؟ الان هم در این بحث می‌گوییم که مفاهیم پایه مسجد چیست؟ دلیل فقهی اش این است که شارع فرموده: لکل شیء حد ینتهی الیه.

حجت‌الاسلام کشوری. پنجمین جلسه دوره بحثی "مسجد و اداره جامعه". خرداد ۱۴۰۲ بنیاد هدایت قم

برای دریافت متن کامل این سخنرانی به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<https://eitaa.com/olgou4/5768>

درباره اش تصمیم گیری کند، باید بایستید و تعریف جامعه را از آن مسئله ارتقاء دهید. در اینجا هم به همین شکل عمل می کنیم. باید ابتدا ببینیم "جن" چه نوع موجودی است و چه ویژگی هایی دارد تا بعداً بتوانیم به بحث تدابیر برسیم. پس سرفصل اول به معرفی جن بر اساس آیات و روایات مربوط می شود. در این بخش اگر تجربه ای هم داریم باید کنار بگذاریم. بنده دیده ام حتی در جمعهای طلبگی آدمها خیلی زود تجربه هاشان را مبنا و محور قرار می دهند. اینکه من در خواب فلان موضوع را دیدم یا با چشم خودم فلان مسئله را دیدم در این مرحله به کارمان نمی آید. تجربه هایتان را برای بخش دوم بحث بگذارید. بحث اصلی این است که گزارش توصیف ویژگی های "جن" را که یکی از مخلوقات خداست، باید از خود خالق بگیریم. بعد از این مرحله که نسبت به خود جن معرفت افزایی شد، هضم تدابیر مواجهه با آن هم راحت تر فهم و درک خواهد شد. این که چه برخوردهای پیشگیرانه و چه کارهایی برای درمان داشته باشیم بعد از این مرحله اول واضح تر خواهد شد.

۲/۴. بررسی ویژگی های جن به عنوان یکی از سرفصل های پنج گانه مباحث علوم غریبه مدرسه هدایت

البته ملحق به جن، موضوع چشم زخم^{۲۵} و سحر^{۲۶} است. این را هم پیش از ورود به بحث عرض کنم که ما برای بخش علوم غریبه^{۲۷} مدرسه هدایت، پنج سرفصل را مشخص کرده ایم که یکی از آنها همین بحثی است که امروز اجمالاً و در آینده ان شاء الله به تفصیل هم بررسی می کنیم. خود همین موضوع "جن" حدود بیست جلسه نیاز دارد تا بتوانیم آن را شرح دهیم.

^{۲۵}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره قلم آیه ۵۱: وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُزِلُّوكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ. نزدیک است کافران هنگامی که آیات قرآن را می شنوند تو را با چشمان خود هلاک کنند و می گویند او دیوانه است.

مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ الْمَالِكِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَيَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ الْجَمَّالِ قَالَ: حَمَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ فَلَمَّا بَلَغَ غَدِيرَ خُمِّ نَظَرَ إِلَيَّ وَقَالَ هَذَا مَوْضِعُ قَدَمِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حِينَ أَخَذَ يَدِي عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةَ فَعَلِيٌّ مَوْلَاةٌ وَكَانَ عَنِ يَمِينِ الْفُسْطَاطِ أَرْبَعَةٌ نَفَرٍ مِنْ قُرَيْشٍ سَمَّاهُمْ لِي فَلَمَّا نَظَرُوا إِلَيْهِ وَقَدْ رَفَعَ يَدَهُ حَتَّى بَانَ تَبَاطُؤُهُ إِبْطِيهِ قَالُوا أَنْظِرُوا إِلَى عَيْنَيْهِ قَدْ انْقَلَبَتَا كَأَنَّهُمَا عَيْنَا مَجْنُونٍ فَأَتَاهُ جَبْرِئِيلُ فَقَالَ إِفْرَأْ وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُزِلُّوكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ وَالذِّكْرُ عَلَيَّ مِنْ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَسْمَعَنِي هَذَا مِنْكَ فَقَالَ لَوْلَا أَنَّكَ جَمَّالِي لَمَّا حَدَّثْتُكَ بِهِذَا لِأَنَّكَ لَا تُصَدِّقُ إِذَا رَوَيْتَ عَنِّي.

امام صادق (علیه السلام) - حسین جمالی گوید: امام صادق (علیه السلام) را سوار بر شتر از مدینه به مکه رساندم و هنگامی که به غدیر خم رسید، به من نگاه کرد و فرمود: «اینجا، جای پای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است، هنگامی که دست علی (علیه السلام) را گرفت و فرمود: هرکس من مولای اویم، علی (علیه السلام) مولای اوست؛ و در سمت راست، خیمه چهار نفر از قریش بود که نام آن‌ها را برای من ذکر کرد هنگامی که به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نگاه کردند که دست علی (علیه السلام) را تا اندازه‌ای بلند کرده است که سفیدی زیر بغلش نمایان شده است، گفتند: به چشمان وی نگاه کنید که چگونه مانند چشمان دیوانه می چرخد. پس جبرئیل نزد آن حضرت فرود آمد و فرمود: بخوان و این یکاذاذ الذین کفروا لیزللوکک بأبصارهم لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ؛ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ وَ الذِّكْرُ عَلَيَّ مِنْ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) است». عرض کردم: «خدا را شکر می کنم که این سخن را از زبان شما شنیدم». فرمود: «اگر تو شتربان نبودی، این سخنان را به تو نمی گفتم. به این دلیل که تو شتربان هستی، اگر از من روایت کنی، مردم به حرف های تو اعتماد نمی کنند»

تأویل الآيات ج ۱ ص ۶۸۸ / تفسیر البرهان ج ۵ ص ۴۶۴ / بحار الأنوار ج ۳ ص ۲۵۹ / عوالم العلوم ج ۱۵ ص ۱۴۹

^{۲۶}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره بقره آیه ۱۰۲: وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلَّمُوا الْمَنْ اَشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرُّوا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ.

(یهود) از آنچه شیاطین در عصر سلیمان بر مردم می خوانند پیروی می کردند، سلیمان هرگز (دست به سحر نیالود و کافر نشد، و لکن شیاطین کفر ورزید و به مردم تعلیم سحر دادند (و نیز یهود) از آنچه بر دو فرشته بابل «هاروت» و «ماروت» نازل شد پیروی کردند، (آنها طریق سحر کردن را برای آشنائی به طرز ابطال آن به مردم یاد می دادند) و به هیچ کس چیزی یاد نمی دادند مگر اینکه قبلاً به او می گفتند ما وسیله آزمایش شما هستیم، کافر نشوید (و از این تعلیمات سوء استفاده نکنید) ولی آنها از آن دو فرشته مطالبی را می آموختند که بتوانند به وسیله آن میان مرد و همسرش جدائی بیفکنند (نه اینکه از آن برای ابطال سحر استفاده کنند) ولی هیچگاه بدون فرمان خدا نمی توانند به انسانی ضرر برسانند، آنها قسمت‌هایی را فرا می گرفتند که برای آنان زبان داشت و نفعی نداشت، و مسلماً می دانستند هر کسی خریدار این گونه متاع باشد بهره‌ای در آخرت نخواهد داشت و چه زشت و ناپسند بود آنچه خود را به آن می فروختند اگر علم و دانشی می داشتند.

۲/۴/۱. مباحث مربوط به ملائکه، علم اعداد، رمل، جفر و...: بخشهای دیگر علوم غریبه مدرسه هدایت

۲/۴/۲. ارتباط با عالم اموات (زیارت) یکی از بخشهای اصلی علوم غریبه مدرسه هدایت

۲/۴/۲/۱. لزوم توجه به نصرت امام علیه السلام و رعایت مناسک آن به عنوان اصلی ترین مفهوم زیارت

بخش دیگر از علوم غریبه مربوط به "ملائکه"، آشنایی با این مخلوقات و کارکردهای آنهاست^{۲۸}. بخش دیگری که باید درباره اش گفت و گو کنیم درباره علم اعداد است. البته در حاشیه بحثهای این دوره به صورت اجمال

^{۲۷}. ارجاع پرورشی: علوم غریبه به دانش‌های سری، پنهان، دور از دسترس عموم و شگفت‌انگیز معنا شده است. اصطلاح علوم غریبه در مقابل علوم متعارف استفاده می‌شود. شیخ بهایی در تقسیم علوم، برای علوم غریبه عنوان خَفِیَّه (نهانی) را در مقابل علوم جَلِیَّه (آشکار) به کار برده است. از دلایل پنهان بودن این علوم این بوده که از سوء استفاده یا زیان‌های آن پیشگیری شود.

ابن خلدون علوم غریبه را مهارت‌هایی می‌داند که انسان را به اثرگذاری بر عناصر توانا می‌سازد. نیشابوری در کتاب غرایب القرآن، علوم غریبه را علوم رازآلود معرفی می‌کند که به انسان توانایی آگاهی از اسرار و امور پنهان و نیز انجام کارهای غیرعادی می‌دهد. برخی موضوع این علوم را نیروهای فوق طبیعی و اسرارآمیز نوشته‌اند.

در برخی منابع شیعی، علوم دیگری نیز جزء علوم غریبه به حساب آمده است.

جفر: پیشگویی حوادث (مخصوص ائمه).

رَمَل: پیش‌بینی رخدادها با نقطه، خط و شکل، چوب و سنگ‌ریزه.

اعداد: تعیین حوادث آینده با رقم و شماره.

أَوْفَاق: تصرف در حوادث آینده با ترکیب عدد و شکل.

خواص اسماء الله (آیات و سور قرآن، جز، تعویذ، دعا، ورد و ذکر و حَتَم).

تَفَال: پیش‌بینی خیر و شر با مراجعه به قرآن یا چیزهای دیگر شرعی.

استخاره: طلب خیر از خداوند توسط فال به قرآن یا تسبیح.

در قرآن درباره سحر، کِهانت (خبر از آینده با تسخیر جن یا روح)، طیره (فال بد زدن)، چشم‌زدن و چند شاخه دیگر علوم غریبه آیاتی وجود دارد. در داستان دعوت حضرت موسی از فرعون، او در مقابل موسی از ساحران استفاده کرد. هم‌چنین دشمنان پیامبران، آنان را به سحر یا جن‌زدگی متهم می‌کردند. هم‌چنین بعضی مفسران معتقدند قارون برای ثروتمند شدن از کیمیا، استفاده کرد. قدرت حضرت سلیمان بر تسخیر جن، شیاطین، باد و حیوانات؛ و نیز علم آصف بن برخیا باعث شد که شیاطین سحر را بین مردم با بِل (عراق عرب) رواج دهند. آنان از تعالیم دو فرشته هاروت و ماروت برای مقابله با سحر نیز سوء استفاده کردند. هم‌چنین آیاتی درباره قطع توانایی جنها برای خبرچینی از فرشتگان پس از ظهور پیامبر اسلام و نیز تلاش مشرکان برای آسیب زدن به پیامبر از طریق چشم‌زدن خبر داده است. در بین علوم غریبه، روایت‌های بسیاری نیز درباره نکویش و حرمت سحر بیان شده است. بیشتر فقها آموزش و یادگیری سحر را حرام، و کيفر ساحر را قتل دانسته‌اند. البته چند فقیه نیز معتقدند یادگیری سحر برای ابطال آن بخصوص کاربرد آن علیه سحر مدعی نبوت جایز است.

فرهنگ فقه فارسی، ۱۳۸۷ش، ج ۵، ص ۴۶۴ / سجادی، مدخل علوم غریبه، ۱۳۹۰ش، ج ۱۱، ص ۳۸۶ / نصر، علم در اسلام، ۱۳۵۹ش، ص ۲۰۱ / نیشابوری، غرایب القرآن، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۴۷ / مجلسی، لوامع صاحبقرانی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۹ / ذهنی‌تهرانی، کفایت الرمل، ۱۳۸۴ش، ص ۳ / نراقی، الخزان، ۱۳۸۰ق، ص ۲۶۶ و ۳۰۸ / مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۱۲۴، کتاب الدعاء / حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۴۸ / طوسی، تهذیب، ۱۳۶۴ش، ج ۱۰، ص ۱۴۸ / نجفی، جواهر الکلام، ۱۳۶۲ش، ج ۲۲، ص ۷۵؛ ابن ادریس، سرائر، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۵۳۳ و ۵۳۴ / طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۱ش، ج ۱۶، ص ۷۹

^{۲۸}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره آل عمران آیه ۱۲۵: *بَلَىٰ إِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا يُؤْمِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ*. آری (امروز هم) اگر استقامت و تقوا پیشه کنید - و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید - خداوند شما را به پنجهزار نفر از فرشتگان که نشانه‌های مخصوصی دارند مدد خواهد داد.

توضیحاتی درباره معنای حروف^{۲۹}، دایره ابجد^{۳۰} و روش زمام گیری عرض خواهیم کرد. قسم دیگر مباحث علوم غریبه مدرسه هدایت، به گفت و گوی درباره ی عالم اموات که در مباحث دینی از آن به زیارت اهل قبور تعبیر

^{۲۹}. ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَكْرَانَ التَّنَاقُشُ رَحِمَهُ اللَّهُ بِالْكُوفَةِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَمْدَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَصَّالٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِيَعْرِفَ بِهِ خَلْقَهُ الْكِتَابَةَ حُرُوفَ الْمُعْجَمِ وَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا ضَرَبَ عَلَى رَأْسِهِ بَعْضًا فَرَعَمَ أَنَّهُ لَا يُفْصَحُ بَعْضَ الْكَلَامِ فَالْحِكْمُ فِيهِ أَنْ يُعْرَضَ عَلَيْهِ حُرُوفُ الْمُعْجَمِ ثُمَّ يُعْطَى الدِّيَةَ بِقَدْرِ مَا لَمْ يُفْصَحْ مِنْهَا. وَ لَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْاَلِفِ ب ت ث أَنَّهُ قَالَ الْاَلِفُ اَلَاءُ اللَّهِ وَ اَلْبَاءُ بَهْجَةُ اللَّهِ وَ اَلثَّاءُ تَمَامُ الْأَمْرِ بِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ اَلثَّاءُ ثَوَابُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى أَعْمَالِهِمُ الصَّالِحَةِ ج ح خ فَالْحَيْمُ جَمَالُ اللَّهِ وَ جَلَالُ اللَّهِ وَ اَلْحَاءُ حِلْمُ اللَّهِ عَنِ الْمُذْنِبِينَ وَ اَلْخَاءُ حُمُولُ أَهْلِ اَلْمَعَاصِي عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ ذَا فَالذَّالُ دِينَ اللَّهِ وَ اَلذَّالُ مِنْ ذِي اَلْجَلَالِ ر ز فَالزَّاءُ مِنْ اَلرَّءْفِ وَ اَلرَّحِيمِ وَ اَلزَّايُ زَلْزَلُ يَوْمِ اَلْقِيَامَةِ س ش وَ اَلسَّيْنُ سَنَاءُ اللَّهِ وَ اَلسَّيْنُ شَاءُ اللَّهِ مَا شَاءَ وَ اَرَادَ مَا اَرَادَ - وَ مَا تَشَاوُنُ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ ص ض فَالضَّادُ مِنْ صَادِقِ الْوَعْدِ فِي حَمَلِ النَّاسِ عَلَى الصِّرَاطِ وَ حَسَسَ الظَّالِمِينَ عِنْدَ الْمُرْصَادِ وَ اَلضَّادُ ضَلَّ مَنْ خَالَفَ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ط ظ فَالطَّاءُ طُوبَى لِلْمُؤْمِنِينَ وَ حُسْنُ مَابٍ وَ اَلظَّاءُ ظُلْمُ الْمُؤْمِنِينَ بِاللَّهِ خَيْرًا وَ ظُلْمُ الْكَافِرِينَ بِهِ سُوءًا ع غ فَالغَيْنُ مِنَ الْعَالِمِ مِنَ الْغَيْثِ مِنَ الْغَنِيِّ ف ق فَالْقَاءُ فَرَجٌ مِنَ اَبْوَابِ الْفَرَجِ وَ فَوْجٌ مِنْ اَفْوَاجِ النَّارِ وَ اَلْقَافُ قُرْآنٌ عَلَى اللَّهِ جَمْعُهُ وَ قُرْآنُهُ ك ل فَالْكَافُ مِنَ الْكَافِي وَ اَلدَّالِمُ لَعْنُ الْكَافِرِينَ فِي اَفْتِرَائِهِمْ عَلَى اللَّهِ اَلْكَذِبِ م ن فَالْمِيمُ مَلِكُ اللَّهِ يَوْمَ لَا مَلِكَ غَيْرُهُ وَ يَثُولُ عَزَّ وَجَلَّ لِمَنْ اَلْمَلِكُ اَلْيَوْمَ ثُمَّ يَنْطِقُ اَرْوَاحُ اَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ وَ حُجَجِهِ فَيَقُولُونَ لِلَّهِ اَلْوَاحِدِ اَلْقَهَّارِ فَيَقُولُ جَلَّ جَلَّالُهُ - اَلْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ اَلْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ وَ اَلثَّوْنُ نَوَالُ اللَّهِ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ نَكَالُهُ بِالْكَافِرِينَ وَ ه فَالْوَاوُ وَ يَلْ لِمَنْ عَصَى اللَّهَ وَ اَلهَاءُ هَانَ عَلَى اللَّهِ مِنْ عَصَاةِ ل ا ي لَامُ اَلِفٍ لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ وَ هِيَ كَلِمَةُ الْاِخْلَاصِ مَا مِنْ عَبْدٍ قَالَهَا مُخْلِصًا اِلَّا وَجِبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ ي يَدْ اَللَّهُ فَوْقَ خَلْقِهِ بَاسِطُ الرَّزْقِ - سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى اَنْزَلَ هَذَا الْقُرْآنَ بِهَذِهِ الْحُرُوفِ الَّتِي يَبْدَأُ بِهَا جَمِيعَ الْعَرَبِ ثُمَّ قَالَ قُلْ لَنْ اِجْتَمَعَتِ الْاَنْسُ وَ اَلْجِنُّ عَلَى اَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا. حديث کرد ما را محمد بن بکران نقاش (ره) در کوفه گفت که حدیث کرد ما را احمد بن محمد همدانی گفت که حدیث کرد ما را علی بن حسن بن علی بن فضال از پدرش از حضرت ابو الحسن علی بن موسی الرضا (علیه السلام) که فرمود بدرستی که اول چیزی که خدای عز و جل آفرید تا بواسطه آن نوشتن را بخلق خود بشناساند یا خلقتش بآن نوشتن را بشناسند حروف معجم بود و بدرستی که مرد چون کسی عصائی بر سرش زند پس چنان پندارد که نمیتواند بعضی از کلام و سخن را ظاهر کند حکم در آن آنست که حروف معجم بر او عرض شود بعد از آن بقدر آنچه نمیتواند که ظاهر کند از آنها باو دیده داده شود و هر آینه حدیث کرد مرا پدرم از پدرش از جدش از امیر المؤمنین علیهم السلام در شرح اب ت ث که آن حضرت فرمود الف آلاء و نعمتهای خدا است و بآء بهجت و نیکویی خدا و تاء تمام امر است بقائم آل محمد (صلی الله علیه و آله) و ثاء ثواب مؤمنان است بر اعمال شایسته ایشان ج ح خ پس جیم جمال خدا و جلال خدا است و حاء حلم و بردباری خدا است از گناه کاران و خاء خمول و بی نامی ذکر اهل گناهانست نزد خدای عز و جل د ذ پس دال دین خدا و ذال ذو الجلال است یعنی خداوند بزرگواری ر ز پس راء از رؤف و رحیم است یعنی مهربان و زای زلزله های قیامت است س ش پس سین سناء و رفعت خدا است و شین یعنی شاء الله ما شاء الله یعنی خدا خواست آنچه خواست و اراده فرمود آنچه اراده فرمود «وَ مَا تَشَاوُنُ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ» یعنی و نمیتوانید شما بنا بر قرائت کوفیین و نافع یا نمیخواهند ایشان بنا بر قرائت دیگران مگر آنکه خدا خواسته باشد ص ض پس صاد از صادق الوعد است یعنی آنکه وعده اش راست است در حمل کردن مردم بر صراط و حبس کردن ظالمان نزد کمینگاه و ضاد یعنی ضال و گمراه شد آنکه با محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله) مخالفت کرد ط ظ پس طاء طوبی از برای مؤمنانست یعنی درخت طوبی و آن درختی است که خدای عز و جل آن را نشانیده و از روح خود در آن دمیده تا آخر آنچه در حدیث آخر باب بعد از این باب می آید یا معنی آنست که خوشا حال مؤمنان و خوشی از برای ایشانست و خوبی بازگشتن کاه و ظاء ظن و گمان مؤمنان بخدا خوبست و ظن کافران بآن جناب بد ع غ پس عین از عالم است یعنی دانا و غین از غنی است یعنی بی نیاز ف ق پس فاء فوج و گروهی است از گروههای آتش یا بوئی از بویهای آن و قاف قرآنست که بر خدا است فراهم آوردن آن و خواندن آن ک ل پس کاف از کافی است یعنی بسند و کفایت کننده و لام لغو و بیهوده و سخن کافران است در بهم بافتن ایشان دروغ را بر خدا م ن پس میم ملک و پادشاهی خدا است در روز قیامت روزی که هیچ مالکی غیر از او نیست و خدای عز و جل میفرماید که «لِمَنْ اَلْمَلِكُ اَلْيَوْمَ» یعنی از برای کیست پادشاهی و فرمان برداری در این روز پس ارواح انبیاء و رسولان و حجتتهای آن جناب گویا میشوند و میگویند «لِلَّهِ اَلْوَاحِدِ اَلْقَهَّارِ» یعنی از برای خدائست یکتا و بی همتا در کارگزاری و فرمان دهی که شکننده جمیع منازعان و مدعیان و پادشاهانست پس خدای جل جلاله میفرماید که «اَلْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ اَلْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ» یعنی امروز پاداش و سزا داده می شود هر کسی بآنچه کسب کرده هیچ ستمی نیست در این روز بدرستی که خدا. شتابان شما راست یعنی مشغول

او بحساب شخصی او را از حساب دیگری باز ندارد بلکه در یکزمان حساب همه کرده هر يك را بآنچه استحقاق دارد برساند و نون نوال و بخشش خدا است از برای مؤمنان و نکال و عقوبت او است با کافران و ه پس او ویل و عذاب است از برای کسی که خدا را نافرمانی کرده و هاء یعنی هون و خواری بهم رسانیده کسی که او را معصیت نموده لای لام الف یعنی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و آن کلمه اخلاص است که هیچ بنده نیست که آن را گفته باشد در حالی که با اخلاص باشد مگر آنکه بهشت از از برایش واجب شده و یاء ید یعنی دست خدا که مراد از آن قدرت است در بالای خلقتش بروزی دادن گشوده پاک و منزه است آن جناب و برتر از آنچه شکر می آورند بعد از آن حضرت (علیه السلام) فرمود بد درستی که خدای تبارک و تعالی این قرآن را فرو فرستاد باین حرفی که همه عرب آنها را از يك دیگر فرا میگیرند پس فرمود که «فَلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا» یعنی بگو که هر آینه اگر اجتماع کنند همه آدمیان و پریان و اتفاق نمایند بر آنکه بیاورند مانند این قرآن را نیورند مانند آن را و قدرت بر آن نداشته باشند و اگر چه باشد بعضی از ایشان بعضی را هم پشت قوی و باری کننده.

مصدر: التوحید ج ۱ ص ۲۳۲ / عیون الأخبار ج ۱ ص ۱۲۹ / الامالی (للصديق) ج ۱ ص ۳۲۵

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۲ ص ۳۱۸

۳۰. ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّمَاؤِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ وَ أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُبَابِطٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ سَالِمٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَأَلَ عُثْمَانُ بْنُ عَفَانَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَنْ تَفْسِيرِ أُبْجَدٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ تَعَلَّمُوا تَفْسِيرَ أُبْجَدٍ فَإِنَّ فِيهِ الْأَعَاجِيبَ كُلَّهَا وَ يُلِّ لِعَالِمٍ جَهْلٌ تَفْسِيرُهُ فَبِئْسَ قَبِيلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا تَفْسِيرُ أُبْجَدٍ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَمَّا الْأَلِفُ فَالَاءُ فَالَاءُ اللَّهُ حَرْفٌ مِنْ حُرُوفِ أَسْمَائِهِ وَ أَمَّا الْبَاءُ فَهَبْجَةُ اللَّهِ وَ أَمَّا الْجِيمُ فَجَنَّةُ اللَّهِ وَ جَلالُ اللَّهِ وَ جَمَالُهُ وَ أَمَّا الدَّالُ فَدِينُ اللَّهِ وَ أَمَّا هَوُوزُ فَالْهَاءُ هَاءُ الْهَوَايَةِ فَوَيْلٌ لِمَنْ هَوَىٰ فِي النَّارِ وَ أَمَّا الْوَاوُ فَوَيْلٌ لِأَهْلِ النَّارِ وَ أَمَّا الزَّايُ فَزَاوِيَةٌ فِي النَّارِ فَتَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا فِي الزَّوَايَةِ يَعْنِي زَوَايَا جَهَنَّمَ وَ أَمَّا حَاطِي فَالْحَاءُ حَطُوطٌ الْخَطَايَا عَنِ الْمُسْتَغْفِرِينَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ مَا نَزَلَ بِهِ جَبْرَيْلُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ إِلَىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ وَ أَمَّا الطَّاءُ فَ طُوبَىٰ لَهُمْ وَ حُسْنُ مَأَبٍ وَ هِيَ شَجَرَةٌ عَرَسَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ نَفَخَ فِيهَا مِنْ رُوحِهِ وَ إِنَّ أَعْصَانَهَا لَتُورِي مِنْ وَرَاءِ سُورِ الْجَنَّةِ ثَبْتٌ بِالْحَلِيِّ وَ الْحَلَلِ مُتَدَلِّيَةٌ عَلَىٰ أَقْوَاهِمُ وَ أَمَّا الْيَاءُ فَبَدَأَ اللَّهُ فَوْقَ خَلْقِهِ - سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ وَ أَمَّا كَلَمَنُ فَالْكَافُ كَلَامُ اللَّهِ لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ - وَ لَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحِدًا وَ أَمَّا اللَّامُ فَالْمَامُ أَهْلُ الْجَنَّةِ بَيْنَهُمْ فِي الزَّيَارَةِ وَ التَّحِيَّةِ وَ السَّلَامِ وَ تَلَاوُمُ أَهْلِ النَّارِ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَ أَمَّا الْمِيمُ فَمَمْلُكُ اللَّهِ الَّذِي لَا يُزُولُ وَ دَوَامُ اللَّهِ الَّذِي لَا يَفْتَنِي وَ أَمَّا النُّونُ فَ ن وَ الْقَلَمُ وَ مَا يَسْطُرُونَ فَالْقَلَمُ قَلَمٌ مِنْ نُورٍ وَ كِتَابٌ مِنْ نُورٍ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ - يَشْهَدُهُ الْمَقَرُّونَ - وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا وَ أَمَّا سَعْفُصُ فَالصَّادُ صَاعٌ بِضَاعٌ وَ فَصٌّ بِفَصٍّ يَعْنِي الْجَزَاءُ بِالْجَزَاءِ وَ كَمَا تَدِينُ تُدَانُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ وَ أَمَّا قَرَشَتْ يَعْنِي قَرَشَهُمْ اللَّهُ فَحَشَرَهُمْ وَ نَشَرَهُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَ قَضَىٰ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَ هُمْ لَا يَظْلُمُونَ .

حدیث کرد ما را محمد بن حسن بن احمد بن ولید (رضی) گفت که حدیث کرد ما را محمد بن حسن صفار گفت که حدیث کردند ما را محمد بن حسین بن ابی الخطاب و احمد بن حسن بن علی بن فضال از علی بن اسباط از حسن بن زید که گفت حدیث کرد مرا محمد بن سالم از اصبع بن نباته که گفت امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود که عثمان بن عفان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را از تفسیر و بیان ابجد سؤال نمود رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود که تفسیر ابجد را بیاموزید که همه اعجوبه‌ها در آنست و ای بر عالمی که تفسیر آن را نداند پس عرض شد که یا رسول الله تفسیر ابجد چیست فرمود اما الف آلاء و نعمتهای خدا است و حرفی از نامهای آن جناب و اما باء بجهت و نیکنوی خدا است و اما جیم جنت و بهشت خدا و جلال خدا و جمال او است و اما دال دین خدا است و اما هوز پس هاء هاویه و دوزخ است پس وای بر کسی که در آتش دوزخ فرو رود و اما واو ویل و وای بر اهل آتش دوزخ و اما زای زاویه و سه کنجی است در آتش دوزخ پس پناه میبریم بخدا از آنچه در آن زاویه است یعنی زاویه‌های جهنم و اما حطی پس حاء حطوط و فروریختن گناهانست از آنها که استغفار میکنند در شب قدر و آنچه جبرئیل با فرشتگان با آن فرود آمده‌اند تا طلوع صبح و اما طاء طویی از برای ایشانست و خوبی بازگشتگاه و طویی درختی است که خدای عز و جل آن را نشانیده و از روح خود در آن دمیده و بدرستی که شاخهای آن از پشت دیوار و حصار بهشت دیده می‌شود و آن درخت زیور و جامها میروبانند در حالی که آویزان و سخت نزدیکست بر در دهانهای ایشان و اما یاء ید و دست خدا است یعنی قدرت آن جناب در بالای آفریدگانش «سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ» یعنی پاک و منزه است آن جناب و برتر از آنچه شرک می‌آورند و شریک او می‌سازند و اما کلمن پس کاف کلام خدا است و کلمات خدا را هیچ تبدیلی نیست و هرگز غیر از آن جناب تعالی پناهی را نمی‌یابی که بآن میل کنی و ملتجی شوی و اما لام پس المام و فرود آمدن اهل بهشت است در میان خویش در زیارت و تحیت و سلام و تلاوم یعنی بهم ملامت کردن اهل دوزخ در آنچه در میان ایشانست و اما میم پس ملک و پادشاهی خدا است که زوال ندارد و دوام خدا که فانی نمیشود و اما نون «ن وَ الْقَلَمُ وَ مَا يَسْطُرُونَ» است و

می کنیم^{۳۱}. الحمدلله در جامعه ما بویژه در عصر روزهای پنجشنبه این موضوع در جریان است اما مناسک این کار از طرف مردم خیلی رعایت نمی شود. که البته همین باعث کم فایده شدن زیارت اهل قبور شده است. به نظر ما اگر زیارت اهل قبور با همان آدابی که بخشی از آن در رساله ها و بخشی به صورت تفصیلی تر در روایات آمده به وسیله مردم انجام شود^{۳۲}، در نهایت به گفت و گوی با اهل قبور ختم می شود. در واقع مفهوم زیارت یک تجربه اولیه از عالم غیب^{۳۳} است و نباید مردم را از این مسئله مهم محروم کنیم. سرفصل دیگر این بحثمان معرفی اجمالی سایر

نزد بعضی نون اسم سوره است و نزد بعضی دیگر این حرف مفتاح اسم نور و ناصر است و اشاره است بکلمه کن یا مطلق ماهیست یا آن ماهی که زمین بر پشت آنست که آن را بهموت یا برموت یا ملهوت گویند یا لوحی از نور یا طلا یا نهری در بهشت یا نون جزو الرحمن است یا دوات و غیر از این گفته اند و عالم ربانی مفسر کاشانی در تفسیر خود میگوید که اصح اقوال آنست که نون اسم دوات است و معنی آن است که سوگند بدوات و قلم و آنچه مینویسند یعنی حافظان قلم زبان و مداد دهان بر بندگان از گفتار و کردار ایشان گویند که مراد همه نویسندگان از آدمیان و جنیان و فرشتگان و لیکن محمود بن عمر زمخشری در کشف معنی دوات را چون سائر معانی که ذکر کرده بغایت انکار دارد و میگوید که مراد از نون همین حرف است از حروف معجم تتمه حدیث و قلم قلمی است از نور و نوشته از نور در لوح محفوظ که فرشتگان که مقربان گاه کبریا اند گواهی میدهند بر آنچه در آنست در روز قیامت و خدا کافی است که شاهد باشد و اما سعفص صاد صاعی در برابر صاعی است و فص و سر سینه در مقابل فص یعنی جزاء در عوض جزاء و بقدر آنست و چنان که میکنی جزاء داده میشوی بدرستی که خدا ستمی را بر بندگان اراده ندارد و اما قرشت یعنی ایشان را قرش و جمع فرماید و فراهم آورد پس ایشان را محشور سازد و بر انگیزد تا روز قیامت بعد از آن در میان ایشان حکم میفرماید و ایشان ستم کرده نخواهند شد.

مصدر: التوحید ج ۱ ص ۲۳۶ / الخصال ج ۱ ص ۳۳۱ / معانی الأخبار ج ۱ ص ۴۶ / الأملی (للصدوق) ج ۱ ص ۳۱۷

دیگر منابع: وسائل الشیعة ج ۱۷ ص ۳۲۹ / بحار الأنوار ج ۲ ص ۳۱۷

^{۳۱}. ارجاع پژوهشی: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيُّ عَنْ إِبْنِ جُمُهورٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ حَرِيزِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: زُورُوا مَوْتَاكُمْ فَإِنَّهُمْ يَفْرَحُونَ بِزِيَارَتِكُمْ وَيَطْلُبُ أَحَدُكُمْ حَاجَتَهُ عِنْدَ قَبْرِ أَبِيهِ وَعِنْدَ قَبْرِ أُمِّهِ بِمَا يَدْعُو لَهُمَا .

مفصل بن عمر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: مردگان خود را زیارت کنید، زیرا آن‌ها به زیارت شما خوشحال می‌شوند و هر کدام از شما در کنار قبر پدر، یا مادر خود همزمان با دعایی که بر ایشان می‌کند، حاجت خود را نیز بخواهد.

مصدر: الکافی ج ۳ ص ۲۲۹

دیگر منابع: الوافی ج ۲۵ ص ۵۷۸ / وسائل الشیعة ج ۳ ص ۲۲۳

^{۳۲}. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ قَالَ: كُنْتُ بِقَيْدِ فَمَسَّيْتُ مَعَ عَلِيِّ بْنِ بِلَالٍ إِلَى قَبْرِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ بِلَالٍ قَالَ لِي صَاحِبُ هَذَا الْقَبْرِ عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ أَتَى قَبْرَ أَخِيهِ ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى الْقَبْرِ وَقَرَأَ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» سَبْعَ مَرَّاتٍ أَمِنَ يَوْمَ الْقَرَعِ الْأَكْبَرِ أَوْ يَوْمَ الْقَرَعِ .

محمد بن احمد گوید: در فید بودم که به همراه علی بن بلال بر سر قبر محمد بن اسماعیل بن بزيع رفتيم. علی بن بلال گفت: صاحب این قبر از امام رضا علیه السلام برای من روایت کرده که آن حضرت فرمود: هر کس بر سر قبر برادر مؤمن خود رود و دست خود را بر قبر گذارد و هفت مرتبه سوره قدر را بخواند، در روز اضطراب - یا روز قیامت - بزرگ ایمن خواهد بود.

مصدر: الکافی ج ۳ ص ۲۲۹ / کامل الزیارات ج ۱ ص ۳۱۹ / المزار (للمفید) ج ۱ ص ۲۱۶

دیگر منابع: الوافی ج ۲۵ ص ۵۸۱ / بحار الأنوار ج ۹۹ ص ۲۹۵

^{۳۳}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره زمر آیه ۴۶: قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ. بگو: خداوند! ای آنکه آفریننده آسمانها و زمین تویی، و آگاه از اسرار نهان و آشکار هستی! تو در میان بندگان در آنچه اختلاف داشتند داوری می‌کنی.

علوم غریبه است. مثلاً علم غریبه منایا، بلایا^{۳۴} و جفر. پس ساختار مباحث در ذهنتان باشد. ما به یک گفت و گوی جدی در کشور برای بررسی تفصیلی و دقیق آیات و روایات مربوط به علوم غریبه نیاز داریم، تا بتوانیم این مباحث را زنده کنیم و به تدریج جلوی کارها و اقدامات دیگران، بویژه جدول سحر یهود را هم بگیریم. آنها هستند که در غیاب حوزه های علمیه یکه تازی می کنند. البته این را هم بدانید که این وضعیتی که الان در حوزه های علمیه داریم در گذشته وجود نداشته است. مباحث علوم غریبه در دوره قاجاریه و صفویه رواج بیشتری داشته است و الان هم باید جدی تر با این مسئله مواجه شویم.

۲/۵. جن ها چه جور موجوداتی هستند؟ تعریف جن

۲/۵/۱. لزوم آغاز تمامی اباحات از تعریف یک شیء

۲/۵/۱/۱. تغییر تعریف گوشت برتر به وسیله وزارت بهداشت، نمونه ای از اهمیت داشتن موضوع تعریف صحیح اشیاء بر اساس دین در بحث امروز برای معرفی "جن" چند نکته را مطرح می کنیم. اینکه جن ها چه جور موجوداتی اند؟ اولاً اینکه این سؤال را می توانیم درباره همه مخلوقات پیرسیم که این یک پرسش و روند طبیعی است. مثلاً وقتی با گاو هم مواجه می شوید می توانید پیرسید گاو چه جور موجودی است؟ وضعیت کنونی جامعه ما به شکلی است که مردم تصور می کنند گوشت گاو خیلی خوب است. چند روز پیش که با یکی از کارکنان دامشهر^{۳۵} صحبت می کردم متوجه شدم که در نگاه ایشان، گوشت گوساله خیلی خوب است. ایشان می گفتند الان هم که کمبود گوساله داریم قیمت این

^{۳۴}. ارجاع پرورشی: درباره علوم غریبه منایا و بلایا

علم منایا و علم بلایا دو نوع از علوم غریبه است؛ که در اختیار معصومین علیهم السلام می باشد. در مباحث علوم غریبه به شرح آیات و روایت این حوزه می پردازیم. (الإمام علي عليه السلام: أَنَا الَّذِي عَلَّمْتُ عِلْمَ الْمَنَايَا وَالْبَلَايَا وَالْقَضَايَا وَقَصَلَ الْخِطَابِ وَالْأَنْسَابِ - مختصر بصائر الدرجات عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام الباقر عليه السلام)

علم منایا همان علم به مرگ و انواع آن و تبیین خواسته ها و اعمال مرگ آفرین است. تبیین مراحل بعد از مرگ را هم ملحق به علم منایا تبیین می کنیم! علم بلایا همان علم به انواع ابتلائات بشر و کارکردهای ادب آفرین و تمحیصیه آنها است. آیات و روایات ساختار ابتلائات را معرفی کرده اند. ملحق به بحث ابتلائات بشر، ساختار "علم آمان" را هم تبیین می کنیم. پیوست دوم علم بلایا معرفی ۲۰ ویژگی بهشت - به عنوان یک محیط بی ابتلاء - است. فقه علوم غریبه یکی از ابواب فقهی مدرسه تمدنی هدایت است و مقدمه قطعی آموزش های علوم غریبه را آشنایی طلاب با مباحث فقه النظام، فقه الخلق و فقه التسییح می دانیم. به فضل الهی در جلسه ای دیگر برخی از علوم غریبه مانند علم جعفر تبیین می شود.

حجت الاسلام علی کشوری - تبیین اجمالی محتوای علم منایا و علم بلایا - شنبه ۱۲ آذر ۱۴۰۱ - قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgu4/4877>

^{۳۵}. ارجاع پرورشی: به گزارش ایرنا، شهرک صنعتی دامشهر قم به مساحت ۶۶۴ هکتار، در سال ۷۵ در ۷۵ کیلومتر ۱۳ محور قم - جعفریه احداث شد؛ ۳۰ کاروانسرای دام در این شهرک وجود دارد و سالانه بین ۶۰۰ هزار تا یک میلیون راس دام از استان های مختلف کشور وارد میدان دامشهر می شود.

منبع: خبرگزاری ایرنا

<https://www.irna.ir/news/83080840>

گوشت به چهارصد هزار تومان رسیده است و بالاتر از گوسفند. این نشان می دهد که مردم تصور می کنند که گوشت گوساله از گوسفند بهتر است. در صورتی که این گوشت چون سردی زیادی ایجاد می کند یکی از علل وقوع سگته محسوب می شود^{۳۶}. به هر حال درباره هر چیزی که صحبت می کنیم باید این معرفت را ایجاد کنیم. مثلا وزارت بهداشت و مجموعه های مرتبط با آن که آنچنان سواد می هم در شناخت غذاها ندارند، گوشت ماهی را به عنوان یک گوشت برتر معرفی می کنند. در صورتی که در روایات داریم که ادمان و مستمر خوردن گوشت ماهی به ذوب شدن بدن ختم می شود^{۳۷}. ذوب بدن یعنی لاغری شدید که مثلا شامل کاهش پیه چشم هم می شود. یعنی مصرف زیاد ماهی در نهایت به کاهش بینایی هم ختم می شود. البته در روایت تعبیر "ادمان" دارد یعنی مداومت بر خوردن ماهی. در واقع حضرت می فرمایند: گوشت ماهی را مصرف متداول خانه ی خود قرار ندهید. همین طور است ادمان تخم مرغ که موجب تنگی نفس در انسان می شود، کک و مک صورت را فراوان می کند یا مشکل طحالی ایجاد می کند و چالش هایی از این دست^{۳۸}.

۲/۵/۲. آشنا شدن با خاصیت های حدود دویست شیء پر کاربرد زندگی از طریق جدول فقهی تسخیر

۲/۵/۲/۱. بی توجهی به خاصیت سایر ستارگان در بحث حجامت حزیران؛ نمونه ای از غفلت نسبت به خاصیت اشیاء

بنابراین بنده معتقدم که که در دوران مدرنیته یکی از نیازهای اساسی ما همین پرسش است. یعنی باید درباره همه چیز این مسئله را طرح کنیم که خاصیت های اشیاء چیست؟ بنابراین بنده توصیه می کنم جدول فقهی تسخیر^{۳۹}

^{۳۶} .ارجاع پژوهشی: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَحْمُ الْبَقَرِ دَاءٌ وَ أَسْمَانُهَا شِفَاءٌ وَ أَلْبَانُهَا دَوَاءٌ.

از امام صادق (علیه السلام): گوشت گاو بیماری آرد، و روغنش شفا زايد و شیرش دوا باشد.

مصدر: المحاسن ج ۲ ص ۴۶۲ / الكافي ج ۶ ص ۳۱۱

دیگر منابع: مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۱۵۹ / بحار الأنوار ج ۶۳ ص ۷۴ / مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۳۴۶

^{۳۷} .ارجاع پژوهشی: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَازُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ إِبْنِ أَبِي لَيْسَعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تُدْمِنُوا أَكْلَ السَّمَكِ فَإِنَّهُ يُذِيبُ الْجَسَدَ .

ابن یسع گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: بر خوردن ماهی مداومت نکند؛ زیرا بدن را آب می کند.

مصدر: الكافي ج ۶ ص ۳۲۳ / دعائم الإسلام ج ۲ ص ۱۵۱

دیگر منابع: وسائل الشیعة ج ۲۵ ص ۷۷ / الوافي ج ۱۹ ص ۳۱۴

^{۳۸} .ارجاع پژوهشی: أَلْسَالَةُ الذَّهَبِيَّةِ ، لِلرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَ مُدَاوِمَةُ أَكْلِ الْبَيْضِ يَعْرِضُ مِنْهُ الْكَلْفُ فِي الْوَجْهِ: وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ كَثْرَةُ أَكْلِ الْبَيْضِ وَ إِذْمَانُهُ يُورِثُ الطَّحَالَ وَ رِيحًا فِي رَأْسِ الْمَعِدَةِ وَ الْإِمْتِلَاءَ مِنَ الْبَيْضِ الْمَسْلُوقِ يُورِثُ الرَّيْبَ وَ الْإِبْتِهَارَ .

خوردن مداوم تخم مرغ سبب لکه های سیاه رنگ و تیره رنگ در صورت می شود. مداومت بر خوردن تخم مرغ موجب مرض طحالی می شود.

مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۳۵۹

^{۳۹} .ارجاع پرورشی: بررسی ۲۰۰ شیء پر کاربرد در زندگی بشر از حیث سببیت

که شامل نوزده گروه و در کل حدود دویست شیء پر کاربرد زندگی است را مکرر مطالعه، تدریس و ترویج بفرمایید تا اطلاعات مردم درباره اشیاء ارتقاء پیدا کند چرا که ما با پدیده اطلاعات ناقص روبرو هستیم. حتی بنده که گاهی گفت و گوهای طلبگی را می خوانم - اخیراً هم درباره همین بحث حجامت در حزیران^{۴۰} گفت و گوهای اتفاق افتاده - می بینم که اطلاعات به معنای واقعی ناقص است. مثلاً جالب است که هنوز در حوزه علمیه یک

یکی از سرفصل های بحثی فقه الخلق، جدول تسخیر است. این جدول فقهی تبیین کننده الگوئی جدید برای تصرف بشر در عالم است و در فضای مقایسه با الگوی فعلی "تصرف در طبیعت" به محوریت مطالعات عنصر پایه مطرح شده است. سرفصل های این جدول فقهی به هفت پرسش شامل: ۱- فساد و ریشه های آن در اندیشه پیامبران کدام است؟، ۲- تعریف تصرف شیء پایه چیست؟، ۳- چه ارتباطی میان تصرف در عالم و منایای بشر وجود دارد؟، ۴- روش تعدیل منایا و روش شناسائی خاصیت نهائی اشیاء چیست؟، ۵- سیر تکون اشیاء چگونه است؟، ۶- جدول تسخیر اشیاء عالم را چگونه طبقه بندی می کند؟، ۷- ساختار "اطلاعات پیوسته هر شیء" از نظر فقه چیست؟ پاسخ می دهد. در مجموع و بعد از بررسی پرسش های اصولی فوق الذکر در اولین ویرایش جدول فقهی تسخیر حدود ۲۰۰ شیء پر کاربرد در زندگی بشر را از حیث سببیت و خاصیت نهائی بررسی می کنیم. به عبارت بهتر جدول فقهی تسخیر، جدول معرفی اسباب مورد نیاز در زندگی بشر است و آموزش و درایه در آن؛ بی نیازی از مطالعات بوزیتویستی را زمینه سازی می کند. به فضل الهی جدول فقهی تسخیر از ثمرات اولیه بررسی ویژگی های مشترک اشیاء - با روش تحقیق فقهی - است و کارکردهای آن با محصول کار فلاسفه مسلمان در بررسی احکام کلی وجود مقایسه می شود.

حجت الاسلام علی کشوری - گفتگوی چهارم با استاد عبدالحسین خسروپناه - دو شنبه ۲ فروردین ۱۴۰۰ هجری شمسی - قم مبارک

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان اپنا

<https://eitaa.com/olgou4/3037>

^{۴۰} ارجاع پژوهشی: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا تَدْعُ الْحِجَامَةَ فِي سَبْعٍ مِنْ حَزِيرَانَ فَإِنَّ فَاتَكَ فَلَا زَبَعَ عَشْرَةَ. حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) فرمود: حجامت را در هفتم حزیران ترك نکن (حزیران یکی از ماههای رومی است که با اول تابستان مصادف است) و اگر توانستی در چهاردهم انجام ده.

مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۷۵ / بحار الأنوار ج ۵۹ ص ۱۲۶ / مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۸۵

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الدَّاءُ ثَلَاثٌ وَالدَّوَاءُ ثَلَاثٌ فَالدَّاءُ الْمِرَّةُ وَالبَلْغَمُ وَالدَّمُ فَالدَّوَاءُ الدَّمُ الْحِجَامَةُ وَالدَّوَاءُ الْمِرَّةُ الْمَسِيءُ وَالدَّوَاءُ البَلْغَمُ الْحَمَامُ. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: بیماری سه تا است و دارو نیز سه تا است: بیماری از صفرا و بلغم و خون است، داروی خون حجامت است، و داروی صفرا پیاده روی، و داروی بلغم حمام می باشد.

مصدر: من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۱۲۶

دیگر منابع: مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۵۴ / الوافی ج ۶ ص ۶۰۹ / وسائل الشیعة ج ۲ ص ۳۰ / الفصول المهمة ج ۳ ص ۱۷ / بحار الأنوار ج ۵۹ ص ۱۲۷

بحث منقح درباره تاثیر افلاک، ماه، خورشید^{۴۱} و ستارگان^{۴۲} پنج گانه ای که در آسمان وجود دارد بر زندگی انسان نداریم^{۴۳}. به همین دلیل انسان مشاهده می کند که حتی بعضی از طلبه ها که می خواهند دلیل نهی از مجامعت اول،

۴۱. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره انعام آیه ۹۶: فَالْقُلُوبُ لِلْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ. او شکافنده صبح است و شب را مایه آرامش و خورشید و ماه را وسیله حساب قرار داده است، این اندازهگیری خداوند توانای دانا است.

قرآن کریم سوره ابراهیم آیه ۳۳: وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ. خورشید و ماه را که با برنامه منظمی در کارند به تسخیر شما در آورد و شب و روز را (نیز) مسخر.

۴۲. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره انعام آیه ۹۷: وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ التُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ قَدْ فَضَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ. و کسی است که ستارگان را برای شما قرار داد تا در تاریکیهای خشکی و دریا بوسیله آنها هدایت شوید، نشانه ها (ی خود) را برای کسانی که می دانند (و) اهل فکر و اندیشه اند) بیان داشتیم.

قرآن کریم سوره نحل آیه ۱۲: وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالتُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ. او شب و روز و خورشید و ماه را مسخر شما ساخت، و نیز ستارگان به فرمان او مسخر شما کنید، در این نشانه هائی است (از عظمت خدا) برای گروهی که عقل خود را بکار می گیرند.

۴۳. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره تکویر آیه ۱۵: فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ: سوگند به ستارگانی که باز می گردند.

فَلَا أُقْسِمُ أَيُّ أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ وَهُوَ إِسْمُ التُّجُومِ: فَلَا أُقْسِمُ «یعنی قسم می خورم» بِالْخُنُوسِ «اسم ستاره ها است».

بحار الأنوار ج ۹ ص ۲۴۷

وَعَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ: فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ قَالَ خَمْسَةٌ أَنْجُمٌ زُحَلٌ وَ عَطَارِدٌ وَ الْمُشْتَرِي وَ بَهْرَامٌ وَ الرَّهْرَهَةُ لَيْسَ فِي الْكَوَاكِبِ شَيْءٌ يَفْطَعُ الْمَجْرَةَ غَيْرَهَا .

امام علی (علیه السلام) - فلا أقسم بالخنوس؛ پنج ستاره اند زحل، عطارد، مشتری، بهرام، زهره، و جز اینها ستاره ای که کهکشان را پیماید، نیست.

بحار الأنوار ج ۵۵ ص ۱۰۸

و رُوِيَ بَعْدَهُ طُرُقٌ إِلَى بُؤْسِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ فِي جَامِعِهِ الصَّغِيرِ وَ هُوَ مِمَّنْ أَتَى الْمَعْصُومَ عَلَيْهِ رِضْوَانُ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ عَلَيْهِ بِإِسْنَادِهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جُعِلَتْ فِدَاكَ أَخْبَرَنِي عَنْ عِلْمِ التُّجُومِ مَا هُوَ فَقَالَ هُوَ عِلْمُ الْأَنْبِيَاءِ قُلْتُ أَكَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَعْلَمُهُ فَقَالَ كَانَ أَعْلَمَ النَّاسِ بِهِ.

از امام صادق علیه السلام درباره علم نجوم پرسیدم حضرت فرمودند: آن علم انبیا علیهم السلام است. پرسیدم آیا آقا امیرالمؤمنین علیه السلام هم چیزی از آن می دانست؟ فرمودند عالم ترین مردمان به این دانش بودند.

فرج المهموم ج ۱ ص ۲۳ / بحار الأنوار ج ۵۵ ص ۲۳۵

وَجَدْتُ فِي كِتَابِ مَسَائِلِ الصَّبَّاحِ بْنِ نَصْرِ الْهِنْدِيِّ لِمَوْلَانَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ رِوَايَةَ أَبِي الْعَبَّاسِ بْنِ نُوحٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الصَّفْوَانِيَّ مِنْ أَصْلِ كِتَابِ عَتِيقٍ لَنَا الْأَنْزَلِيُّ رُبَّمَا كَانَ قَدْ كُتِبَ فِي حَيَاتِهِمَا بِالْإِسْنَادِ الْمُتَّصِلِ فِيهِ عَنْ الزَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ: وَ ذَكَرَ إِجْتِمَاعَ الْعُلَمَاءِ بِحَضْرَةِ الْأَمَامُونَ وَ ظُهُورِ حُجَّتِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ الْعُلَمَاءِ وَ حُضُورِ الصَّبَّاحِ بْنِ نَصْرِ الْهِنْدِيِّ عِنْدَ مَوْلَانَا الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ سُؤَالَهُ عَنْ مَسَائِلَ كَثِيرَةٍ مِنْهَا سُؤَالُهُ عَنْ عِلْمِ التُّجُومِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا هَذَا لَفِظُهُ هُوَ عِلْمٌ فِي أَصْلِ صَحِيحٍ ذَكَرُوا أَنَّ أَوَّلَ مَنْ تَكَلَّمَ فِي التُّجُومِ إِدْرِيسُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ كَانَ ذُو الْقَرْبَيْنِ بِهَا مَاهِرًا وَ أَصْلُ هَذَا الْعِلْمِ

وسط و آخر ماه را توضیح دهند^{۴۴}، به دلایلی مانند تاثیر جاذبه ای ماه بر زمین استناد می کنند. یعنی یک گزاره پوزیتیویستی را به مسائل مطرح در روایات می چسبانند. درباره سایر مباحث هم وضع به همین شکل است.

مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يُقَالُ إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ النُّجُومَ الَّذِي يَقَالُ لَهُ الْمُشْتَرِي إِلَى الْأَرْضِ فِي صُورَةِ رَجُلٍ فَأَتَى بَلَدَ الْعَجَمِ فَعَلَمَهُمْ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ فَلَمْ يَسْتَكْمِلُوا ذَلِكَ فَأَتَى بَلَدَ الْهِنْدِ فَعَلَّمَ رَجُلًا مِنْهُمْ فَمِنْ هُنَاكَ صَارَ عِلْمُ النُّجُومِ بِهَا وَ قَدْ قَالَ قَوْمٌ هُوَ عِلْمٌ مِنْ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ خُصُّوا بِهِ لِأَسْبَابٍ سَتَى فَلَمْ يَسْتَدْرِكِ الْمُتَجَمُّونَ الدَّقِيقَ مِنْهَا فَسَابُوا الْحَقَّ بِالْكَذِبِ .

جمعی از علما و دانشمندان در حضور مامون بودند. امام رضا علیه السلام هم تشریف داشتند. درباره علم نجوم گفت و گو شد. امام رضا علیه السلام فرمودند: این دانش در اصل یک علم صحیحی بوده است و اولین کسی که درین خصوص صحبت کرده جناب ادریس نبی علیه السلام بوده. کما اینکه ذوالقرنین هم در این علم بسیار ماهر بوده است. همین طور گفته شده است که این دانش در اصل دانش اختصاصی انبیاء علیهم السلام بوده که چون منجمین درست و نادرست را در این علم توانستند از هم تشخیص دهند، حق را با باطل و کذب مخلوط کردند.

بحار الأنوار ج ۵۵ ص ۲۴۵ / مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۱۰۰

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَيَابَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جُعِلَتْ لَكَ الْفِدَاءُ إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ إِنَّ النُّجُومَ لَا يَجَلُّ النَّظْرُ فِيهَا وَ هِيَ تُعْجِبُنِي فَإِنْ كَانَتْ تُضَرُّ بِدِينِي فَلَا حَاجَةَ لِي فِي شَيْءٍ يُضَرُّ بِدِينِي وَ إِنْ كَانَتْ لَا تُضَرُّ بِدِينِي فَوَ اللَّهُ إِنِّي لِأَشْتَهِيهَا وَ أَشْتَهِي النَّظْرَ فِيهَا فَقَالَ لَيْسَ كَمَا يَقُولُونَ لَا تُضَرُّ بِدِينِكَ ثُمَّ قَالَ إِنَّكُمْ تَنْظُرُونَ فِي شَيْءٍ مِنْهَا كَثِيرَةً لَا يَذْرُكُ وَ قَلِيلَةً لَا يُتَنَفَعُ بِهِ تَحْسُبُونَ عَلَيَّ طَالِعَ الْقَمَرِ ثُمَّ قَالَ أَ تَدْرِي كَمْ بَيْنَ الْمُشْتَرِي وَ الزُّهْرَةِ مِنْ دَقِيقَةٍ قُلْتُ لَا وَ اللَّهُ قَالَ أَ تَدْرِي كَمْ بَيْنَ الزُّهْرَةِ وَ بَيْنَ الْقَمَرِ مِنْ دَقِيقَةٍ قُلْتُ لَا قَالَ أَ تَدْرِي كَمْ بَيْنَ الشَّمْسِ وَ بَيْنَ السُّنْبُلَةِ مِنْ دَقِيقَةٍ قُلْتُ لَا وَ اللَّهُ مَا سَمِعْتُ مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْمُتَجَمِّينَ قَطُّ قَالَ أَ تَدْرِي كَمْ بَيْنَ السُّنْبُلَةِ وَ بَيْنَ اللَّوْحِ الْمُحْفُوظِ مِنْ دَقِيقَةٍ قُلْتُ لَا وَ اللَّهُ مَا سَمِعْتُ مِنْ مُنْجِمٍ قَطُّ قَالَ مَا بَيْنَ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا إِلَى صَاحِبِهِ سِتُّونَ أَوْ سَبْعُونَ دَقِيقَةً [شَاكَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ] ثُمَّ قَالَ يَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ هَذَا حِسَابٌ إِذَا حَسَبَهُ الرَّجُلُ وَ وَقَعَ عَلَيْهِ عَرَفَ الْقَصَبَةَ الَّتِي فِي وَسْطِ الْأَجْمَةِ وَ عَدَدَ مَا عَنْ يَمِينِهَا وَ عَدَدَ مَا عَنْ يَسَارِهَا وَ عَدَدَ مَا خَلَقَهَا وَ عَدَدَ مَا أَمَامَهَا حَتَّى لَا يَخْفَى عَلَيْهِ مِنْ قَصَبِ الْأَجْمَةِ وَاحِدَةٌ .

عبد الرحمن بن سیابه می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کرد: جانم به قربانت، مردم می گویند نظر در علم نجوم روا نیست و من این علم را دوست می دارم، پس راستی اگر به دینم ضرر می زند که من به چیزی که به دینم ضرر زند نیازی ندارم، و اگر به دینم ضرر نمی زند بخدا من به این کار مایلم و نظر در آن را خوش می دارم. امام علیه السلام فرمود: آن گونه که می گویند نیست، آن به دین تو زیانی نمی رساند. سپس فرمود: شما در اموری از علم نجوم نظر می کنید که بسیارش حاصل نیاید و اندکش سودی ندارد، شما تنها روی طالع ماه حساب می کنید. آن گاه فرمود: آیا می دانی فاصله میان مشتری و زهره چند دقیقه است؟ عرض کردم: نه بخدا سوگند، فرمود: آیا می دانی فاصله میان ماه و زهره چند دقیقه است؟ عرض کردم: نه بخدا سوگند، تا به حال از هیچ يك از منجمان نشنیده ام. فرمود: آیا می دانی فاصله میان سنبله و لوح محفوظ چند دقیقه است؟ عرض کردم: نه بخدا تاکنون از هیچ منجمی نشنیده ام. فرمود: میان هر يك از اینها شصت یا هفتاد دقیقه است، و تردید از عبد الرحمن راوی حدیث است. سپس فرمود: ای عبد الرحمن! این حسابی است که اگر کسی آن را حساب کند و به حقیقتش پی ببرد يك دانه نی را که در میان نیستان باشد و شماره نهایی را که در سمت راست و چپ آن است و شماره آنچه پشت سر آن نی و جلوی آن قرار دارد همه را می فهمد تا بدان جا که حتی يك دانه از نیهای آن نیزار، بر او پوشیده نماند.

مصدر: الکافی ج ۸ ص ۱۹۵

دیگر منابع: فرج المهموم ج ۱ ص ۸۵ / الوافی ج ۲۶ ص ۵۱۳ / بحار الأنوار ج ۵۵ ص ۲۴۱

^{۴۴} . ارجاع پژوهشی: وَ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «لَا تُجَامِعُ فِي أَوَّلِ الشَّهْرِ وَ لَا فِي وَسْطِهِ وَ لَا فِي آخِرِهِ فَإِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَلَيْسَ لَهُ لِسِقْطِ الْوَلَدِ فَإِنْ تَمَّ أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مَجْنُونًا أَلَا تَرَى أَنَّ الْمَجْنُونَ أَكْثَرُ مَا يُصْرَعُ فِي أَوَّلِ الشَّهْرِ وَ وَسْطِهِ وَ آخِرِهِ » .

و امام صادق علیه السلام فرمود: در شب اول و شب وسط و شب آخر هر ماه مجامعت مکن، زیرا هر کس در این اوقات چنین کند باید خود را آماده سقط فرزند نماید، و چنانچه سقط نشود بعید نیست که مجنون یا دیوانه بدینا آید، آیا ندیده ای که دیوانه در اول و وسط و آخر هر ماه دیوانگیش تشدید می شود.

درباره حجامت هم مسئله این است که اساسا بالادست این بحث حجامت یک موضوع دیگر وجود دارد که باید ابتدا به آن توجه کنیم. یعنی ابتدا باید آن بحث سیاقی^{۴۵} را مدنظر قرار دهیم. آن مسئله این است که اساسا ما چند نوع ستاره داریم و تاثیرشان بر انسان و زندگی او چیست؟ چرا که فقط ماه و ستاره نیستند که تاثیرگذار بر زندگی ما هستند خیر، هر پنج ستاره ای که در آسمان اول وجود دارند مؤثرند. قرآن کریم می فرماید: *وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ*^{۴۶}. بحث سیاقی این است که ابتدا باید این پنج نوع ستاره^{۴۷}، کارکرد و را بحث کنیم. بعد که به احادیث نسبت زمان و حجامت رسیدیم می توانیم بین روایات جمع کنیم. مباحثی ازین دست که چرا روایت می فرماید در هفتم و چهاردهم حزیران حجامت کنید را می توانیم با تاثیرات ماه قمری بر حجامت جمع کنیم و البته فقط این دو مورد هم نیست. بنده گفت و گوها را که بررسی می کردم می دیدم که فقط درباره تاثیر شمس و قمر صحبت می شد در حالیکه باید این را هم بپرسیم که تاثیر ستاره ها و دیگر افلاک چه می شود^{۴۸}؟ چرا کسی آنها را در بحث داخل نمی کند. اینها بهرحال موضوعاتی است که گرفتار آن هستیم. در دوره مدرنیته از مسئله گاو و حبوبات تا ستاره و افلاک تا جن و ملائکه تا مسئله بسیار مهم کوه^{۴۹} و خاصیت

مصدر: من لا يحضره الفقيه ج ۳ ص ۴۰۳

دیگر منابع: مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۲۱۲ / الوافی ج ۲۲ ص ۷۱۸ / وسائل الشیعة ج ۲۰ ص ۱۲۹ / مستدرک الوسائل ج ۱۴ ص ۲۲۷

^{۴۵}. ارجاع پژوهشی: بیان متنی بر "سیاق" یکی از ابواب نه گانه قواعد اصولی فقه البیان است که به بررسی پیش فرضهای حاکم بر یک مسئله می پردازد. برای مطالعه بیشتر درباره باب بیان مبتنی بر سیاق به پیوست شماره چهار مراجعه فرمایید.

^{۴۶}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره ملک آیه ۵: *وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ*. ما آسمان پایین را با چراغهای پرفروغی زینت بخشیدیم، و آنها (شهب) را تیرهایی برای شیاطین قرار دادیم و برای آنان عذاب دوزخ فراهم ساختیم.

^{۴۷}. ر.ک به پاورقی شماره ۴۲

^{۴۸}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره اعراف آیه ۵۴: *إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يُطَلِّبُهُ حَيْثُ كَانَ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ*.

پروردگار شما خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش روز (شش دوران) آفرید، سپس به تدبیر جهان هستی پرداخت، با (پرده تاریک) شب، روز را می پوشاند و شب به دنبال روز به سرعت در حرکت است، و خورشید و ماه و ستارگان را آفرید در حالی که مسخر فرمان او هستند، آگاه باشید که آفرینش و تدبیر (جهان) برای او (و به فرمان او) است. پر برکت (و زوالناپذیر) است خداوندی که پروردگار جهانیان است.

^{۴۹}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره نمل آیه ۸۸: *وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ*. کوهها را می بینی و آنها را ساکن و جامد می پنداری در حالی که مانند ابر در حرکتند این صنع و آفرینش خداوندی است که همه چیز را متقن آفریده او از کارهایی که شما انجام می دهید آگاه است.

آن، با فقر اطلاعاتی روبرو هستیم. علاوه بر اینکه نسبت به اطلاعات انبیاء علیهم السلام در این حوزه فقیر هستیم، اطلاعات نادرست مانند آنچه که ناسا^{۵۰} و سازمانهای بهداشتی و تغذیه ای هم می گویند فراوان داریم. ترکیب اطلاعات ناقصی که از انبیاء علیهم السلام در ذهن داریم با معلومات نادرست دیگران باعث می شود که نتوانیم مواجهه درستی داشته باشیم. کارکرد **جداول فقه الخلق**^{۵۱} از جمله جدول فقهی تسخیر این است که ابتدا به صورت نظام مند بحث را ارتقاء می دهد.

قرآن کریم سوره اعراف آیه ۷۴: **وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلْنَا خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأْنَا فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ.**

و بخاطر بیاورید که شما را جانشینان قوم عاد قرار داد و در زمین مستقر ساخت، که در دشتهایش قصرها برای خود بنا می کنید و در کوه ها برای خود خانه ها می تراشید، بنابراین نعمتهای خدا را متذکر شوید و در زمین فساد نکنید.
۵۰. ارجاع پرورشی:

National Aeronautics and Space Administration (NASA), independent U.S. governmental agency established in 1958 for the research and development of vehicles and activities for the exploration of space within and outside Earth's atmosphere.

اداره ملی هوانوردی و فضایی (ناسا)، آژانس دولتی مستقل ایالات متحده که در سال ۱۹۵۸ برای تحقیق و توسعه وسایل نقلیه و فعالیت‌هایی برای اکتشاف فضا در داخل و خارج جو زمین تأسیس شد.

منبع: دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://www.britannica.com/topic/NASA>

۵۱. ارجاع پرورشی: در فقه الخلق پنج سرفصل مهم بحثی وجود دارد!

سرفصل اول مباحث فقه الخلق به مقایسه اجمالی بررسی اشیاء در علوم پوزیتویستی، فلسفه و فقه الخلق می پردازد. به عنوان مثال در علوم پوزیتویستی اشیاء به سه دسته جامد، مایع و گاز تقسیم می شوند و از حیث های رسانایی، چکش خواری، واکنش پذیری، چگونگی ساختار مولکولی و... بررسی می شوند. همچنین به عنوان مثال در فلسفه احکام کلی وجود مثل ۱- بدهت وجود ۲- اشتراک وجود ۳- اصالت وجود و احکام سلبی آن و... مورد بحث قرار می گیرد. در فقه الخلق اموری مانند "حیث سببیت اشیاء"، "حیث انفتاحی اشیاء"، "حیث منزلت اشیاء"، "طبقه بندی اشیاء"، "سیر نزول اشیاء از عرش به سایر عوالم" و... محل بحث قرار می گیرد.

در سرفصل دوم به بررسی ده دسته روایات و آیات اثبات کننده نگاه حداکثری به دین می پردازیم. آیات و روایات مرتبط با ۱- دائره تفقه، ۲- شرح اصطلاح قرآنی تبیاناً لكل شیء، ۳- شرح اصطلاح قرآنی کتاب، ۴- شرح اصطلاح قرآنی الراسخون فی العلم و ۵- شرح عبارت قرآنی هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ، ۶- شرح اصطلاح مفتاح، ۷- شرح اصطلاح منزلت، ۸- شرح اصطلاح سبب، ۹- شرح اصطلاح قلب و ۱۰- شرح اصطلاح سید از جمله استظهارات اثبات کننده حداکثری بودن دین هستند.

در سرفصل سوم مباحث فقه الخلق ۳۰ دسته از ویژگی مشترک اشیاء مانند: تسبیح همه اشیاء، منبع و مخزن همه اشیاء، ماده اولیه همه اشیاء، مراحل تزیل همه اشیاء، مدت داری همه اشیاء، مرگ و فوت همه اشیاء، فهم و قلب همه اشیاء، اختیار و انتخاب همه اشیاء و... را بحث می کنیم.

در سرفصل چهارم مباحث فقه الخلق ۳۰ جدول فقهی در مقایسه با توصیفات پوزیتویستی وجود دارد. به عنوان مثال "جدول فقهی تسخیر" را در مقایسه با "جدول تناوبی عناصر" نوشته ایم. همچنین در "جدول فقهی طبقه بندی اشیاء"، موجودات عالم را بر اساس سطح شعور آنها -در مقایسه با تاسونومی- طبقه بندی کرده ایم. همچنین به عنوان مثال دیگر در جدول توصیف سطوح عالم خلقت (جدول هیئت عالم) عوالم مختلف خلقت را در مقایسه با نظریه پوزیتویستی منظومه شمسی - با روش تحقیق فقهی - شرح می دهیم.

۲/۵/۲/۲. جداول ده گانه فقه الخلق بویزه جدول فقهی تسخیر، سیاق فهم بسیاری از مسائل در طب، تغذیه و...

بنده به یکی از طلبه های فاضل عرض می کردم اینکه شما در طب از مفردات شروع می کنید کار را خراب کرده است. پیش از اینکه وارد طب، حجامت یا مثلا علوم غریبه بشویم، باید ابتدا "فقه الخلق" را به عنوان سیاق مباحث پیش گفته مدنظر داشته باشیم. لذا مطالعه این کتاب جدول فقهی تسخیر از واجبات است^{۵۲}. خاصیتش هم این است که نمی خواهد به صورت تخصصی مثلا مفردات دارویی یا حبوبات را بحث کند بلکه ایده اصلی این کتاب این است که می گوید: ما ابتدا به ارتقای اطلاعاتی درباره همه اشیاء نیاز داریم. این کتاب با حدود سیصد صفحه بحث اطلاعات انسانها را درباره حدود دویست شیء پرکاربرد ارتقا می دهد. نتیجه اینکه وقتی اطلاعاتمان را نسبت به وضعیت موجود بهتر کردیم می توانیم مباحث تخصصی را هم شروع کنیم. حال مسائل مربوط به جن را هم باید با این نگاه شروع کنیم.

۲/۶. اولین ویژگی جن ها: جهالت

۲/۶/۱. نسبت دادن بخت و اقبال به خداوند متعال دلیل این جهالت و نادانی

بنده ابتدا دو روایت می خوانم تا مقداری فهمان نسبت به اجنه ارتقا پیدا کند. در یک مجموعه احادیثی اینطور آمده است که: و روی عن الباقر والصادق علیه السلام... این روایت در بحارالانوار آمده است اما نزدیک به این محتوا در دیگر کتب هم وارد شده است. قال: أنه ليس لله تعالى جد... می فرمایند: خداوند متعال "جد" ندارد. مراد جد

در سرفصل پنج مباحث فقه الخلق محورهای ۷ گانه جدول فقهی تسخیر شامل: ۱- چگونگی ارزیابی فساد، ۲- تعریف تصرف شیء پایه، ۳- تبیین ارتباط تصرفات بشر و منایای بشر، ۴- روش شناسی مطالعات حوزه تسخیر، ۵- اصول تکوُن اشیاء ۶- گروه بندی اشیاء در جدول تسخیر و ۷- ساختار اطلاعات کاربردی اشیاء را شرح می دهیم.

گفتگوی دوم حجت الاسلام علی کشوری با استاد عبدالحسین خسروپناه درباره مباحث فقه الخلق - شنبه ۳۰ اسفند ۱۳۹۹ - قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/3036>

^{۵۲}. ارجاع پرورشی: برای مطالعه کتاب جدول فقهی تسخیر به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<https://eitaa.com/olgou4/4488>

در زبان عربی است که معنای "بخت" را می دهد^{۵۳}. و إنما قالت الجن بجهالة فحكا سبجانة^{۵۴}. خداوند متعال در سوره جن یک آیه نازل کرده است که می فرماید: تعالی جد ربک^{۵۵}. یعنی خدا خیلی خوش بخت و اقبال است. امام باقر و امام صادق علیهما السلام توضیح داده اند که خداوند اصلاً متصف به بخت و اقبال نمی شود. بخت و اقبال یک نوع توصیف از مخلوقات است. خدای متعال "شیء" است ولی "لا کالأشیاء" دیگر، که این تعبیر امام رضا علیه السلام است^{۵۶}. اما چرا این را در قرآن آورده است؟ امام صادق علیه السلام می فرماید: جن ها از سر جهالت اینطور گفتند. در اینجا هم خدای متعال خواسته است که حرف اجنه را نقل و نقد کند. شرح این آیه هم در

^{۵۳} ارجاع پژوهشی: تفسیر علی بن ابراهیم، عن علی بن الحسین عن أحمد بن أبي عبد الله عن الحسين بن سعيد عن الثوري عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام: في قول الجن و أنه تعالی جد ربنا فقال شيء كذب الجن فقصه الله تعالی كما قال.

-در تفسیر علی بن ابراهیم- بسندی از امام ششم علیه السلام در باره گفته جن «و راستش والا است جد پروردگار ما یعنی بختش بلند است» فرمود: این دروغ پریان بود که خدایش نقل کرده.

مصدر: تفسیر القمی ج ۲ ص ۳۸۸

دیگر منابع: تفسیر البرهان ج ۵ ص ۵۰۶ / بحار الأنوار ج ۶۰ ص ۹۸ / تفسیر نور الثقلین ج ۵ ص ۴۳۵

^{۵۴} ارجاع پژوهشی: عنه عن ابن أبي نصر عن ثعلبة بن ميمون عن ميسر عن أبي جعفر عليه السلام قال: «شيطان يفسد الناس بهما صلاحاتهم قول الرجل تبارك اسمك و تعالی جدك و لا إله غيرك و إنما هو شيء قالت الجن بجهالة فحكى الله عز و جل عنهم و قول الرجل السلام علينا و على عباد الله الصالحين.

ابو جعفر باقر (ع) گفت: دو جمله متداول شده است که مردم با خواندن آن دو جمله در تشهد، نماز خود را باطل می کنند. در جمله اول می گویند: «نامت جاویدان باد و بخت بلند. خدایی جز تو نیست». این خطابه، گفته جهالت آمیز جنیان است که خداوند از زبان آنان حکایت کرده است. در جمله دوم می گویند: «درود خدا بر ما نمازگزاران باد و بر بندگان صالح و شایسته اش

مصدر: الخصال ج ۱ ص ۵۰ / تهذیب الأحكام ج ۲ ص ۳۱۶

دیگر منابع: الوافی ج ۸ ص ۷۷۲ / وسائل الشیعة ج ۶ ص ۴۰۹ / وسائل الشیعة ج ۷ ص ۲۸۶ / بحار الأنوار ج ۸۱ ص ۳۲۰

^{۵۵} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره جن آیه ۳: و أنه تعالی جد ربنا ما اتخذ صاحبة و لا ولداً.

و اینکه والا است مقام با عظمت پروردگار ما، و او هرگز برای خود همسر و فرزندی انتخاب نکرده است.

^{۵۶} ارجاع پژوهشی: محمد بن مسعود، قال حدثني علي بن محمد الفهمي، قال حدثني أحمد بن محمد بن خالد البرقي، عن أبي عبد الله محمد بن موسى بن عيسى من أهل همدان، قال حدثني إشكيب بن عبدك الكسائي، قال حدثني عبد الملك بن هشام الحنط، قال: قلت لأبي الحسن الرضا (عليه السلام) أسألك جعلني الله فداك قال سل يا جبلي عما ذا تسألني فقلت جعلت فداك زعم هشام بن سالم أن لله عز و جل صورة، و أن آدم خلق على مثال الرب و يصف هذا و يصف هذا و أوميت إلى جانبي و شعر رأسي، و زعم يونس مولى آل يقطين و هشام بن الحكم: أن الله شيء لا كالأشياء و أن الأشياء بائنة منه و هو بائن من الأشياء، و زعم أن إثبات الشيء أن يقال جسم فهو جسم لا كالأجسام شيء لا كالأشياء ثابت موجود غير مفقود و لا معدوم خارج من الحدين حد الإبطال و حد التشبيه، فبأي القولين أقول قال، فقال (عليه السلام):

أراد هذا الإثبات و هذا شبهة ربه تعالی بمخلوق، تعالی الله الذي ليس له شبهة و لا عدل و لا مثل و لا نظير و لا هو في صفة المخلوقين، لا ثقل بمثل ما قال هشام بن سالم و قل بما قال مولى آل يقطين و صاحبه، قال، قلت فنعطي الركاة من خالف هشاماً في التوحيد فقال برأسه لا.

مصدر: رجال الكشي ج ۱ ص ۲۸۴

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۳ ص ۳۰۵

روایت آمده که به پیامبر صلوات الله علیه امر شد که جن ها را انذار کنند^{۵۷}. در پی این داستان، مجموعه ای از اجنه به محضر پیامبر خدا آمدند و استماع کردند. این گروه که رفتند عبارت "جد" را به خداوند متعال نسبت دادند. حال این روایت را برای چه قرائت کردم؟ خدای متعال می فرماید که جن ها دارای جهالت هستند. یعنی همان مسئله ای که درباره انسان بحث می شود. وقتی درباره انسان ها هم گفت و گو می کنیم می گوئیم انسان ها دارای جهالت هستند^{۵۸}. در آیه شریفه: وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ.^{۵۹} به نحوی به اشتراک هدف خلقت جن و انس

^{۵۷}. ارجاع پژوهشی: علی بن ابراهیم (رحمة الله عليه) - وَكَانَ سَبَبُ نَزُولِ هَذِهِ الْآيَةِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) خَرَجَ مِنْ مَكَّةَ إِلَى شَوْقِ عَكَازٍ وَمَعَهُ زَيْدُ بْنُ حَارِثَةَ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْإِسْلَامِ فَلَمْ يُجِبْهُ أَحَدٌ وَ لَمْ يَجِدْ مَنْ يَتَّبِعُهُ ثُمَّ رَجَعَ إِلَى مَكَّةَ فَلَمَّا بَلَغَ مَوْضِعًا يُقَالُ لَهُ وَادِي مَجَنَّةَ تَهَجَّدَ بِالْقُرْآنِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ فَمَرَّ بِهِ نَفْرٌ مِنَ الْجِنَّ فَلَمَّا سَمِعُوا قِرَاءَةَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) اسْتَمَعُوا لَهُ فَلَمَّا سَمِعُوا قِرَاءَتَهُ قَالَ: بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ أَنْصَثُوا يَعْنِي اسْكُتُوا فَلَمَّا قَضَى أَيْ فَرَغَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مِنَ الْقِرَاءَةِ وَلَوْ إِلَى قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أَنْزَلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى (عليه السلام) مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَ إِلَى طَرِيقِ مُسْتَقِيمٍ يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَ آمِنُوا بِهِ إِلَى قَوْلِهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ فَجَاءُوا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَ آله) فَأَسْلَمُوا وَ آمَنُوا وَ عَلَّمَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) شَرَائِعَ الْإِسْلَامِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى نَبِيِّهِ (صلى الله عليه وآله): قُلْ أُوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنَّ السُّورَةَ كُلَّهَا فَحَكَى اللَّهُ قَوْلَهُمْ وَ وَلَّى رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) عَلَيْهِمْ مِنْهُمْ وَ كَانُوا يَعُودُونَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فِي كُلِّ وَ قْتٍ فَأَمَرَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) أَنْ يُعَلِّمَهُمْ وَ يُفَقِّهَهُمْ فَمِنْهُمْ مُؤْمِنُونَ وَ كَافِرُونَ وَ نَاصِبُونَ وَ يَهُودٌ وَ نَصَارَى وَ مَجُوسٌ وَ هُمْ وُلْدُ الْجَانِّ.

علی بن ابراهیم (رحمة الله عليه) - سبب نزول این آیات این است که رسول خدا (صلى الله عليه وآله) به همراه زید بن حارثه از مکه به بازار عکاظ رفت تا مردم را به اسلام دعوت کند. اما هیچ کس به او پاسخ مثبت نداد. آن حضرت به سوی مکه بازگشت. زمانی که به مکانی به نام وادی مجنه رسید، شب هنگام شروع به خواندن قرآن کرد. در این هنگام گروهی از جنیان از آنجا عبور می کردند. زمانی که صدای قرآن خواندن رسول خدا (صلى الله عليه وآله) را شنیدند، گروهی از آنها به گروهی دیگر می گفتند: «انصثوا» یعنی سکوت کنید. «فَلَمَّا قَضَى» یعنی رسول خدا (صلى الله عليه وآله) از قرائت قرآن فارغ شد. «به سوی قوم خود بازگشتند و آن ها را بیم دادند! گفتند: «ای قوم ما! ما کتابی را شنیدیم که بعد از موسی نازل شده، هماهنگ با نشانه های کتاب های پیش از آن، که به سوی حق و راه راست هدایت می کند. ای قوم ما! دعوت کننده ای الهی را اجابت کنید و به او ایمان آورید تا گناهانتان را ببخشد و شما را از عذابی دردناک پناه دهد! و هر کس به دعوت کننده ای الهی پاسخ نگوید، هرگز نمی تواند از چنگال عذاب الهی در زمین فرار کند، و غیر از خدا یار و یابوری برای او نیست چنین کسانی در گمراهی آشکارند!» (احقاف / ۲۹-۳۲) آن ها به محضر پیامبر (صلى الله عليه وآله) آمدند و ایمان آوردند. پیامبر (صلى الله عليه وآله) نیز شریعت اسلام را به آن ها آموخت. پس از آن، خداوند سوره ی جن را به طور کامل بر رسول خدا نازل کرد. خداوند در آن سوره، سخنان آن ها، قبول ولایت رسول خدا (صلى الله عليه وآله) توسط آن ها و آمدن پیامی ایشان نزد آن حضرت را ذکر فرموده است. رسول خدا (صلى الله عليه وآله) نیز به امیرالمؤمنین (عليه السلام) دستور داد تا به آن ها احکام اسلام را یاد دهد. گروهی از آن ها مؤمن، گروهی کافر و برخی ناصبی هستند. همچنین در میان آن ها یهودی، مسیحی و مجوسی نیز یافت می شود. همه آن ها از نسل جان هستند.

مصدر: تفسیر القمی ج ۲ ص ۲۹۹

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۱۸ ص ۸۹ / بحار الأنوار ج ۶۰ ص ۸۱

^{۵۸}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره احزاب آیه ۷۲: إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا.

ما امانت (تعهد تکلیف، مسئولیت و ولایت الهیه) را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم آنها از حمل آن ابا کردند و از آن هراس داشتند، اما انسان آنرا بر دوش کشید!، او بسیار ظالم و جاهل بود (قدر این مقام عظیم را شناخت و به خود ستم کرد).

^{۵۹}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره ذاریات آیه ۵۶: وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ.

اشاره شده است. این آیه همین نکته را متذکر می‌شود. می‌فرماید: اولاً بدانید که جن‌ها دارای جهالت هستند تا جایی که خدا را دارای بخت و اقبال می‌دانند. این یک نکته که دلیل اهمیتش را در ادامه عرض می‌کنم.

۲/۷. ویژگی دوم جن‌ها: بی‌اطلاعی از غیب

روایت دیگری که می‌خواهم عرض کنم، هم در *علل الشرایع*^{۶۰} آمده است هم در بحار الانوار و هم در کتاب *خصال*^{۶۱}. در واقع این روایت را منابع مختلف با سندهای متفاوت با شرح و تفصیل‌های گوناگونی ذکر کرده‌اند. بنده این بخشی را که در بحار الانوار آمده است عنوان می‌کنم چون خلاصه داستان را ذکر کرده است. روایت این گونه است که می‌فرماید: عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَمَرَ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ الْجِنِّ فَصَنَعُوا لَهُ قُبَّةً مِنْ قَوَارِيرٍ^{۶۲}.

من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این طریق تکامل یابند و به من نزدیک شوند).

^{۶۰} ارجاع پرورشی: *عِلَلُ الشَّرَائِعِ*، کتابی به زبان عربی، تألیف شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ق) فقیه برجسته و راوی شیعی قرن چهارم هجری قمری است. *علل الشرائع*، مشتمل بر روایاتی از رسول خدا (ص) و ائمه اطهار (ع) است که موضوع آنها علت و فلسفه برخی از احکام شرعی و عقیدتی است، مانند *علل وضع اسامی اشیا و اشخاص*، عوامل حوادث و وقایع، *علل گرایش به عقاید و اعمال و چگونگی خلق حیوانات*. شیخ صدوق در این کتاب، به علت برخی از کارهای پیامبران، پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) نیز اشاره کرده است.

این کتاب در ۶۴۷ باب تنظیم شده و در دو جلد منتشر شده است. از آنجا که مطالب این کتاب برای عموم مردم جالب توجه است، تاکنون چند ترجمه نیز از آن منتشر شده است. وحید بهبهانی از عالمان شیعه در علم اصول بر این کتاب انتقادهایی دارد.

تهرانی، الذریعه، ج ۱۵، ص ۳۱۳ / زرکلی، الاعلام، ج ۶، ص ۲۷۴ / احمدی، تاریخ حدیث شیعه، ۱۳۸۹ش، ص ۱۷۸ / معارف، *علل الشرائع اثری وزین در مجموعه آثار شیخ صدوق*، ۱۳۹۱ش / احمدی، تاریخ حدیث شیعه، ۱۳۸۹ش، ص ۱۷۹

^{۶۱} ارجاع پرورشی: *الْخِصَالُ* کتابی عربی نوشته شیخ صدوق (درگذشت ۳۸۱ ق) از فقها و محدثان شیعه در قرن چهارم هجری است. شیخ صدوق در این کتاب، روایاتی درباره مسائل اخلاقی و اعتقادی جمع‌آوری کرده و روایات را، به تناسب اعدادی که در آن احادیث به کار رفته، دسته‌بندی نموده است. *الخصال* اولین کتابی بوده که به این سبک نگاشته شده است.

شیخ صدوق با تحقیق در تألیفات مشایخ و علمای بزرگ گذشته، دریافته که آنان در بخش‌های مختلف علوم، کتاب‌هایی نگاشته‌اند؛ اما درباره رابطه میان اعداد و صفات پسندیده و ناپسند چیزی نگاشته و از آن غفلت کرده‌اند. او با توجه به فایده فراوان این موضوع برای دانشجویان و نیکخواهان بر آن شد تا برای تقرب به درگاه الهی دست به نگارش چنین کتابی بزند تا به پاداش الهی و خوشبختی و رحمت خداوند متعال نایل گردد.

صدوق، *الخصال*، ۱۴۰۳ ق، ص ۸ / نرم افزار جامع فقه اهل بیت.

^{۶۲} ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَمَرَ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ الْجِنِّ فَصَنَعُوا لَهُ قُبَّةً مِنْ قَوَارِيرٍ فَبَيَّنَمَا هُوَ مُتَكَيِّئٌ عَلَى عَصَاهُ فِي الْقُبَّةِ يَنْظُرُ إِلَى الْجِنِّ كَيْفَ يَعْمَلُونَ وَ هُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ إِذْ حَانَتْ مِنْهُ الْإِنَّمَاتُ فَإِذَا رَجُلٌ مَعَهُ فِي الْقُبَّةِ قَالَ مَنْ أَنْتَ قَالَ أَنَا الَّذِي لَا أَقْبَلُ الرِّسَا وَ لَا أَهَابُ الْمُلُوكَ أَنَا مَلِكُ الْمَوْتِ فَفَبَصَّه وَ هُوَ قَائِمٌ مُتَكَيِّئٌ عَلَى عَصَاهُ فِي الْقُبَّةِ وَ الْجِنُّ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ قَالَ فَمَكَّنُوا سَنَةً يَدَّابُونَ لَهُ حَتَّى بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْأَرْضَةَ فَأَكَلَتْ مِنْ سَنَاتِهِ وَ هِيَ الْعَصَا فَلَمَّا حَرَ تَبَيَّنَتْ الْجِنُّ أَنَّ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الْجِنِّ يَشْكُرُونَ الْأَرْضَةَ مَا صَنَعَتْ بِعَصَاةِ سُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَا تَكَادُ تَرَاهَا فِي مَكَانٍ إِلَّا وَ عِنْدَهَا مَاءٌ وَ طِينٌ.

پدرم رضی الله عنه می‌فرماید: علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش ابراهیم بن هاشم، از ابن ابی عمیر، از ابان از ابو بصیر، از حضرت ابو جعفر علیه السلام، حضرت فرمودند: حضرت سلیمان بن داود علیه السلام دیوان را امر فرمود تا سرپرده‌ای از بلور برایش بسازند، در حالی که آنها سرگرم ساختن آن

این روایت در واقع لحظات و ساعات پایانی عمر حضرت سلیمان علیه السلام است^{۶۳}. حضرت به اجنه دستور دادند بروید یک گنبد شیشه ای برای من بسازید. حضرت جن ها را برای کارهای مختلفی استخدام می کردند. از جمله برای طراحی تمثالهایی از گیاهان و انتقال سنگها و ساخت ظرفهای بزرگ^{۶۴}.

۲/۷/۱. لزوم روایت صحیح عبرتکده ها (میراث فرهنگی) از جمله اهرام مصر بر اساس مدل فقهی روایت

این نکته را هم داخل پراگماتر عرض کنم: ابنیه ای که معروف به اهرام ثلاثه مصر هستند، قطعاً با استخدام اجنه ساخته شده اند. اما پوزیتیویستها انیمشین می سازند که این سنگها از فلان فاصله به وسیله برده ها منتقل شده است. ان شاء الله در وقت مناسب روایت خودمان را از اهرام ارائه می دهیم. یکی از کارهای ما در مدرسه روایت میراث فرهنگی است. به نظرم وقتی مدرنیته می خواهد بگوید خدا مرده است یا وجود ندارد، همین روایتهای نادرست و غلط از گذشته اساس آن را شکل می دهد. ما به هیچکدام از روایتهای یونسکو درباره ی عبرتکده ها اعتماد نداریم. اخیراً که بنده برخی از فیلمهای هالیوود را می بینم، وقتی که می خواهند حیث علوم غربیه دخیل در اهرام یا بعضی دیگر از ابنیه مصر را روایت کنند، باز هم به صورت غلط این کار را انجام می دهند. به هر حال تکلیف ما این است که این ها را به صورت صحیح روایت کنیم. خود مصر هم یکی از سیزده سرزمینی است که به صورت جدی و

بودند حضرت در سرابرده بر عصای خود تکیه داده و به آنها می نگریست که چگونه آن را می سازند و دیوان نیز هنگامی که توجه سلیمان به آنها کم می شد او را نگاه می کردند، باری ناگهان مردی در قبه ظاهر گردید، سلیمان فرمود: کیستی؟ آن مرد گفت: من کسی هستم که رشوه از کسی نمی پذیرم و از ملوک و سلاطین ترس و وحشتی ندارم، من ملك الموت هستم پس بدون درنگ در حالی که سلیمان ایستاده و بر عصایش تکیه داشت و دیوان او را می نگریستند روحش را قبض کرد. امام علیه السلام فرمودند: دیوان يك سال درنگ نموده و در طول این مدت برای او زحمت کشیده و خود را به تعب انداختند تا وقتی که حق عزّ و جلّ موربانه را فرستاد و آن حیوان عصای سلیمان را خورد و هنگامی که سلیمان افتاد دیوان از مرگ او آگاه شده و معلوم گشت که اگر از اسرار غیب مطلع می بودند در ذلت باقی نمی ماندند. حضرت ابو جعفر علیه السلام در پایان فرمودند: دیوان از کار موربانه تشکر نمودند فلذا در هر کجا که موربانه دیده شود حتماً آب و گل نیز آنجا می باشد.

مصدر: علل الشرایع ج ۱ ص ۷۴ / تفسیر القمی ج ۱ ص ۵۴

دیگر منابع: تفسیر البرهان ج ۴ ص ۵۱۱ / بحار الأنوار ج ۱۴ ص ۱۳۷ / تفسیر نور الثقلین ج ۴ ص ۳۲۵

۶۳. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره نمل آیه ۱۶: وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ.

و سلیمان وارث داوود شد، و گفت: ای مردم! زبان پرندگان به ما تعلیم داده شده، و از هر چیز به ما عطا گردیده: این فضیلت آشکاری است.

۶۴. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره سبأ آیه ۱۳: يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَتَمَائِيلٍ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ.

آنها هر چه سلیمان میخواست برایش درست میکردند، معبدها، تمثالها، ظروف بزرگ غذا همانند حوضها! و دیگهای ثابت (که از بزرگی قابل حمل و نقل نبود، و به آنها گفتیم: ای آل داود شکر (اینهمه نعمت را) بجا آورید، اما عده کمی از بندگان من شکرگذارند!

البته منفی درگیر در عصر ظهور است^{۶۵}. بعدها که مباحث ماورایی در زمین قوت می گیرد کارهای مصری ها هم در علوم غریبه زنده می شود. به بحثمان برگردیم. موضوع استفاده حضرت سلیمان علیه السلام از اجنه برای ساخت بنا و... در قرآن هم آمده است یعنی اصل این موضوع امر مسلمی است^{۶۶}. بهرحال ایشان در این موضوع مشغول ساخت یک گنبد شیشه ای بوده اند. این را البته در بحثهای تفصیلی توضیح می دهیم که هدف حضرت از ساخت این گنبد شیشه ای چه بوده است و الان کارکرد این گنبدها چیست؟ روایت ادامه می دهد که ایشان زیر آن گنبد ایستاده بودند "وینما هو قائم متکئ علی عصاه" بعد می فرماید: ينظر الی الجن. در واقع حضرت سلیمان علیه السلام با آن حالت ایستاده داشتند به جنها نگاه می کردند "کیف یعملون" که چطور مشغول ساخت این قبه هستند. "و هم ينظرون إلیه و لایصلون إلیه". جنها هم متوجه بودند که حضرت بر آنها و کارشان نظارت دارد. "إذا رجل معه فی القبه". ناگهان حضرت سلیمان علیه السلام متوجه شدند که مردی در قبه است. در بعضی از روایات تفصیلی آمده که ظاهراً حضرت سلیمان علیه السلام از شب قبل گفته بودند که من به تعبیر امروزی ها - فردا سرور و شادی آفرینی برای خودم دارم و کسی حق آمدن نزد مرا ندارد. در روایت هم توضیح می دهد که برنامه شادی حضرت چه

^{۶۵}. ارجاع پرورشی: نظریه سیاست خارجی قبل از ظهور پنج سرفصل بحثی دارد!

در سرفصل اول نظریه سیاست خارجی قبل از ظهور: به تبیین دلایل تأسیس و معرفی روایات و آیات مطرح در باب فقهی نفی سبیل پرداخته می شود. معرفی اجمالی نظریات بخشی این باب، مانند "الگوی جدید نگهبانی از نظام" و "نظریه سیاست خارجی قبل از ظهور"، بخش دیگری از محتوای سرفصل اول است. (منابع نظریه)

سرفصل دوم نظریه سیاست خارجی قبل از ظهور به نقد و بررسی مبانی هستی شناسی و معرفت شناسی نظریه سازه انگاری در قالب پنج پرسش می پردازد.

در سرفصل سوم این نظریه به واکاوی دلایل پیدایش صلح و جنگ در روابط بین الملل می پردازیم. از منظر فقه اختلال در روابط انسانی سیزده گانه، ریشه اصلی پیدایش جنگ و تنظیم روابط انسانی ریشه پیدایش صلح محسوب می شود. در این بخش در معنای قاعده فنی سبیل تدبیر بیشتری صورت می پذیرد. (بخش تعریف نظریه)

سرفصل چهارم این نظریه به تبیین عوامل تاثیرگذار بر روابط انسانی اختصاص دارد. کفر و نفاق بیشترین اختلال در روابط انسانی را ایجاد می کند و بالتبع بیشترین تاثیر را بر ایجاد جنگ خواهد داشت. ایمان هم بیشترین تاثیر را بر تنظیم روابط انسانی دارد و بالتبع عامل پیدایش صلح و ایمنی است. (بخش تصویر نظریه)

سرفصل پنجم "نظریه سیاست خارجی قبل از ظهور"، "منطقه جغرافیائی ظهور" یا منطقه اصلی درگیری دستگاه ایمان با دستگاه کفر و نفاق را تشریح می کند و الگوی ارائه مشورت و حمایت مستشاری از مردم این منطقه را ترسیم می کند. (بخش تصمیم نظریه)

حجت الاسلام علی کشوری - نشست تخصصی تبیین نظریه فقهی سیاست خارجی قبل از ظهور - چهارشنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۰ - مسجد جمکران - پلاک ۳۱۳
برای مطالعه متن کامل این سخنرانی به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<https://eitaa.com/olgou4/3639>

بوده است. در آن مکان مشغول مرور نعمتهایی بودند که خداوند متعال به ایشان داده است. از این خوشحال بودند که خدای متعال این همه نعمت به ایشان داده که به هیچ کس دیگری نداده است. حال حضرت که در این حالت بودند آن فرد را در قبه دیدند. حضرت سلیمان حاکم کل جهان^{۶۷} و با آن تسلطهای عجیب و غریب^{۶۸} به آن مرد گفتند تو کیستی؟ آن فرد که جوان زیبایی هم بود گفت: أنا الذی لایقبل الرشی خیلی محکم گفتند: من آن کسی هستم که رشوه قبول نمی کنم و هیچ ترسی هم از پادشاهان ندارم. "فقبضه و هو قائم متکئی علی عصاه"^{۶۹}. و بعد هم روح حضرت سلیمان را قبض کردند. در واقع جناب ملک الموت بودند که به شکل یک مرد زیبا خدمت حضرت رفته بودند. شاهد مثال بنده اینجاست: فمکتوا سنه، حضرت سلیمان علیه السلام یک سال به همین شکل ایستاده بودند در حالی که جان در بدن نداشتند و جالب اینکه جنها نمی دانستند چه اتفاقی برای حضرت افتاده است.

^{۶۷} ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ بِإِسْنَادِهِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَلَكَ الْأَرْضَ كُلَّهَا أَرْبَعَةَ مِائَتَيْ مِائَةٍ وَ كَافِرَانِ فَأَمَّا الْمُؤْمِنَانِ فَسُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ ذُو الْقَرَيْنَيْنِ وَ الْكَافِرَانِ نُمْرُودُ وَ بُخْتَنَصْرُ وَ إِسْمُ ذِي الْقَرَيْنَيْنِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ ضَحَّاكٍ بْنِ مَعَدٍّ .

محمد بن خالد با سند خود از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که فرمود: چهار کس پادشاهی روی زمین را به دست آوردند که دو نفرشان مؤمن و دو نفرشان کافر بودند: اما دو نفر مؤمن سلیمان بن داود و ذو القرنین بودند و اما دو نفر کافر نمروود و بخت نصر بودند و نام ذو القرنین عبد الله بن ضحاک بن سعد بود.

مصدر: الخصال ج ۱ ص ۲۵۵

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۱۲ ص ۳۶ / تفسیر نور الثقلین ج ۴ ص ۴۵۹ / تفسیر الصافی ج ۱ ص ۲۸۶

^{۶۸} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره انبیاء آیه ۸۱: وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ. و تندباد را مسخر سلیمان ساختیم که به فرمان او به سوی سرزمینی که آنرا پربرکت کرده بودیم حرکت میکرد، و ما از همه چیز آگاه بودهایم.

قرآن کریم سوره نمل آیه ۱۷: وَحَشِرٌ لِّسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ .

لشکریان سلیمان از جن و انس و پرندگان نزد او جمع شدند آنقدر زیاد بودند که باید توقف کنند تا به هم ملحق شوند.

^{۶۹} ارجاع پژوهشی: أَبِي عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ ابْنِ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَمَرَ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْجِنَّ فَصَنَعُوا لَهُ قُبَّةً مِنْ قَوَارِيرَ فَبَيْنَمَا هُوَ مُتَكِيٌّ عَلَى عَصَاهُ فِي الْقُبَّةِ يَنْظُرُ إِلَى الْجِنِّ كَيْفَ يَعْمَلُونَ وَ هُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ إِذْ حَانَتْ مِنْهُ التَّفَاتَةُ فَأَادَا رَجُلٌ مَعَهُ فِي الْقُبَّةِ قَالَ مَنْ أَنْتَ قَالَ أَنَا الَّذِي لَا أَقْبَلُ الرِّشَاءَ وَ لَا أَهَابُ الْمُلُوكَ أَنَا مَلَكَ الْمَوْتِ فَقبَضَهُ وَ هُوَ قَائِمٌ مُتَكِيٌّ عَلَى عَصَاهُ فِي الْقُبَّةِ وَ الْجِنُّ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ قَالَ فَمَكَّنُوا سَنَةً وَ هُمْ يَدُابُونَ لَهُ حَتَّى بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْأَرْضَةَ فَأَكَلَتْ مِئْسَاتَهُ وَ هِيَ الْعَصَا فَلَمَّا حَرَ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَنَّ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الْجِنَّ يَشْكُرُونَ الْأَرْضَةَ مَا صَنَعَتْ بَعْضًا سُلَيْمَانَ فَمَا تَكَادَ تَرَاهَا فِي مَكَانٍ إِلَّا وَ عِنْدَهَا مَاءٌ وَ طِينٌ .

فس، [تفسیر القمی] ، أَبِي عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ: مِثْلُهُ إِلَى قَوْلِهِ وَ هِيَ الْعَصَا فَلَمَّا حَرَ تَبَيَّنَتِ الْإِنْسُ أَنَّ لَوْ كَانَ الْجِنُّ يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ فَالْجِنُّ تَشْكُرُ الْأَرْضَةَ بِمَا عَمِلَتْ بَعْضًا سُلَيْمَانَ قَالَ فَلَا تَكَادُ تَرَاهَا فِي مَكَانٍ إِلَّا وَ عِنْدَهَا مَاءٌ وَ طِينٌ فَلَمَّا هَلَكَ سُلَيْمَانُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَضَعَ إِبْلِيسُ السَّحْرَ وَ كَتَبَهُ فِي كِتَابِ نَمِّ طَوَاهُ وَ كَتَبَ عَلَى ظَهْرِهِ هَذَا مَا وَضَعَ أَصْفُ بْنُ بَرِّخِيَا لِلْمَلِكِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ مِنْ ذَخَائِرِ كُنُوزِ الْعِلْمِ مَنْ أَرَادَ كَذَا وَ كَذَا فَلْيَفْعَلْ كَذَا وَ كَذَا ثُمَّ دَفَنَهُ تَحْتَ الْأَسْرَبِ ثُمَّ اسْتَشَارَهُ لَهُمْ فَفَرَّوهُ فَقَالَ الْكَافِرُونَ مَا كَانَ سُلَيْمَانُ يَعْلَمُنَا إِلَّا بِهَذَا وَ قَالَ الْمُؤْمِنُونَ بَلْ هُوَ عَبْدُ اللَّهِ وَ نَبِيُّهُ فَقَالَ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ اتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَى مَلِكِ سُلَيْمَانَ وَ مَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَ لَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يَعْلَمُونَ النَّاسَ السَّحْرَ .

مصدر: علل الشرايع ج ۱ ص ۷۴

دیگر منابع: تفسیر البرهان ج ۴ ص ۵۱۱ / بحار الأنوار ج ۱۴ ص ۱۳۷ / تفسیر نور الثقلین ج ۴ ص ۳۲۵

"یعملون له" و کماکان داشتند برای حضرت کار می کردند. خیلی هم برای جن ها کار سختی بوده. در قرآن هم می فرماید که این کار برای جنها عذاب بوده است.^{۷۰} "حَتَّىٰ بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْأَرْضَةَ فَأَكَلَتْ مِنْسَاتَهُ" تا اینکه خدای متعال موریانه را مبعوث کرد و عصای حضرت را از درون خورد، عصا شکست و حضرت علیه السلام بر زمین افتادند. در اینجا چند بحث مهم وجود دارد. چرا این حوادث به این شکل رقم خورد؟ روایات در چند جمله این اتفاق را توضیح می دهند که به درد بحث ما می خورد. حضرت سلیمان علیه السلام در آن زمان بر شرک جهانی غلبه کرده بودند، خداپرستی را گسترش داده بودند^{۷۱}، جن ها را مسخر و مطیع کرده بودند و در حالت شادی خاصی بودند. در روایات از بعضی طرق دیگر اسم بعضی از جن هایی که در تسخیر حضرت بودند هم آمده است. در چنین شرایطی که حضرت مشغول شمارش نعمتهای خدا بودند، همین که جناب عزرائیل را دیدند، گفتند من فهمیدم که خدای متعال می خواهد با ملاقات او خوشحال شوم پس مرا با خود ببر. یعنی اصلا جر و بحث با جناب ملک الموت نداشتند. در واقع خواستند بگویند که خوشحالی بهتر ملاقات خداست. کأنه حضرت سلیمان اینطور فرمودند که خداوند متعال عجب تدبیر خوبی برای من رقم زدند. من بعد از یک دوره مبارزه و مجاهدت خواستم ابراز خوشحالی کنم، خدای متعال خواست که مرا با ملاقات خودش به خوشحالی اصلی برساند. در بعضی از روایات دیگر دارد که "فَلَمَّا حَرَ تَبَيَّنَتْ الْإِنْسُ"^{۷۲} برای انسانها واضح شد که جن ها غیب نمی دانند. در واقع حضرت سلیمان علیه السلام با این داستان به مردم فرمودند که جن ها غیب نمی دانند.

^{۷۰} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره سبأ آیات ۱۲ تا ۱۴: وَلِسَلِيمَانَ الرَّيْحِ عُذُوهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنَّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ يُادِنُ رَبَّهُ وَمَنْ يَبْغُ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَتَمَائِيلٍ وَجِقَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشُّكُورُ فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَاتَهُ فَلَمَّا حَرَ تَبَيَّنَتْ الْجِنَّ أَنَّهُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْعَجَبُ مَا لَبُّوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ.

و برای سلیمان باد را مسخر ساختیم که صبحگاهان مسیر یک ماه را میپیمود، و عصرگاهان مسیر یک ماه را، و چشمه مس (مذاب) را برای او روان ساختیم، و گروهی از جن پیش روی او به اذن پروردگار کار میکردند، و هر کدام از آنها از فرمان ما سرپیچی میکرد او را از عذاب آتش سوزان می چشانندیم! آنها هر چه سلیمان میخواست برایش درست میکردند، معبدها، تمثالها، ظروف بزرگ غذا همانند حوضها! و دیگهای ثابت (که از بزرگی قابل حمل و نقل نبود، و به آنها گفتیم: ای آل داود شکر (اینهمه نعمت را) بجا آورید، اما عده کمی از بندگان من شکرگزارند! (با اینهمه جلال و شکوه سلیمان) هنگامی که مرگ را بر او مقرر داشتیم کسی آنها را از مرگ وی آگاه نساخت، مگر جنبنده زمین (موریانه) که عصای او را میخورد (تا شکست و پیکر سلیمان فرو افتاد) هنگامی که بر زمین افتاد جنیان فهمیدند که اگر از غیب آگاه بودند در عذاب خوار کننده باقی نمیمانند.

^{۷۱} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره ص آیه ۳۵: قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَوَّاهٌ.

گفت: پروردگارا مرا ببخش، و حکومتی به من عطا کن که بعد از من سزاوار هیچکس نباشد، که تو بسیار بخشنده ای.

۲/۷/۲. کاهش انگیزه انسان ها برای ارتباط گیری با جن ها در اثر توجه به این دو ویژگی

همان طور که می دانید به دو دلیل مردم سراغ جن ها می رفتند. اول اینکه تصور می کردند جن ها راه حل دارند که با آن آیه اول که به خدا نسبت بخت و اقبال می دهند، خدای متعال می فرماید نه اشتباه نکنید اینها هم دارای جهالت هستند. دوم اینکه مردم تصور می کنند اگر جن را تسخیر کنند و ارتباط با آنها داشته باشند، می توانند به غیب دسترسی داشته باشند. آیه می فرماید خیر به غیب دست پیدا نمی کنید. این همان دو نکته ای بود که بنده می خواستم عرض کنم. عامل اصلی که الآن وزارت خانه های علوم غریبه کشورهای غربی را وادار کرده به سمت استفاده از جن و این موجودات بروند^{۷۳} این است که اولاً خیال می کنند که راه حل های درستی دارند. کما فی السابق که معابد این تصور را داشتند^{۷۴}. در صورتی که این آیات و روایاتی که عرض کردم می فرماید اولاً حواستان

^{۷۳}. ارجاع پرورشی: استفاده از نیروهای «فراطبیعی»، قدرت های ماورایی و علوم غریبه (یا علوم خفیه) در امور نظامی و اطلاعاتی، امری ناشناخته و بدیع در دنیا نیست. بسیاری از سازمان های نظامی و اطلاعاتی دنیا، در اغلب موارد بدون آن که رسماً اعلام کنند، بخش هایی را در ساختار تشکیلاتی خود به مطالعه و تحقیق و حتی کاربردی کردن این امور در مسایل نظامی و اطلاعاتی، به ویژه در مساله جاسوسی، اختصاص داده اند. از قضاء، یکی از کشورهای که ید طولایی در به کارگیری توانایی های «فراطبیعی» در امور نظامی و جاسوسی دارد، ایالات متحده آمریکا است. پروژه MKOFTEN نام یکی از پروژه های سری وزارت جنگ ایالات متحده (پنتاگون) بود که در همکاری تنگاتنگ با سازمان اطلاعات مرکزی (سیا) انجام می گرفت. این پروژه در سال ۱۹۶۶ توسط سیا کلید خورد و البته همزمان چند پروژه مشابه دیگر هم در جریان بود.

<https://targetedindividualscanada.com/tag/project-mkoften>

ما دشمن زیاد داریم، تعجب نباید کرد. در قرآن خدای متعال میفرماید که «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيْطِينِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا»؛ هم دشمنان جنی، هم دشمنان انسی وجود دارند و اینها به هم کمک هم میکنند؛ سیستم های اطلاعاتی خیلی از کشورها علیه ما با همدیگر همکاری میکنند.

بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۹۹/۱/۳

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=45227&nt=2&year=1399#86449>

^{۷۴}. الصادق (علیه السلام) - كَانَ أَبُو إِبْرَاهِيمَ مُنْجِمًا لِنُمُرُودَ بْنِ كَنْعَانَ وَ كَانَ نُمُرُودٌ لَا يَصْدُرُ إِلَّا عَنْ رَأْيِهِ فَنَظَرَ فِي النُّجُومِ لَيْلَةً ۖ مِنَ اللَّيَالِي فَأَصْبَحَ فَقَالَ لَقَدْ رَأَيْتُ فِي لَيْلَتِي هَذِهِ عَجَبًا فَقَالَ لَهُ نُمُرُودٌ وَمَا هُوَ فَقَالَ رَأَيْتُ مَوْلُودًا يُوَلَّدُ فِي أَرْضِنَا هَذِهِ يَكُونُ هَلَاكُنَا عَلَى يَدَيْهِ وَ لَا يَلْبَثُ إِلَّا قَلِيلًا حَتَّى يُحْمَلَ بِهِ فَعَجِبَ مِنْ ذَلِكَ نُمُرُودٌ وَ قَالَ هَلْ حَمَلَ بِهِ النِّسَاءُ فَقَالَ لَا وَ كَانَ فِيهَا أُوتِي مِنَ الْعِلْمِ أَنَّهُ سَيَحْرَقُ بِالنَّارِ وَ لَمْ يَكُنْ أُوتِي أَنَّ اللَّهَ سَيُنْجِيهِ قَالَ فَحَجَبَ النِّسَاءَ عَنِ الرِّجَالِ فَلَمْ يَبْرُكْ امْرَأَةٌ إِلَّا جَعَلَتْ بِالْمَدِينَةِ حَتَّى لَا يَخْلَصَ إِلَيْهِنَّ الرِّجَالُ قَالَ وَ بَاشَرَ أَبُو إِبْرَاهِيمَ امْرَأَتَهُ فَحَمَلَتْ بِهِ فَظَنَّ أَنَّ صَاحِبَهُ فَأَرْسَلَ إِلَى نِسَاءٍ مِنَ الْقَوَائِلِ لَا يَكُونُ فِي الْبُطْنِ شَيْءٌ إِلَّا عَلِمْنَ بِهِ فَنَظَرْنَ إِلَى أُمِّ إِبْرَاهِيمَ فَأَلْزَمَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ذِكْرَهُ مَا فِي الرَّحِمِ الظَّهْرَ فَقُلْنَ مَا تَرَى شَيْئًا فِي بَطْنِهَا فَلَمَّا وَضَعَتْ أُمُّ إِبْرَاهِيمَ (علیه السلام) أَرَادَ أَبُوهُ أَنْ يَذْهَبَ بِهِ إِلَى نُمُرُودَ فَقَالَتْ لَهُ امْرَأَتُهُ لَا تَذْهَبْ بِابْنِكَ إِلَى نُمُرُودَ فَيَقْتُلَهُ دَعْنِي أَذْهَبَ بِهِ إِلَى بَعْضِ الْغَيْرَانِ أَجْعَلَهُ فِيهِ حَتَّى يَأْتِيَ عَلَيْهِ أَجَلُهُ وَ لَا تَكُونِ أَنْتِ تَقْتُلِي ابْنَكَ فَقَالَ لَهَا فَادْهَبِي فَذْهَبَتْ بِهِ إِلَى غَارٍ ثُمَّ أَرْضَعَتْهُ ثُمَّ جَعَلَتْ عَلَى بَابِ الْغَارِ صَخْرَةً ثُمَّ انْصَرَفَتْ عَنْهُ فَجَعَلَ اللَّهُ رِزْقَهُ فِي إِبْهَامِهِ فَجَعَلَ يَمْصُهَا فَيَبْشُرُ بِلَبْنَا وَ جَعَلَ يَشِبُّ فِي الْيَوْمِ كَمَا يَشِبُّ غَيْرُهُ فِي الْجُمُعَةِ وَ يَشِبُّ فِي الْجُمُعَةِ ۖ كَمَا يَشِبُّ غَيْرُهُ فِي الشَّهْرِ وَ يَشِبُّ فِي الشَّهْرِ كَمَا يَشِبُّ غَيْرُهُ فِي السَّنَةِ فَمَكَتْ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَمُكَّتْ ثُمَّ إِنَّ أُمَّهُ قَالَتْ لِأَبِيهِ لَوْ أَذْنْتُ لِي أَنْ أَذْهَبَ إِلَى ذَلِكَ الصَّبِيِّ فَأَرَاهُ فَعَلْتُ قَالَ ففعل {فأفعلی} فَأَذْنَتْ الْغَارَ فَإِذَا هِيَ بِإِبْرَاهِيمَ (علیه السلام) وَ إِذَا عَيْنَاهُ تَزْهَرَانِ كَأَنَّهُمَا سِرَاجَانِ فَأَخَذَتْهُ وَ ضَمَّتْهُ إِلَى صَدْرِهَا وَ أَرْضَعَتْهُ ثُمَّ انْصَرَفَتْ عَنْهُ فَسَأَلَهَا أَبُوهُ عَنِ الصَّبِيِّ فَقَالَتْ قَدْ وَارَيْتُهُ فِي التُّرَابِ فَمَكَتْ تَعْتَلُ فَتَخْرُجُ فِي الْحَاجَةِ ۖ وَ تَذْهَبُ إِلَى إِبْرَاهِيمَ (علیه السلام) فَتَضُمُّهُ إِلَيْهَا وَ تُرْضِعُهُ ثُمَّ تُصْرَفُ فَلَمَّا تَحَرَّكَ أَتَتْهُ أُمُّهُ كَمَا كَانَتْ

تَأْتِيهِ وَ صَنَعَتْ كَمَا كَانَتْ تَصْنَعُ فَلَمَّا أَرَادَتْ أَنْ تَصْرَفَ أَخَذَ تَوْبَهَا فَقَالَتْ لَهُ مَا لَكَ فَقَالَ أَذْهَبِي بِي مَعَكَ فَقَالَتْ لَهُ حَتَّى أَسْتَأْمَرَ أَبَاكَ فَلَمْ يَزَلْ إِبْرَاهِيمُ فِي الْغَيْبِ مَخْفِيًا لِيَسْخِصَهُ كَاتِمًا لِأَمْرِهِ حَتَّى ظَهَرَ فَصَدَعَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرَهُ وَ أَظْهَرَ اللَّهُ قُدْرَتَهُ فِيهِ.

امام صادق (علیه السلام) - ابوبصیر گفت: امام صادق (علیه السلام) فرمود: «پدر ابراهیم منجم نمرود بن کنعان بود و نمرود تمامی دستورات خود را تنها با نظر او صادر می کرد. وی شبی از شب‌ها به ستارگان نگریست. شب را به صبح رسانید و گفت: «در این شب، چیز عجیبی دیدم». نمرود از او پرسید: «آن چیست؟» او پاسخ داد: «نوزادی را دیدم که در این سرزمین به دنیا می آید و نابودی ما به دست او خواهد بود. دیری نمی پاید که مادرش او را باردار می شود». نمرود مهوت شد و پرسید: «آیا زنی او را باردار شده است؟» پدر ابراهیم (علیه السلام) پاسخ داد: «خیر». همچنین پدر ابراهیم باخبر شده بود که او در آتش خواهد سوخت، ولی خبر نداشت که خداوند او را نجات خواهد داد. بدین سان زنان از مردان دور نگهداشته شدند و تمامی زنان را درون شهر نگهداشتند تا مردان با آن‌ها خلوت نکنند. پدر ابراهیم (علیه السلام) با زنش جماع کرد و او از وی ابراهیم (علیه السلام) را باردار شد و گمان کرد که این فرزند، همان بچه موردنظر است. از این رو به دنبال زنان قابله‌ای فرستاد که اگر در شکم، چیزی می بود، آنان به آن پی می بردند. آنان به مادر ابراهیم (علیه السلام) نگریستند و خداوند متعال، نطفه درون رحم را به پشت مادر چسبانید. از این رو آنان گفتند: «چیزی در شکم او نمی بینیم». چون مادر ابراهیم (علیه السلام) او را به دنیا آورد، پدرش خواست تا او را نزد نمرود ببرد. مادر ابراهیم به پدرش گفت: «پسرت را نزد نمرود نبر تا او را بکشد. بگذار من او را به یکی از غارها ببرم و در آن قرار دهم تا مرگش فرا برسد و بدین سان تو قاتل پسرت نمی شوی». پدر ابراهیم (علیه السلام) به مادر ابراهیم (علیه السلام) گفت: «پس برو». مادر ابراهیم (علیه السلام) او را به غاری برد. سپس او را شیر داد. پس از آن سنگ بزرگی را در دهانه غار قرار داد. سپس از آن جا بازگشت. خداوند، روزی ابراهیم را در انگشت شستش قرار داد و او شروع به مکیدن آن کرد و از آن شیر می نوشید. رشد او در هر روز به اندازه‌ی رشد دیگر نوزادان در هر هفته و رشدش در هر هفته به اندازه‌ی رشد دیگر نوزادان در یک ماه و رشدش در هر ماه به اندازه‌ی رشد دیگر نوزادان در هر سال بود. ابراهیم (علیه السلام) تا زمانی که خدا خواست در آن غار ماند. سپس مادر ابراهیم به پدرش گفت: «اجازه می دهی نزد آن پسر بچه بروم و او را ببینم». پدرش گفت: «می توانی بروی». مادر ابراهیم (علیه السلام) به آن غار رفت و ناگهان ابراهیم (علیه السلام) را دید که چشمانش همانند یک چراغ می درخشد. پس او را گرفت و در آغوش کشید و به او شیر داد. سپس بازگشت. پدر ابراهیم از او درباره آن پسر بچه پرسید. او پاسخ داد: «او را در خاک دفن کردم». دیری نیاید که خود را به بیماری می زد و به بهانه چیزی بیرون رفته و نزد ابراهیم (علیه السلام) می آمد و او را در آغوش می گرفت و به او شیر می داد و سپس باز می گشت. چون ابراهیم شروع به راه رفتن کرد، مادرش همچون گذشته نزدش آمد و همان کار را کرد. چون خواست برگردد، ابراهیم بر لباسش چنگ انداخت. مادرش از او پرسید: «تو را چه شده است؟» ابراهیم پاسخ داد: «مرا با خودت بیرون ببر». مادر گفت: «تا با پدرت مشورت نکنم نمی توانم تو را بیرون ببرم». بدین سان ابراهیم (علیه السلام) پیوسته خود را به دور از چشم دیگران نگاه می داشت و امر خود را پنهان می کرد تا اینکه در انتظار ظاهر شد و فرمان خداوند متعال را به انجام رساند و خداوند، قدرتش را در او نمایاند».

مصدر: تفسیر القمی ج ۱ ص ۲۰۶

دیگر منابع: تفسیر البرهان ج ۲ ص ۴۳۶ / بحار الأنوار ج ۱۲ ص ۲۹ / تفسیر نور الثقلین ج ۱ ص ۷۳۶ / تفسیر کنز الدقائق ج ۴ ص ۳۷۳

أمیر المؤمنین (علیه السلام) - كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) ذَاتَ لَيْلَةٍ إِذْ رُمِيَ بِنَجْمٍ فَاسْتَنَارَ فَقَالَ لِلْقَوْمِ مَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ إِذَا رَأَيْتُمْ مِثْلَ هَذَا قَالُوا كُنَّا نَقُولُ مَاتَ عَظِيمٌ وَ وُلِدَ عَظِيمٌ قَالَ فَإِنَّهُ لَا يُرْمَى بِهِ لِمَوْتِ أَحَدٍ وَ لِحَيَاةِ أَحَدٍ وَ لَكِنْ رُبْنَا إِذَا قَضَى أَمْرًا سَبَّحَ حَمَلَةَ الْعَرْشِ وَ قَالُوا قَضَى رَبُّنَا بِكَذَا فَيَسْمَعُ ذَلِكَ أَهْلَ السَّمَاءِ الَّتِي تَلِيهِمْ فَيَقُولُونَ ذَلِكَ حَتَّى يَبْلُغَ ذَلِكَ أَهْلَ السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيَسْتَرْقِي الشَّيَاطِينُ السَّمْعَ فَرُبَّمَا اغْتَلَقُوا شَيْئًا فَأَتَوْا بِهِ الْكُهَنَةَ ۖ فَيَرِيدُونَ وَ يَنْقُصُونَ فَتَخْطِئُ الْكُهَنَةُ ۖ وَ تُصِيبُ ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مَنَعَ السَّمَاءَ بِهَذِهِ النَّجْمِ فَانْقَطَعَتِ الْكُهَنَةُ ۖ فَلَا كِهَانَةَ.

امام علی (علیه السلام) - شبی همراه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بودیم که ناگهان ستاره‌ای [از آسمان] پرتاب شد و برقی زد. حضرت به اطرافیان فرمود: «وقتی در زمان جاهلیت مانند چنین صحنه‌ای را می دیدید چه می گفتید؟» عرض کردند، می گفتیم: «شخص بزرگی از دنیا رفته و [یا] شخص بزرگی به دنیا آمده است». فرمود: «ستاره‌ها به خاطر مرگ و زندگی کسی پرتاب نمی شوند؛ بلکه چون پروردگاران فرمان وجود چیزی را صادر کند، حاملان عرش الهی خدا را تسبیح کرده و گویند: «پروردگاران فرمان وجود فلان چیز را صادر نمود»، اهل آسمان پایین عرش این سخن را می شنوند و همین سخن را تکرار می کنند تا اینکه خبر به اهل آسمان دنیا می رسد؛ [در آنجا] شیاطین، دزدانه گوش فرا می دهند و چه بسا مقداری از خبر را به دست

باشد که اینها دارای جهالت هستند. دوم اینکه اگر غیب می دانستند یک سال در عذاب مهین باقی نمی ماندند. ان شاء الله زمانی بتوانم توضیح دهم که حضرت سلیمان علیه السلام با این ابنیه می خواستند چه کارهایی انجام دهند؟ مثلاً با هیکل^{۷۵} سلیمان که الان یهودی ها دنبال آنند می خواستند چه کنند؟ این را هم بدانید که اینها قبل از ظهور هیکل را کشف می کنند و سبب قوت یهود می شود. یا مثلاً تماثیل سلیمان یعنی چه^{۷۶}؟ آخر ما اینها را می خوانیم

می آورند و آن را به پیشگویان منتقل کرده و آن را کم و زیاد می کنند، در نتیجه پیشگویان گاهی خطا کرده و گاهی درست پیشگویی می کنند. تا اینکه خداوند عزوجل آسمان را به وسیله ی این ستارگان [از استراق سمع شیاطین] حفظ نمود و در نتیجه [راه] پیشگویی بسته شد و دیگر خبر دادن از آینده وجود ندارد. بحار الأنوار ج ۵۵ ص ۸۶ / مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۱۱۰

^{۷۵}. ارجاع پرورشی: دمشق، ایرنا: چهارم مرداد ۱۳۸۰ برابر با ۲۶ جولای ۲۰۰۱

مفتی بیت المقدس، روز چهارشنبه، تصمیم اسرائیل برای ساخت یک مجسمه سنگی موسوم به "هیکل سلیمان"، در نزدیکی مسجدالاقصی واقع در بخش قدیمی شهر قدس را محکوم کرد. دادگاه اسرائیل، اخیراً با صدور حکمی به صهیونیستها اجازه داد که ساخت مجسمه سنگی "هیکل سلیمان" را در شهر بیت المقدس آغاز کنند.

"شیخ عکرمة صبری" در گفت و گو با رادیو "مونت کارلو" تأکید کرد: این تصمیم اسرائیلی ها، در چارچوب اجرای طرحهای آنان برای تسلط کامل بر شهر قدس و مسجدالاقصی و خشنود کردن صهیونیستهای افراطی، گرفته شده است. وی افزود: اسرائیلی ها تلاش می کنند تا یک مجسمه و یک کنیسه "معبد" سه طبقه در کنار دروازه خارجی مسجدالاقصی موسوم به "دروازه المغاربه" بسازند. یهودیان مدعی هستند، که مجسمه هیکل سلیمان قبل از ساخت مسجدالاقصی در این محل وجود داشته است و به همین بهانه برای یافتن اثری از این مجسمه، تاکنون حفاریهای زیادی را در بخشهای مختلف مسجدالاقصی، انجام داده اند. کارشناسان نسبت به زیان این حفاریها بر ساختمان مسجدالاقصی، چندین بار هشدار داده اند، اما صهیونیستها به این هشدارها هیچ توجهی نمی کنند.

منبع: خبرگزاری جمهوری اسلامی ایرنا

<https://www.irna.ir/news/5602413>

^{۷۶}. ارجاع پرورشی: تماثیل: مجسمه ها، عکسها.

تماثیل جمع تمثال هم به معنی نقش و عکس آمده، و هم مجسمه، در آیه «يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَ تَمَاثِيلٍ وَ جِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورٍ رَاسِيَاتٍ» در اینکه این مجسمه ها یا نقش ها صورتهای چه موجوداتی بودند، و به چه منظور سلیمان دستور تهیه آنها را می داد تفسیرهای مختلفی شده است: ممکن است اینها جنبه تزئینی داشته، همانگونه که در بناهای مهم قدیم بلکه جدید ما نیز دیده می شود. و یا برای افزودن ابهت به تشکیلات او بوده است، چرا که نقش پاره ای از حیوانات چون شیر در افکار بسیاری از مردم ابهت آفرین است.

آیا مجسمه سازی موجودات ذی روح در شریعت سلیمان ع مجاز بوده، هر چند در اسلام ممنوع است؟ یا اینکه مجسمه هایی که برای سلیمان می ساختند از جنس غیر ذی روح بوده مانند تمثالهای درختان و کوه ها و خورشید و ماه و ستارگان؟ و یا فقط برای او نقش و نگار بر دیوارها می زدند که در ظریف کاریهای آثار باستانی بسیار دیده می شود و می دانیم نقش و نگار هر چه باشد، بر خلاف مجسمه حرام نیست. همه اینها محتمل است چرا که ممکن است تحریم مجسمه سازی در اسلام به منظور مبارزه شدید با مساله بت پرستی و ریشه کن کردن آن بوده و این ضرورت در زمان سلیمان تا این اندازه وجود نداشته و این حکم در شریعت او نبوده است.

ولی در روایتی که از امام صادق ع در تفسیر این آیه نقل شده چنین می خوانیم: و الله ما هی تماثیل الرجال و النساء و لکنها الشجر و شبهه: ب خدا سوگند تمثالهای مورد در خواست سلیمان مجسمه مردان و زنان نبوده بلکه تمثال درخت و مانند آن بوده است. مطابق این روایت مجسمه سازی ذیروح در شریعت وی نیز حرام بوده.

در آیه «إِذْ قَالَ لِأَيُّبِهِ وَ قَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ» نیز تعبیر تماثیل (مجسمه ها، عکسها) که مورد پرستش قوم ابراهیم (ع) بودند آمده است. منبع: تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۹؛ با تصرف

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي بَانٍ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُونَ مِنْ مَحَارِبٍ وَ تَمَائِيلٍ» فَقَالَ وَ اللَّهِ مَا هِيَ تَمَائِيلُ الرَّجَالِ وَ التَّسَاءِ وَ لَكِنَّ الشَّجَرَ وَ شَبَّهُهُ .

ابو العباس گوید: امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه «جنیان آنچه را که سلیمان علیه السلام می‌خواست؛ از محراب‌ها و عکس‌ها انجام می‌دادند»، فرمود: به خدا قسم! آن تصویر مردان و زنان نبود؛ بلکه تصویر درخت و امثال آن بود.

مصدر: المحاسن ج ۲ ص ۶۱۸ / الکافی ج ۶ ص ۵۲۷

دیگر منابع: الوافی ج ۷ ص ۳۹۰ / وسائل الشیعة ج ۵ ص ۳۰۴ / الفصول المهمة ج ۲ ص ۲۴۱ / بحار الأنوار ج ۱۴ ص ۷۴

رَوَى عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ يَهُودِيًّا مِنْ يَهُودِ الشَّامِ وَ أَحْبَابِهِمْ كَانَ قَدْ قَرَأَ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ الرُّبُورَ وَ صُحُفَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ عَرَفَ دَلَالَتَهُمْ جَاءَ إِلَى مَجْلِسٍ فِيهِ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ فِيهِمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ ابْنُ عَبَّاسٍ وَ ابْنُ مَسْعُودٍ وَ أَبُو سَعِيدٍ الْجَهَنِّيُّ فَقَالَ يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ مَا تَرَكْتُمْ لِنَبِيِّ دَرَجَةً وَ لَا لِمُرْسَلٍ فَضِيلَةً إِلَّا أَنْحَلْتُمُوهَا نَبِيِّكُمْ فَهَلْ تُجِيبُونِي عَمَّا أَسْأَلُكُمْ عَنْهُ؟ فَكَأَنَّ الْقَوْمَ عَنْهُ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَعَمْ مَا أُعْطِيَ اللَّهُ نَبِيًّا دَرَجَةً وَ لَا مُرْسَلًا فَضِيلَةً إِلَّا وَ قَدْ جَمَعَهَا لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ... قَالَ لَهُ الْيَهُودِيُّ فَإِنَّ هَذَا سَلِيمَانُ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُخِّرَتْ لَهُ الشَّيَاطِينُ يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُونَ مِنْ مَحَارِبٍ وَ تَمَائِيلٍ قَالَ لَهُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَقَدْ كَانَ كَذَلِكَ وَ لَقَدْ أُعْطِيَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَفْضَلَ مِنْ هَذَا إِنَّ الشَّيَاطِينُ سُخِّرَتْ لِسَلِيمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هِيَ مُقِيمَةٌ عَلَى كُفْرِهَا وَ قَدْ سُخِّرَتْ لِنبُوَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الشَّيَاطِينُ بِالْإِيمَانِ فَأَقْبَلَ إِلَيْهِ الْجِنَّ التَّسَعَةَ مِنْ أَشْرَافِهِمْ مِنْ جِنِّ نَصِيبِينَ وَ الْأَيْمَنِ مِنْ بَنِي عَمْرٍو وَ بَنِي عَامِرٍ مِنَ الْأَحْجَجَةِ مِنْهُمْ شِضَاهُ وَ مِضَاهُ وَ الْهَمْلُكَانُ وَ الْمَرُزْبَائِيُّ وَ الْمَازِمَانُ وَ نِضَاهُ وَ هَاضِبٌ وَ هَاضِبٌ وَ عَمْرُو وَ هُمُ الَّذِينَ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ إِسْمُهُ فِيهِمْ وَ إِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَقْرًا مِنَ الْجِنِّ وَ هُمُ التَّسَعَةُ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَأَقْبَلَ إِلَيْهِ الْجِنَّ وَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَبْطِنُ التَّلْخُلَ فَاعْتَدَرُوا بِ أَنَّهُمْ طَنُّوا كَمَا طَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا وَ لَقَدْ أَقْبَلَ إِلَيْهِ أَحَدٌ وَ سَبَّعُونَ أَلْفًا مِنْهُمْ فَبَابَعُوهُ عَلَى الصَّوْمِ وَ الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الْحَجِّ وَ الْجِهَادِ وَ نَصَحِ الْمُسْلِمِينَ فَاعْتَدَرُوا بِ أَنَّهُمْ قَالُوا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا وَ هَذَا أَفْضَلُ مِمَّا أُعْطِيَ سَلِيمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

از امام کاظم علیه السلام نقل است که آن حضرت به واسطه پدران گرامش از امام حسین علیه السلام روایت کرده است که فرمود: روزی یکی از علمای یهودی أهل شام - که کتب آسمانی تورات و انجیل و زبور و صحف پیامبران علیهم السلام را خوانده و بردانل و براهین همه آنها واقف و آگاه بود - به مجلسی وارد شد که در آن گروهی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله؛ حضرت امیر علیه السلام و ابن عباس و ابن مسعود، و ابو معبد الجهنی حضور داشتند. یهودی گفت: ای امت محمد هیچ درجه و فضیلتی از انبیاء و مرسلین ترک نگفتید جز آنکه همه آنها را به پیامبر خودتان نسبت دادید، حال حاضرید به سؤالات من در آن مورد پاسخ گوید؟ با این سؤال همه خاموش شده و هیچ نگفتند. حضرت امیر علیه السلام وقتی این گونه دید فرمود: آری من حاضریم، و این را باز تکرار می‌کنم که خداوند متعال هیچ درجه و فضیلتی به انبیاء و مرسلین عطا نفرمود جز آنکه همه آنها را به محمد صلی الله علیه و آله بخشید بلکه چندین برابر آن را به محمد عطا فرمود... عالم یهودی گفت: این حضرت سلیمان است که شیاطین به فرمان او بودند، و هر چه می‌خواست برای او می‌ساختند: معبدها و تندیس‌ها و تمثالها. حضرت علی علیه السلام بدو فرمود: همین طور است، و حضرت محمد صلی الله علیه و آله بهتر و برتر از آن عطا شده، شیاطین در حالی تحت فرمان او بودند که هنوز در کفر بسر می‌بردند، ولی شیاطین تحت امر محمد صلی الله علیه و آله همه مؤمن بودند، پس نه نفر از اشراف گروه جنیان؛ یکی از جنّ نصیبین بود و هشت نفر ایشان از بنی عمرو بن عامر که از أهل یقین ایشان بودند خدمت آن حضرت شرفیاب شدند که عبارتند از: شِضَاهُ، مِضَاهُ، هَمْلُكَان، مَرِزْبَان، مَازِمَان، نِضَاهُ، هَاضِب، هَاضِب و عمرو، و ایشان کسانی هستند که خداوند در باره‌اشان می‌فرماید: «وَ إِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَقْرًا مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ» و اینان نه نفر می‌باشند، پس جنیان خدمت آن حضرت آمدند و پیامبر داخل نخلستان بود، آنان عذرخواهی کرده و گفتند: ما گمان کردیم که خداوند کسی را مبعوث نفرموده. و از پی آن هفتاد و یک هزار تن از ایشان با پیامبر بیعت نمودند که روزه گیرند و نماز گزارند و حجّ بجای آرند و جهاد کنند و خیرخواهی مسلمین کنند، و از یاهو گویهای خود در باره خداوند عذر خواستند. ای یهودی این عطا برتر از آن چیزی است که به سلیمان داده شده، پس پاک و منزه است خداوندی که شیاطین را پس از تمرد برای نبوت محمد مسخر نمود، و آنان پنداشته بودند که خداوند دارای فرزند است، لهذا بعثت آن حضرت شامل بیشماری از جنّ و انس گردید.

مصدر: الاحتجاج ج ۱ ص ۲۱۰

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۱۰ ص ۲۸

اما بدون درایه^{۷۷}. اگر ان شاء الله فرصت کردیم بحث می کنیم که اصلا کارکرد آن گنبد شیشه ای چه بوده است که ساختش هم اینقدر طول کشیده؟ چرا اصلا حضرت دستور به ساخت آن داده است؟ در بعضی از روایات دیگر آمده است که جناب آصف ابن برخیا سرکارگر جنیان بوده است^{۷۸}. حضرت سلیمان علیه السلام نگاه می کنند و ایشان که "عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ"^{۷۹} هم نظارت داشتند بر امور. حال اینجا چند نکته تکمیلی عرض کنیم. اول اینکه قرآن می فرماید: جن ها غیب نمی دانند^{۸۰}. اگر می دانستند که در این عذاب سخت و خوار کننده باقی نمی ماندند و می رفتند. مردمی که تصور می کنید جنها غیب می دانند بیاید راهنمایی قرآن را در این سکانس آخر عمر حضرت سلیمان علیه السلام ببینید. در آخرین لحظات عمر ایشان یک چنین پیام مهمی به کل تاریخ مخابره شده است. تصور نکنید اگر جن را تسخیر کردید شما بر غیب هم مطلع شده اید. خود این موضوع البته یک سرفصل جداگانه است. بنده فقط می خواهم وقتی که درباره قانون اساسی زندگی جن و انسان حرف می زنیم بحثمان فقهی باشد و

^{۷۷}. ارجاع پژوهشی: أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بُرَيْدِ الرَّزَّازِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بُنَيَّ! اعْرِفْ مَنَازِلَ الشَّيْبَةِ عَلَى قَدْرِ رَوَايَتِهِمْ وَ مَعْرِفَتِهِمْ فَإِنَّ الْمَعْرِفَةَ هِيَ الدَّرَائِبَةُ لِلرَّوَايَةِ وَ بِالذَّرَائِبِ لِلرَّوَايَاتِ يَعْلُو الْمُؤْمِنُ إِلَى أَقْصَى دَرَجَاتِ الْإِيمَانِ إِنِّي نَظَرْتُ فِي كِتَابِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَوَجَدْتُ فِي الْكِتَابِ أَنَّ قِيَمَةَ كُلِّ إِمْرٍ وَ قَدْرَهُ مَعْرِفَتُهُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُحَاسِبُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ مَا آتَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ فِي دَارِ الدُّنْيَا.

-برید رزاز از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: (پدرم) امام باقر علیه السلام بمن چنین فرمودند: فرزندم، حدّ دانش و درک پیروان مکتب علی علیه السلام را از اینکه آنان چه مقدار سخنان معصومین را آموخته و درک نموده اند و به دیگران می آموزند بدست بیاور. زیرا، شناخت آنان از گفتار پیشوایان دین و آگاهی ایشان بوسیله درک فرمایشات معصومین باعث می شود که مؤمن، خود را به بلندترین قله های ایمان برساند، من کتابی از حضرت علی علیه السلام مطالعه می کردم که این عبارت را در آن مشاهده نمودم: معیار ارزش و مقام هر کس، اندازه آگاهی و شناخت وی می باشد، زیرا خداوند تبارک و تعالی هنگام سنجش اعمال انسان، به اندازه خردی که در دنیا به او داده است کردارش را حساب می کشد.

مصدر: معانی الأخبار ج ۱ ص ۱

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۱ ص ۱۰۶

^{۷۸}. ارجاع پژوهشی: وَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ آصَفُ يُدَبِّرُ أَمْرَهُ حَتَّى دَبَّتِ الْأَرْضُ.

از امام صادق علیه السلام: جناب آصف بن برخیا که وصی حضرت علیه السلام هم بودند بر کار اجنه تا زمانی موریانه عصا را جوید نظارت و مدیریت داشتند.

بحار الأنوار ج ۱۴ ص ۱۴۲

^{۷۹}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره نمل آیه ۴۰: قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ.

(اما) کسی که یک دانش از کتاب (آسمانی) داشت گفت، من آنرا پیش از آنکه چشم بر هم زنی نزد تو خواهم آورد! و هنگامی که (سلیمان) آنرا نزد خود مستقر دید گفت این از فضل پروردگار من است تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را بجا می آورم یا کفران می کنم؟

مستند^{۸۱}. بحث های کارکردگرایانه نسبت به این مسائل خیلی بحثهای مهمی نیست. در ادامه می گوید که جن ها بعد از این داستان سراغ موربانه رفتند و از او تشکر کردند. بعد حضرت فرمودند که هر جا شما موربانه می بینید "فَمَا تَكَاذُ تَرَاهَا فِي مَكَانٍ إِلَّا وَ عِنْدَهَا مَاءٌ وَ طِينٌ"^{۸۲}. هر جا موربانه بود در کنارش حتما آب و خاک هم وجود دارد. این را جن ها به تشکر کاری که موربانه برایشان کرده است انجام می دهند. این هم نیاز به بحثی جداگانه دارد که اصلا موربانه با آب و خاک چه کار دارد؟ یا اصلا خودش برای چیست؟ پس تا اینجا به میزان وقت، بنده یک اجمال از بحث را گفتم: اینکه جن ها دارای جهالت هستند و از دیگر سوی غیب هم نمی دانند که این خیلی مسئله مهمی است که قرآن و روایات ما را به آن رهنمایی کرده اند. ثمره اش هم این است که انگیزه ارتباط با جنها را برای انسان کاهش می دهد.

۲/۸. سومین ویژگی جن ها: سرعت بالای انتقال و جابجایی به خاطر خلقت از دود و آتش

جن ها به خاطر اینکه از دود و آتش خلق شده اند^{۸۳} سرعت جابجایی خیلی بالایی دارند، به همین دلیل برای عده ای انگیزه می شود که با آنها ارتباط بگیرند. در اینجا امام علیه السلام هشدار می دهند که بله این قدرت بدون

^{۸۱} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره نساء آیه ۵۹: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا.

ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و صاحبان امر را، و هر گاه در چیزی نزاع کردید آنرا به خدا و پیامبر ارجاع دهید اگر ایمان به خدا و روز رستاخیز دارید، این برای شما بهتر و عاقبت و پایانش نیکوتر است.

عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْأَعْمَانِ عَنْ أَبِي يُونُسَ بْنِ الْأَحْمَرِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: كُلُّ شَيْءٍ مَرْدُودٌ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَالسُّنَّةِ وَ كُلُّ حَدِيثٍ لَا يُؤَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زُخْرُفٌ .

حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: هر چیزی به کتاب خدا و سنت باز می گردد و هر حدیثی که موافق با کتاب خدا نباشد، سخن باطل است.

مصدر: المحاسن ج ۱ ص ۲۲۰ / تفسیر العیاشی ج ۱ ص ۹ / الکافی ج ۱ ص ۶۹

دیگر منابع: مشکاة الأنوار ج ۱ ص ۱۵۲ / الوافی ج ۱ ص ۲۹۷ / وسائل الشیعة ج ۲۷ ص ۱۱۱ / بحار الأنوار ج ۲ ص ۲۴۲ / عوالم العلوم ج ۲ ص ۷۹۲

^{۸۲} ارجاع پژوهشی: الْمُظَفَّرُ الْعَلَوِيُّ عَنِ ابْنِ الْعَبَّاشِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ نُصَيْرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنِ الْبَرْزَنْطِيِّ وَ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الْجِنَّ شَكَّرُوا الْأَرْضَ مَا صَنَعَتْ بَعْضًا سُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَا تَكَاذُ تَرَاهَا فِي مَكَانٍ إِلَّا وَ عِنْدَهَا مَاءٌ وَ طِينٌ.

مظفر بن جعفر بن مظفر علوی رضی الله عنه می گوید: جعفر بن محمد بن مسعود، از پدرش، از محمد بن نصیر، از احمد بن محمد، از عباس بن معروف از علی بن مهزیار، از احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی و فضاله، از ابان، از ابی بصیر، از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل کرده که فرمودند: طائفه جن از کاری که موربانه با عصای سلیمان علیه السلام نمود تشکر نمودند لذا موربانه را در هیچ کجا نمی بینی مگر آن که در آنجا آب و گل یافت می شود.

مصدر: علل الشرایع ج ۱ ص ۷۲

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۱۴ ص ۱۳۹

^{۸۳} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره الرحمن آیه ۱۵: وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِنْ نَارٍ.

و جن را از شعله های مختلط و متحرک آتش! آفرید

عقلانیت است. در روایات مربوط به کبوتر هم این نکته مورد اشاره است که حضرت علیه السلام می فرمایند: کبوترها سفهای جن را معطل می کنند^{۸۴}. آنجا هم حضرت می فرمایند ما با پدیده ای به نام جن های سفیه روبرو هستیم. برای همین در خانه هایتان کبوتر نگهداری کنید تا سفهای جن با بچه های شما بازی نکنند که مبتلا به مس جن شوند. طبیبان امروزی اصطلاح "تشنج"^{۸۵} را به کار می برند که در بعضی از اوقات به نظر ما دلیل ماورایی دارد. پس تا الان سه نکته را عرض کردیم: اول اینکه جن ها غیب نمی دانند دوم اینکه جاهل هستند. البته مؤمنین آنها از این جهل عبور کرده اند^{۸۶}. سومین نکته اینکه سرعت انتقال بسیار بالایی دارند چرا که از دود و آتش هستند. بنده

^{۸۴} ارجاع پژوهشی: عَلِيُّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعًا عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَيْسَ مِنْ بَيْتٍ فِيهِ حَمَامٌ إِلَّا لَمْ يُصِبْ أَهْلُ ذَلِكَ الْبَيْتِ أَفَقَةٌ مِنَ الْجِنَّ إِنَّ سَفَهَاءَ الْجِنَّ يُعْبَثُونَ فِي الْبَيْتِ فَيُعْبَثُونَ بِالْحَمَامِ وَ يَتْرُكُونَ الْإِنْسَانَ.

ابو خدیجه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هر خانه‌ای که در آن کبوتر باشد، آسیبی از جنیان به اهل آن خانه نمی‌رسد؛ چرا که جنیان نادان و سفیه در خانه‌ها بازی می‌کنند، پس با کبوتر بازی می‌کنند و انسان را وامی‌گذارند.

مصدر: الکافی ج ۶ ص ۵۴۶

دیگر منابع: الوافی ج ۲۰ ص ۸۵۴ / وسائل الشیعة ج ۱۱ ص ۵۱۶ / بحار الأنوار ج ۶۰ ص ۹۳

^{۸۵} ارجاع پرورشی:

Convulsion, condition characterized by violent, uncontrolled spasmodic contractions and relaxations of the voluntary muscles. Convulsions may be a symptom resulting from various conditions and diseases, such as epilepsy, uremia, eclampsia, rabies, tetanus, strychnine poisoning, and cerebral tumour. They are usually accompanied by loss of consciousness. During a convulsion the individual's clothing should be loosened around the neck, the head should be cushioned with a pillow, and any sharp or hard objects should be removed from the area. An object should never be inserted into the person's mouth during a convulsion. Medical treatment should be sought immediately after the convulsion ceases.

تشنج، وضعیتی که با انقباضات اسپاسمودیک شدید و کنترل نشده و شل شدن عضلات ارادی مشخص می شود. تشنج ممکن است یک علامت ناشی از شرایط و بیماری های مختلف مانند صرع، اورمی، اکلامپسی، هاری، کزاز، مسمومیت با استریکنین و تومور مغزی باشد. آنها معمولاً با از دست دادن هوشیاری همراه هستند. در هنگام تشنج، لباس فرد باید در اطراف گردن شل شود، سر باید با یک بالش پوشانده شود و هر گونه اجسام تیز یا سخت باید از آن ناحیه خارج شود. در هنگام تشنج هرگز نباید جسمی را وارد دهان فرد کرد. بلافاصله پس از پایان تشنج باید به دنبال درمان پزشکی بود.

منبع: دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://www.britannica.com/science/convulsion>

^{۸۶} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره جن آیه ۱۴: وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا.

و اینکه گروهی از ما جنیان مسلمانان، و گروهی ظالمنند، هر کس اسلام را اختیار کند راه راست را برگزیده.

باز هم تاکید می‌کنم که علوم غریبه مدرسه هدایت فقهی^{۸۷} است. این نکته مهمی است که همه چیز باید پایش به روایت و قرآن بند شود تا ماهم مانند پوزیتیویستها و دیگران گرفتار جهالت نشویم^{۸۸}. پس تا اینجا باعث شد که

^{۸۷}. ارجاع پرورشی: □ در مدرسه فقهی هدایت یک طبقه بندی جدید از علم استنطاق و استنباط شده است و طلاب مدرسه هدایت، حول این محتوای بسیار تفصیلی، چرخه چهاربخشی تحریک فکر را عملیاتی می‌کنند. شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی بر اساس ۱۲ نظریه از این طبقه بندی پیشرفته، مشغول تصمیم سازی در میان مسئولین کشور است. در متن زیر سرفصل های این طبقه بندی و تبویب جدید فقهی را بخوانید:

۱- علوم مرتبط با فقه الامام (۱- بررسی نظریه امامت اجمالی، ۲- بررسی نظریه فقهی امان، ۲- بررسی مفهوم محرومیت زدایی (نظریه تعریف) ۳- روش جامعه سازی امام، ۴- نظریه امنیتی سلم، ۵- نظریه هسته های توازن (برنامه و بودجه در دولت اسلامی)، ۶- الگوی جدید زیارت، ۷- الگوی فقهی مواجهه با آسیب های اجتماعی، ۸- نظریه خدمات تنظیم کننده روابط انسانی و ۹- نظریه مدیریت شهری محله محور)

۲- علوم مرتبط با فقه التزکیه (۱- آداب تخلیه و دستشویی، ۲- آداب استحمام، ۳- پاکسازی و تزکیه قلب و سایر اعضاء + آداب گرفتن ناخن و پیرایش مو، ۴- مقررات فقهی ساختمان، ۵- عطر و درختان معطر و مثمر، ۶- معرفی غذاهای اماته کننده شهوت حرام، ۷- آداب پنج گانه انعقاد نطفه، ۸- جعبه فقهی شخصیت و ۹- نظریه فقهی طهارت)

۳- علوم مرتبط با فقه المکاسب (۱- تبیین طبقه بندی مشاغل، ۲- تبیین ویژگی های الگوی تولید، ۳- تبیین ویژگی های بازار، ۴- تبیین ویژگی های تبادل و معامله بین بایع و مشتری، ۵- تبیین مفهوم عدم تقویت کافر در تجارت بین الملل و ۶- تبیین الگوی تأمین مالی در اسلام و ۷- تبیین عوامل غیر اقتصادی موثر بر اقتصاد)

۴- علوم مرتبط با فقه البیان (۱- قاعده بیان مبتنی بر قدر مخاطب و ظرفیت، ۲- قاعده بیان مبتنی بر تأمل، ۳- قاعده بیان مبتنی بر مقایسه، ۴- قاعده بیان مبتنی بر مکتب، ۵- قاعده بیان مبتنی بر رفق، ۶- قاعده بیان مبتنی بر منزلت، ۷- قاعده بیان مبتنی بر انفتاح، ۸- قاعده بیان مبتنی بر سیاق و کشف پیشفرض و ۹- قاعده بیان مبتنی بر کمیت و عدد)

۵- علوم مرتبط با فقه العلم (الف: علوم مرتبط با فقه النظام (برای تبیین معادلات وحی در مسئله تنظیم روابط انسانی، فقه نظام در ۹ محور ۱- فقه الامام، ۲- فقه العلم، ۳- فقه التزکیه، ۴- فقه المکاسب، ۵- فقه العبره، ۶- فقه النظم، ۷- فقه الفرقان، ۸- فقه البیان و ۹- فقه نفی سبیل، پایه گذاری شده است.) ب- علوم مرتبط با فقه الخلق (برای تبیین معادلات وحی در مسئله تسخیر طبیعت، فقه الخلق در ۱۰ محور ۱- جدول فقهی خصلت، ۲- جدول فقهی بنیاد، ۳- جدول فقهی زمان، ۴- جدول فقهی عماد، ۵- جدول فقهی زینت، ۶- جدول فقهی سببیت (جدول تسخیر)، ۷- جدول فقهی تغییر، ۸- جدول فقهی طبقه بندی اشیاء، ۹- جدول فقهی حیات و ۱۰- و جدول فقهی نفی تشبیه، پایه گذاری شده است.) ج: علوم مرتبط با فقه علوم

غریبه (برای تبیین معادلات وحی در مسئله اسباب باطنی عالم، فقه علوم غریبه در محورهای مانند: ۱- معرفی جن و اقسام آن و تبیین مناسک مرتبط با عدم اختلاط در زندگی انسان و جن، ۲- معرفی ملائکه و مدبرات اربعه و تبیین چگونگی تاثیرگذاری ملائکه بر زندگی

انسان، ۳- تبیین چگونگی ارتباط با عالم اموات و ارواح بر اساس بازخوانی عمیق مفهوم زیارت، ۴- تبیین اجمالی مفهوم تنزل امر در آسمانهای هفت گانه و تبیین اتفاقات امری در هر آسمان، ۵- تبیین مفهوم حجاب و سرادق، ۶- تبیین مکانیزم مدیریت بت خانه ها در اقوام

اولین (بررسی تجربه های اقوام اولین در ارتباط میان انسان و جن)، ۷- بررسی تأثیرات آسمان رفیع بر زمین (بررسی تأثیر کواکب، نجوم، مصابیح و قمر و شمس بر زندگی)، ۸- معرفی اجمالی علمی مانند علم اعداد و جداول اوفاق، علم حروف و اسماء، علم جفر، علم منایا، علم

بلايا و... تبیین شده است.) د: علوم مرتبط با فقه التسییح: (برای معرفی مقام ربوبیت، فقه التسییح در محورهایی مانند ۱- تبیین تفصیلی معنای سبحان الله، ۲- تبیین تفصیلی معنای الحمدلله، ۳- تبیین تفصیلی معنای لا اله الا الله و ۴- تبیین تفصیلی معنای الله اکبر، تبیین

تفصیلی معنای صلوات، ۵- تبیین تفصیلی ۹۹ اسم الهی با تأکید بر شرح تفصیلی اسم حسیب (به دلیل مواجهه با مفهوم تنزل یافته سود در تمدن مدرنیته)، شرح تفصیلی اسم ذو انتقام (به دلیل مواجهه با تسامح حداکثری انسان مدرن در مسئله حق الناس) و اسم مُسبب (به دلیل

مواجهه با مفهوم ناقص علیت در منطق صوری و مفهوم ناقص متغیر در منطق سیستمی) پایه گذاری شده است.

معرفت بیشتری نسبت به جن ها پیدا کنیم. فهمیدیم که جن موجودی است که مانند انسان جاهل است و غیب نمی داند. البته به خاطر خلقت از آتش سرعت انتقال بالایی دارد و منکر آن هم نیستیم. خود این ها به جنهای قوی هیکل و ضعیف تقسیم می شوند که باید در جلسات تفصیلی درباره اش گفت و گو کنیم.

-
- ۶- علوم مرتبط با فقه النظم: (۱- تفاوت معنای نظام سازی و سیستم سازی، ۲- نظریه نظم اختیاری، ۴- نظریه فقهی خود تنظیمی در روابط انسانی ۱۳ گانه، ۴- الگوی تقنین؛ مبتنی بر تعریف جدید از حکم و قانون)
- ۷- علوم مرتبط با فقه الفرقان (۱- تبیین معیارهای اصلی ارزیابی (شامل: ارزیابی خیر و شر، ارزیابی ظلم و عدل، ارزیابی نفع و ضرر، ارزیابی علم و حق و باطل و ظن)، ۲- تبیین حوزه های اصلی ارزیابی (ارزیابی زیرساخت های ۹گانه روابط انسانی)، ۳- تبیین بسته اقدامات جبران بعد از ارزیابی (مفهوم شفاعت، انابه و توبه و تأویب) و ۴- الگوی ارزیابی دستگاه های اجرائی
- ۸- علوم مرتبط با فقه العبرة (۱- الگوی فقهی روایت میراث فرهنگی، ۲- تبیین آداب احترام به پدر بزرگ و مادر بزرگ به عنوان مخزن تجربه افزایی و عبرت آفرینی در خانواده، ۳- تبیین آداب زیارت قبور + جانمایی صحیح قبرستان در محلات و خانه)، ۴- تبیین مفهوم اقوام اولین و آخرین، ۵- تبیین مفهوم منازل الاخره + تبیین تفصیلی احوالات عالم قبر ۶- تبیین مفهوم قیامت، حساب و بهشت و جهنم و ۷- بررسی گزارش های مرتبط با معراج پیامبر ۹- علوم مرتبط با فقه نفی سبیل: ۱- نظریه سیاست خارجی قبل از ظهور، ۲- نظریه الگوی جدید نگاهی از نظام (روش مواجهه با هجوم اسناد بین المللی)، ۳- معرفی غذاهای شجاعت آفرین و قوت آفرین، ۴- راه اندازی مسابقات سبق و رمایه
- علی کشوری (مدیر مدرسه فقهی هدایت و دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی)- شنبه ۶ خرداد ۱۴۰۲- حوزه علمیه قم
منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا
<https://eitaa.com/olgou4/5299>

۳. تدابیر اسم پایه و تدابیر شیء پایه: راه های مواجهه و علاج مس جن

۳/۱. تدابیر اسم پایه مربوط به استفاده از ادعیه برای علاج مس جن

۳/۱/۱. دعای غریق: اولین نمونه از تدابیر اسم پایه

۳/۱/۲. آیات ۵۴ تا ۵۶ سوره اعراف معروف به آیات سخره: دومین نمونه از تدابیر اسم پایه

۳/۱/۳. قرائت معوذتین و هفت بار ذکر تسمیه و حوقله با هم: سومین و چهارمین نمونه از تدابیر اسم پایه

حال چه کنیم که مبتلای به "مس جن" نشویم و در صورت ابتلا راه علاج آن چیست؟ در مجموع در روایات دو دسته تدبیر وجود دارد. تدبیرهای اسم پایه^{۸۹} و تدابیر شیء پایه. تدابیر اسم پایه یعنی زمانی که شما از یک دعای خاص با یک کیفیت خاص از یک اسم خاصی استفاده می کنید. از باب مثال در روایت داریم که یکی از صحابه درباره یکی از ادعیه با امام علیه السلام درباره یک دعا حرف می زنند. دعا این است که: **يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيْمُ يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوْبِ ثَبَّتْ قَلْبِيْ عَلٰى دِيْنِكَ**. این صحابی پیش از قرائت این بخش از دعا می گوید: **يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوْبِ وَ الْاَبْصَارِ**. یعنی دو اسم از اسامی خداوند متعال را می آورند. دعا هم که می دانید چند نکته دارد: تقاضای از خداوند، انتخاب درست اسم خدا، تعداد اسمهایی که باید گفته و یا تکرار شود، زمان دعا، مکان دعا و... این ها را ان شاء الله باید هنگام گفت و گو درباره ی علم اعداد و علم الاسماء^{۹۰} توضیح دهیم. آن صحابی این مدل دعا خواندن را به امام

^{۸۹}. ارجاع پرورشی: سرفصل سوم قانون اساسی زندگی انسان و جن: تبیین تفصیلی "حرزهای اسم پایه". برای مواجهه با آسیب های احتمالی جن ها به انسان؛ خصوصاً برای مواجهه با آسیب های بانوان و کودکان از این موضوع؛ اسماء و اذکار و آیاتی مانند قرائت منظم قرآن، مواظب صبحگاه و شامگاه بر ذکر لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و... توصیه شده است. (مجموعاً ۲۰ دعا)

سرفصل چهارم: معرفی تفصیلی "حرزهای شیء پایه" برای مواجهه با آسیب های احتمالی جن ها، استفاده از اشیائی مانند: نگهداری از خروس سفید یا کبوتر، مصرف دائمی سرکه انگوری که در خانه تولید می شود، مصرف سیب در صبحگاه، سکونت در خانه های یک طبقه، عدم نگهداری از سگ در خانه و... توصیه می شود. (مجموعاً ۲۵ شیء)

حجت الاسلام علی کشوری - تبیین محتوای بسته فقهی قانون اساسی زندگی جن و انسان - چهارشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۲ - قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایستا

<https://eitaa.com/olgou4/5609>

^{۹۰}. ارجاع پرورشی: پدیده عظیم الشان شرح فقهی اسماء الهی

جدول اسماء الهی یکی از علوم پایه مدرسه هدایت محسوب می شود. در این جدول به شرح فقهی اسماء الهی و تبیین آثار مدیریتی و بعث آفرین اسماء الهی می پردازیم.

به عنوان مثال ذیل اصطلاحات وقایه، حرز و امان شرح فقهی "اسم حفیظ ربوبی" و آثار این اسم در نظم اجتماعی را مطرح می نمایم. همچنین ذیل اصطلاحات کنز و زکات شرح فقهی "اسم غنی ربوبی" و آثار آن در نظم اجتماعی مطرح می شود. در جدول اسماء الهی با استفاده از بخشی از روایات انفاق و برخی از روایات عقاب شرحی فقهی برای "اسم حسیب ربوبی" مطرح کرده ایم.

علیه السلام عرضه کردند. حضرت فرمودند: خدواند متعال " يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ " است اما نباید در این دعا از این اسامی استفاده می کردید. یعنی وقتی دعای "غریق" را می خوانید و می گوئید: تَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ ، نباید بگوئید: يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ. امام علیه السلام می فرماید: الأبصار در اینجا اضافه است و نباید آن را بگوئیم. بنابراین در ادعیه نباید اسامی را جابه جا کرد. در رابطه با حاجت که اشکال ندارد چون نیازی است که ما داریم اما اسامی ادعیه را نباید تغییر داد^{۹۱}. با توجه به این مسائل عرض بنده این است که بعضی از اسامی در ادعیه است که برای مواجهه با جن مناسب است. بنده نمونه هایی را خدمتان تقدیم کنم: دو آیه در کلام الله مجید داریم که به آیه

در مجموع با استفاده از مجموعه ای از اصطلاحات مطرح در آیات و روایات ۹۹ اسم ربوبی را شرح می دهیم و از این مفاهیم فقهی در فرآیند بحث و مدیریت جامعه به سمت اهداف امام علیه السلام استفاده می کنیم. مدیریت فقهی، یک مدیریت جبری و حقوقی و یا یک مدیریت مبتنی بر تحریر حصر و قرارداد محور محسوب نمی شود و انگیزه تحرک اجتماعی را از طریق بعثت مردم - با ابزار اسماء ربوبی - محقق می کند!

پدیده عظیم الشأن "شرح فقهی اسماء ربوبی"، علاوه بر جریان دادن اسماء ربوبی در نظام سازی؛ پدیده معیوب ارائه شرح صوفیانه و فلسفی از اسماء الهی را به چالش انزوا می کشاند!

حجت الاسلام علی کشوری - تبیین نظریه مدرسه تمدنی هدایت در گفتگو با فضلالی حوزه علمیه - یکشنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۱ - قم مبارک

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان اپنا

<https://eitaa.com/olgou4/4078>

^{۹۱} . ارجاع پژوهشی: وَ يَهَذَا الْإِسْنَادَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ وَجَدْتُ يَحْطُ جَبْرِئِيلُ بْنُ أَحْمَدَ حَدَّثَنِي الْعَبِيدِيُّ مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : سَتُصِيبُكُمْ شُبُهَةٌ فَتَنْبِقُونَ بِلَا عِلْمٍ يُرَى وَ لَا إِمَامٍ هُدَى وَ لَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا مَنْ دَعَا بِدَعَاءِ الْغَرِيقِ قُلْتُ كَيْفَ دَعَاءِ الْغَرِيقِ قَالَ يَقُولُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانَ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ تَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ فَقُلْتُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانَ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ تَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ وَ لَكِنْ قُلْ كَمَا أَقُولُ لَكَ يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ تَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ .

-عبد الله بن سنان گوید امام ششم فرمود یکدوران اشتباهی بشما رخ دهد و بی امام هدایت و پیشوای عیان بمانید و در این دوران کسی نجات نیابد مگر آنکه دعای غریق بخواند عرض کردم دعای غریق چگونه است؟ فرمود میگوئی ای خدای بخشنده ای مهربان ای گرداننده دلها دلم را بر دینم بر جا گذار من گفتم ای خدا ای گرداننده دلها و دیده ها دلم را بر دینت ثابت دار، فرمود برستی خدای عز و جل مقلب القلوب و الابصار است ولی چنانچه من بتو گفتم بگو یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک.

مصدر: کمال الدین ج ۲ ص ۳۵۱

دیگر منابع: إعلام الوری ج ۲ ص ۲۳۸ / مهج الدعوات ج ۱ ص ۳۳۲ / منتخب الأنوار ج ۱ ص ۸۰ / بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۴۸

سخره (تسخیر) معروفند. آیات ۵۴ تا ۵۶ سوره اعراف^{۹۲}. این آیات خیلی کمک می کند و یک "تعویذ"^{۹۳} خوب است که مرحوم مجلسی هم در بحار آورده است. اگر زمانی شما گرفتار شدید از این استفاده کنید. آیات اینگونه است: "إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ" که مرادم از اسم همین بخش آخر است: تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ. بعد ادامه آیه "ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَلَا تَسْفِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ". اضافه بر اینها قرائت صباحا و مساء "معوذتین"^{۹۴} نیز همین خاصیت را دارد. مورد دیگر ترکیب "بسم الله الرحمن الرحيم" و "لا حول ولا قوة إلا بالله العلی"

^{۹۲} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره اعراف آیات ۵۴ تا ۵۶: إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَلَا تَسْفِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ.

در حقیقت پروردگار شما آن خدایی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر عرش [جهانداری] استیلا یافت روز را به شب که شتابان آن را می طلبد می پوشاند و [نیز] خورشید و ماه و ستارگان را که به فرمان او رام شده اند [پدید آورد] آگاه باش که [عالم] خلق و امر از آن اوست فرخنده خدایی است پروردگار جهانیان. پروردگار خود را به زاری و نهانی بخوانید که او از حدگذرندگان را دوست نمی دارد. و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید و با بیم و امید او را بخوانید که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.

^{۹۳} ارجاع پرورش: تعویذ در لغت به معنای پناه بردن، پناه دادن و در امان نگاه داشتن و در اصطلاح به معنای دعاخواندن و حرز آویختن بر آدمیان، جانوران یا اشیا برای محافظت از آنهاست.

تعویذ، عباراتی اغلب مکتوب عمدتاً از آیات قرآنی و ادعیه مأثوره برای در امان ماندن از شرور و بلاها می باشد. به اذکاری خاص برای دفع چشم زخم، سحر، آفات و بلاها و برطرف کردن دردها و بیماریها و استعاذه تعویذ گفته می شود. تعویذ به مفهوم نخست - که به آن (عوذ) یا (تعویذ) نیز گفته می شود - به منظور فوق برای خود یا دیگری خوانده و یا نوشته شده و همراه می گردد.

گذشته از واژه های متعددی که در تداول عامه مسلمانان به صورت مغشوش و متداخل برای این مفهوم به کار می رود، (از جمله: عوذه، معاذه، حرز، تمیمه، نقره، رقیه، عزیمة، افسون)، تعویذ بنا بر شایع ترین صورت کاربرد آن در جهان اسلام عبارت است از برخی آیات قرآن، ادعیه مأثوره، اسماء الحسنی، اسامی فرشتگان یا اولیاء الله، اوراد، رموز و علائم مفهوم یا نامفهوم که بر قطعه هایی از کاغذ، چرم، پوست، پارچه، فلز و جز آن می نویسند و در کیسه هایی کوچک از جناس مختلف می گذارند و سپس آن را پنهان یا آشکارا برگردن می آویزند یا بر قسمتی از بدن انسان یا حیوان می بندند یا بر جایی از اشیا و مکانها نصب می کنند. گاه نیز این عبارت را با رعایت ترتیب و آیینی خاص یا بدون رعایت آن، بر شخص یا جانور یا شیء مورد نظر می خوانند یا زیر لب زمزمه می کنند. معلوف، لویس، المنجد، بیروت، ۱۹۷۳م / ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، ج ۳، ص ۴۹۹ / طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۲۷۵ / مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ذیل «عوذ / دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ذیل واژه عوذ. / ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، ج ۳، ص ۴۹۹ / خوانساری، حسین بن جمال الدین، مشارق الشموس، ج ۱، ص ۱۳ / شکورزاده بلوری، ابراهیم، عقاید و رسوم مردم خراسان، ص ۲۹۹-۳۰۰ / امین، احمد، قاموس العادات و التقالید و التعابیر المصریة، ذیل «الاحجیة».

^{۹۴} ارجاع پژوهشی: أَبِي عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ سَبَبَ نُزُولِ الْمُعَوِّذَتَيْنِ أَنَّهُ وَعِكَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَتَزَلَّ عَلَيْهِ جَبْرَيْلُ بَهَائِنِ السُّورَتَيْنِ فَعَوَّدَهُ بِهِمَا .

امام صادق (علیه السلام) - سبب نزول معوذتان چنین بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بیمار شد، آنگاه جبرئیل این دو سوره را بر ایشان نازل کرد و با آن دو ایشان را تعویذ نمود.

مصدر: تفسیر القمی ج ۲ ص ۴۵۰

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۸۹ ص ۳۶۳ / تفسیر البرهان ج ۵ ص ۸۱۹ / تفسیر الصافی ج ۵ ص ۳۹۷

قَالَ أَبُو الْخَيْرِ [مُقَدَّادُ بْنُ عَلِيٍّ] حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْعَلَوِيُّ الْحَسَنِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا فُرَاتُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو [عُمَرُ] الْخَزَّازُ [الْخَزَّازُ] قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ يَعْنِي ابْنَ مُحَمَّدِ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ عَيْسَى يَعْنِي ابْنَ مُحَمَّدٍ عَنْ [أَبِيهِ عَنْ] جَدِّهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَحَرَ لَيْدُ بْنُ أَعْصَمِ الْيَهُودِيِّ وَأُمُّ عَبْدِ اللَّهِ الْيَهُودِيَّةُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي عَقْدٍ مِنْ قَرْنٍ أَحْمَرَ وَأَخْضَرَ وَأَضْفَرَ فَعَقَدُوهُ لَهُ فِي إِحْدَى عَشْرَةَ عُقْدَةً ثُمَّ جَعَلُوهُ فِي جُفِّ مِنْ طَلْعٍ قَالَ يَعْنِي فُشُورَ اللَّوْزِ [الكف] ثُمَّ ادَّخَلُوهُ فِي بَيْتِ بُوَادٍ [وَادِي] فِي الْمَدِينَةِ [بِالْمَدِينَةِ] فِي مَرَاهِي الْبُئْرِ تَحْتَ رَاعُوفَةَ يَعْنِي الْحَجَرَ الْخَارِجَ فَأَقَامَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَلَاثًا لَا يَأْكُلُ وَلَا يَشْرَبُ وَلَا يَسْمَعُ وَلَا يَبْصُرُ وَلَا يَأْتِي النَّسَاءَ فَتَزَلَّ عَلَيْهِ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَتَزَلَّ مَعَهُ بِالْمُعَوَّذَتَيْنِ [بِالْمُعَوَّذَتَيْنِ] فَقَالَ لَهُ يَا مُحَمَّدُ مَا سَأَلْتُكَ قَالَ مَا أَذْرِي أَنَا بِالْحَالِ الَّذِي تَرَى فَقَالَ إِنَّ [قَالَ فَإِنَّ] أُمَّ عَبْدِ اللَّهِ وَ لَيْدُ بْنُ أَعْصَمِ سَحَرَكَ وَأَخْبَرَهُ بِالسَّحْرِ [وَأَخْبَرَهُ بِالسَّحْرِ] وَ [حَيْثُ هُوَ] ثُمَّ قَرَأَ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ « بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ » فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَلِكَ فَانْحَلَّتْ عُقْدَةٌ ثُمَّ لَمْ يَزَلْ يَقْرَأُ آيَةَ وَيَقْرَأُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَنَحَّلَ عُقْدَةً حَتَّى أَقْرَأَهَا عَلَيْهِ إِحْدَى عَشْرَةَ آيَةً وَانْحَلَّتْ إِحْدَى عَشْرَةَ عُقْدَةً وَجَلَسَ النَّبِيُّ وَدَخَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَخْبَرَهُ بِمَا جَاءَ بِهِ [أَخْبَرَهُ] جَبْرِئِيلُ [بِهِ] وَ قَالَ [لَهُ] انْطَلِقْ فَأَتَيْتِ بِالسَّحْرِ فَخَرَجَ عَلَيَّ فَجَاءَ بِهِ فَأَمَرَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَتَقَبَّلَ [تَقَبَّلَ] عَلَيْهِ وَ أَرْسَلَ إِلَى لَيْدِ بْنِ أَعْصَمِ وَ أُمِّ عَبْدِ اللَّهِ الْيَهُودِيَّةِ فَقَالَ مَا دَعَاكُمْ إِلَى مَا صَنَعْتُمْ ثُمَّ دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى لَيْدٍ وَ قَالَ لَا أَخْرَجَكَ اللَّهُ مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا قَالَ وَ كَانَ مُوسِرًا كَثِيرَ الْمَالِ فَفَمَرَّ بِهِ غُلَامٌ يَسْعَى فِي أَذْنِهِ قُرْطُ قِيمَتُهُ دِينَارٌ فَجَادَتْهُ فَخَرَّمَ أَذْنَ الصَّبِيِّ فَأَخَذَ وَ قَطَعَتْ يَدَهُ فَمَاتَ مِنْ وَفْتِهِ [وَفْتِهَا].

امام علی (علیه السلام) - لیبیدن اعصم یهودی و ام عبد الله یهودی برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) جادو ساختند در یازده گره و آن را میان پوسته‌ی گل خرما نهادند و در چاهی میان یکی از دره‌های مدینه زیر سنگی سپردند که پله چاه بود، و پیغمبر (صلی الله علیه و آله) از خوردن و نوشیدن و شنیدن و دویدن و نزدیکی با زنان واماند. و جبرئیل (علیه السلام) آمد و سوره‌ی معوذتین را آورد و گفت: «ای محمد (صلی الله علیه و آله) تو را چه شده؟» فرمود: «نمی‌دانم، حالم این است که می‌بینی». گفت: «ام عبد الله و لیبیدن اعصم تو را جادو کردند»، و آن را به وی گزارش داد و جای آن را وانمود، آنگاه جبرئیل خواند: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آن را خواند و یک گره باز شد، و پیوسته او خواند و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) خواند و گره باز شد تا یازده آیه خواند و یازده گره باز شد و پیغمبر برخاست نشست امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمد و آنچه را جبرئیل گفته بود به وی باز گفت و فرمود: «برو و جادو را بیاور». و آورد و پیغمبر آن را شکست و بر آن تف کرد، و لیبید و ام عبد الله را خواست و فرمود: «برای چه این کار را کردید و بر لیبید نفرین کرد که خدا تو را با تن درست از دنیا بیرون نبرد.»

مصدر: تفسیر فرات ج ۱ ص ۶۱۹

دیگر منابع: مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۱۰۷ / بحار الأنوار ج ۶۰ ص ۲۲ / مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۴۱۳

السَّيْحُ الطَّبْرَسِيُّ فِي مَجْمَعِ الْبَيَانِ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: يَا عُقْبَةُ أَلَا أَعْلَمُكَ سُورَتَيْنِ هُمَا أَفْضَلُ الْقُرْآنِ أَوْ مِنْ أَفْضَلِ الْقُرْآنِ قُلْتُ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ فَعَلَّمَنِي الْمُعَوَّذَتَيْنِ وَ قَالَ إِقْرَأْهُمَا كُلَّمَا قُمْتَ وَ نِمْتَ .

پیامبر (صلی الله علیه و آله) - ای عقبه! آیا می‌خواهی دو سوره‌ای را به تو بیاموزم که بهترین سوره‌های قرآن هستند؟ عرض کردم: «بله»، ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله)!! آنگاه ایشان معوذتان را به من آموخت و سپس در نماز صبح، این دو سوره را قرائت کرد و فرمود: «به هنگام بیدار شدن و خوابیدن، این دو سوره را بخوان.»

مستدرک الوسائل ج ۴ ص ۲۹۱ / تفسیر البرهان ج ۵ ص ۸۲۰

وَ رَوَى أَنَسٌ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ آلِهِ كَانَ كَثِيرًا مَا يُعَوِّذُ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بِهَاتَيْنِ السُّورَتَيْنِ .

پیامبر (صلی الله علیه و آله) - انس روایت کرده است: پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بسیار حسن و حسین (علیها السلام) را با این دو سوره تعویذ می‌داد.

بحار الأنوار ج ۶۰ ص ۱۴ / تفسیر نور الثقلین ج ۵ ص ۷۱۷ / تفسیر کنز الدقائق ج ۱۴ ص ۵۴۰

العظیم" است که باید هفت مرتبه بعد از نماز صبح و مغرب خوانده شود که در این صورت یک حرز محسوب می شود.^{۹۵}

۳/۱/۴. معرفت داشتن به ورودی و خروجی های جن به خان: یکی از سیاق های بحث از تدابیر اسم پایه

۳/۱/۴/۱. جانمایی سرویس بهداشتی داخل خانه، درب منزل، وجود تار عنکبوت در خانه: چند نمونه از ورودی های جن

بحث تفصیلی درباره ی تدابیر اسم پایه را باید در زمان مناسب و کافی انجام دهیم. فعلا فقط خواستم عرض کنم تدابیر اسم پایه هم وجود دارد. همانطور که می دانید رسم بر این است که وقتی می خواهند جن ها را دفع کنند بیشتر به ادعیه پناه می برند اما بنده به دلیلی بحث را از دعا شروع نمی کنم. مثلا به این دلیل که تقسیم بندی های زمانی دعا باید رعایت شود. برای همین این بحث را برای کسانی می گذاریم که فهمهای تخصصی بهتری از این مسائل دارند. البته لزومی ندارد که حتما طلبه باشند خیر، مرادم کسانی است که تجربه هایی از اسم و دعا داشته باشند تا بتوان با آنها پیش رفت. در اینجا برای اینکه بحث ناقص نماند بنده یک اشاره کوتاه می کنم چون این موضوع دعا پیچیدگی های خاصی دارد. مثلا وقتی شما از اسماء بحث می کنید ابتدا باید از لحاظ سیاقی بدانید که ورودی خروجی های جن و شیاطین به خانه کجاست؟ مثلا یکی از ورودی هایش جانمایی دستشویی داخل خانه است.^{۹۶}

^{۹۵} . ارجاع پژوهشی: رَوَاهُ أَبُو مُحَمَّدٍ هَازِرُونَ بْنُ مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ أَحْسَنِ بْنِ أَبَانَ قَالَ حَدَّثَنَا سَعِيدٌ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ يَعْنِي الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ سَبَعَ مَرَّاتٍ وَ هُوَ ثَانِي رِجْلِهِ بَعْدَ الْمَغْرَبِ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ وَ بَعْدَ الصُّبْحِ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ صَرَفَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعاً مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ أَدْنَاهَا الْجَذَامُ وَ الْبَرَصُ وَ السُّلْطَانُ وَ الشَّيْطَانُ .

و نیز می گویی آنچه که روایت شده حضرت ابی الحسن امام رضا علیه السلام به نقل از امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: «هر کس بعد از نماز مغرب در حالی که پاهایش را از حالت نشستن در نماز جمع کند، و راحت بنشیند، و پیش از آنکه سخن بگوید، و نیز بعد از نماز صبح پیش از آنکه سخن بگوید، هفت بار بگوید: «بسم الله الرحمن الرحيم، و لا حول و لا قوة إلا بالله العلي العظيم» . - به نام خداوند رحمت گستر مهربان، و هیچ دگرگونی و نیرویی نیست جز به وسیله خداوند بلند مرتبه بزرگ. خداوند متعال هفتاد نوع از انواع بلا و گرفتاری را از او دور می سازد، که کمترین آنها جذام و پستی و شر سلطان و فرمانروا و شیطان است.»

فلاح السائل ج ۱ ص ۲۳۰ / بحار الأنوار ج ۸۳ ص ۹۷ / مستدرک الوسائل ج ۵ ص ۱۰۱

^{۹۶} . ارجاع پژوهشی: عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَخْلَدٍ عَنْ أَبَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ خَلَّادٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ جَبْرَيْلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّا لَا نَدْخُلُ بَيْتاً فِيهِ صُورَةٌ إِنْسَانٍ وَ لَا بَيْتاً يَبْتَالُ فِيهِ وَ لَا بَيْتاً فِيهِ كَلْبٌ .

عمر بن خالد گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: جبرئیل علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا! ما فرشتگان در خانه ای که تصویر انسانی باشد، مکانی که در آن ادرار می کنند و خانه ای که در آن سگی باشد، داخل نمی شویم.

مصدر: المحاسن ج ۲ ص ۶۱۵ / الکافی ج ۳ ص ۳۹۳ / تهذیب الأحکام ج ۲ ص ۳۷۷

دیگر منابع: الوافی ج ۷ ص ۴۵۸ / وسائل الشیعة ج ۵ ص ۱۷۵ / بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۱۵۹

که تمام آپارتمان های فعلی مبتلای به این موضوع است^{۹۷}. ورودی دیگر درب خانه است^{۹۸} یا مثلا کفشهای انسان و... برای بحث دعا ابتدا باید موضوعاتی از این قبیل در ذهن افراد باشد تا بتوانیم وارد گفت و گو شویم. دعاها درباره ی مکان های خاص رهنمایی کرده اند. مثلاً می فرماید: وقتی وارد خانه شدید این دعا را بخوانید^{۹۹}. چرا باید در آن لحظه آن دعا را بخوانیم؟ همین طور موقع خروج فلان دعا را بخوانید^{۱۰۰}. پیداست که دارد زمان و مکان ورود

^{۹۷} ارجاع پژوهشی: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ أَتَاهُ رَجُلٌ فَشَكَاَ إِلَيْهِ فَقَالَ أَتَرَجَحْنَا الْجِرْمَ مِنْ مَنَازِلِنَا يَغْنِي عُمَارَ مَنَازِلِهِمْ فَقَالَ اجْعَلُوا سُقُوفَ بُيُوتِكُمْ سَبْعَةَ أَذْرُعٍ وَاجْعَلُوا الْحَمَامَ فِي أَكْتافِ الدَّارِ قَالَ الرَّجُلُ فَفَعَلْنَا فَمَا رَأَيْنَا شَيْئاً نَكْرَهُهُ.

از حضرت باقر(علیه السلام): مردی بنزد وی بشکایت آمد که جن ما را از خانه هایمان بیرون رانده، فرمود: سقف خانه ها را هفت ذراع کنید، و حمام را در گوشه خانه (دور از خانه) بسازید، آن مرد گوید چنین کردیم و دیگر چیزی که ناراحت کننده باشد ندیدیم.

مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۱۲۸ / بحار الأنوار ج ۶۰ ص ۷۴ / مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۴۵۴

^{۹۸} ارجاع پژوهشی: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ إِغْلَاقِ الْأَبْوَابِ وَ إِيكَاءِ الْأَوَانِي وَ إِطْفَاءِ السَّرَاجِ فَقَالَ أَغْلِقْ بَابَكَ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَفْتَحُ بَاباً وَ أَطْفِئِ السَّرَاجَ مِنَ الْفَوَيْسِقَةِ وَ هِيَ الْفَأْرَةُ لَا تُحْرِقُ بَيْتَكَ وَ أَوْكِ الْإِنَاءَ .

سماعه گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: به هنگام خوابیدن، بستن درب خانه، سرپوش نهادن بر ظرف غذا و خاموش کردن مشعل لازم است؟ فرمود: درب خانه را قفل کن که شیطان قفل را نمی گشاید، چراغ نفتی و مشعل روغنی را خاموش کن تا فاسقک، یعنی موش خانگی، خانه را به آتش نکشاند و بر ظرف غذا سرپوش بگذارد که شیطان نتواند به غذا دستبرد بزند.

مصدر: الکافی ج ۶ ص ۵۳۲

دیگر منابع: الوافی ج ۲۰ ص ۸۱۴ / وسائل الشیعة ج ۵ ص ۳۲۳ / مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۱۲۸

^{۹۹} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره نور آیه ۶۴: فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ كَذَلِكَ بَيَّنَّ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

پس چون به خانه هایی [که گفته شد] در آمدید به یکدیگر سلام کنید درودی که نزد خدا مبارک و خوش است خداوند آیات [خود] را این گونه برای شما بیان می کند امید که بیندیشید.

الْأَرْبَعُمِائَةِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ مَنْزِلَهُ فَلْيَسَلِّمْ عَلَى أَهْلِهِ يَقُولُ السَّلَامَ عَلَيْكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَهْلٌ فَلْيُسَلِّمْ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبَّنَا وَ لِيُقْرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ حِينَ يَدْخُلُ مَنْزِلَهُ فَإِنَّهُ يَنْفِي الْفَقْرَ وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لِيُقْرَأَ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ الْآيَاتِ مِنْ آخِرِ آلِ عِمْرَانَ وَ آيَةِ الْكُرْسِيِّ وَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ وَ أُمَّ الْكِتَابِ فَإِنَّ فِيهَا فَضَاءً حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ .

در اربعمانه امیر مؤمنان فرمود: چو یکی از شما بمنزلش در آید باید سلام کند باهل خود، میگوید: السلام علیکم، و اگر اهلی ندارد باید بگوید: السلام علینا من ربنا. و سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را بخواند. چون که وارد خانه اش شود زیرا که فقر را ببرد. و فرمود: چون از خانه اش بدر آید آیه های آخر آل عمران را بخواند (گویا مقصود آیه آمن الرسول تا آخر سوره است). با آیه الکرسی و سوره إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ و سوره حمد که مایه برآورده شدن حاجات دنیا و آخرت است.

مصدر: الخصال ج ۲ ص ۶۱۰ / تحف العقول ج ۱ ص ۱۰۰

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۱۶۶

^{۱۰۰} ارجاع پژوهشی: وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ قَالَ: مَنْ قَالَ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ بِسْمِ اللَّهِ حَسْبِيَ اللَّهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ أَلْهِمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ أُمُورٍ كُلِّهَا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الْآخِرَةِ ، كَفَاهُ اللَّهُ مَا أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاةٍ وَ آخِرَتِهِ .

وسائل الشیعة ج ۵ ص ۳۲۷ / الأمان ج ۱ ص ۱۰۶ / بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۲۴۰

جن به خانه را مورد دقت قرار می دهد . اگر این اباحت در ذهن کسی نباشد نمی تواند مسئله اسماء را به صورت عمیق فهم کند . پس این یک سرفصل جداگانه است . وقتی وارد ادعیه شدید سعی کنید با تمرکز بر این موضوع ورودی خروجی ها را پیدا کنید . مثلاً حضرت می فرماید "عند" ، عند الدخول عند الخروج . حضرت درباره مکان خیلی تاکید می کند . یا مثلاً می فرماید: "قبل الرؤیه" . بعضی از ادعیه می فرمایند که قبل از اینکه کسی شما را ببیند فلان ذکر را بگوید .

عَنْهُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: اسْتَأْذَنْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَخَرَجَ عَلَيَّ، وَشَفَّتَاهُ تَحَرَكَانِ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ خَرَجْتَ وَشَفَّتَاكَ تَحَرَكَانِ فَقَالَ وَاللَّهِ مَا دَلِكُ يَا ثَمَالِي، فَقُلْتُ نَعَمْ فَأَخْبِرْنِي بِهِ فَقَالَ نَعَمْ يَا ثَمَالِي، مَنْ قَالَ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ - بِسْمِ اللَّهِ حَسْبِيَ اللَّهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ أَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ أُمُورِي كُلِّهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ كَفَاءَ اللَّهِ مَا أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاةٍ وَآخِرَتِهِ .

ابو حمزه گوید: اجازه شرفیابی از حضرت باقر علیه السلام خواستم (دیدم) آن حضرت بنزد من بیرون آمد و لبانش میجنبید، باو عرض کردم (که آنچه میفرمودی چه بود) فرمود: آن را متوجه شدی ای ثمالی؟ عرض کردم: آری فدایت شوم، فرمود: همانا بخدا سوگند من بکلامی تکلم کردم که هیچ کس بدان لب نگشاید جز اینکه خدا کفایت کند از کار دنیا و آخرتش آنچه که او را اندوهگین ساخته، گوید: عرض کردم: مرا از آن آگاه فرما، فرمود: آری هر که بگوید هنگامی که از خانه اش بیرون آید: «بسم الله حسبي الله توكلت على الله، اللهم اني اسألك خیر امورى كلها و أعوذ بك من خزی الدنيا و عذاب الآخرة» . خداوند او را از آنچه اندوهگینش کرده از کارهای دنیا و آخرتش کفایت کند .

مصدر: المحاسن ج ۲ ص ۳۵۱ / الکافی ج ۲ ص ۵۴۱

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۱۷۱ / عدة الداعي ج ۱ ص ۲۸۱ / الوافی ج ۹ ص ۱۶۰۲ / عوالم العلوم ج ۱۹ ص ۲۴۹

۳/۲. تدابیر شیء پایه مربوط به استفاده از اشیاء برای علاج مس جن

۳/۲/۱. تدابیر مربوط به استفاده از حیوانات خانگی مانند کبوتر و خروس سفید

اما درباره ی اشیاء پیچیدگی های در این سطح نداریم و ساده ترند. برای همین آنها را بیشتر برای جلوگیری از مس جن توصیه می کنیم. حال در تدابیر شیء پایه چند تدبیر بسیار آسان، مؤثر و عمومی را محضر شما عرض می کنم. اولین آنها نگهداری خروس سفید^{۱۰۱} و کبوتر^{۱۰۲} در خانه است. خروس ابزار ضربه به اجنه را دارد اما کبوتر

۱۰۱. ارجاع پژوهشی: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: دِيكَ أَيْضُ أَفْرُقُ يَحْرُسُ دَوْرَةَ أَهْلِهِ وَ سَبْعَ دَوْرَاتٍ حَوْلَهُ. جابر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و اله فرمود: خروس سفید کاکل دار، از خانه صاحبش و هفت خانه اطراف آن محافظت می کند.

مصدر: الکافی ج ۶ ص ۵۴۹

دیگر منابع: الوافی ج ۲۰ ص ۸۶۱ / وسائل الشیعة ج ۱۱ ص ۵۲۵

عَنْهُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الدِّيكُ الْأَبْيَضُ صَدِيقِي وَ صَدِيقُ كُلِّ مُؤْمِنٍ. راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: خروس سفید، دوست من و دوست هر مؤمنی است.

مصدر: الکافی ج ۶ ص ۵۵۰

دیگر منابع: الوافی ج ۲۰ ص ۸۶۲ / وسائل الشیعة ج ۱۱ ص ۵۲۶ / بحار الأنوار ج ۶۲ ص ۴

وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ اتَّخَذَ دِيكًا أَيْضًا فِي مَنْزِلِهِ يُحْفَظُ مِنْ شَرِّ ثَلَاثَةٍ مِنَ الْكَاْفِرِ وَ الْكَاْهِنِ وَ السَّاحِرِ. و نیز فرمود: هر کس خروس سفیدی در خانه نگه دارد، از شر سه چیز مصون خواهد ماند: کافر، ساحر، کاهن.

مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۱۳۰

۱۰۲. ارجاع پژوهشی: وَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يُبْتَغِي أَنْ يَخْلُوَ بَيْتَ أَحَدِكُمْ مِنْ ثَلَاثَةٍ وَ هُنَّ عَمَّاؤُ الْبَيْتِ الْهَرَّةُ وَ الْحَمَامُ وَ الدِّيكُ فَإِنْ كَانَ مَعَ الدِّيكِ أَيْسَّةٌ فَلَا بَأْسَ بِذَلِكَ لِمَنْ لَا يَقْدِرُهَا.

حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) شایسته نیست که خانه هیچ کدام شما از سه چیز خالی بماند که آنان خانه را آباد نگه می دارد: گربه، کبوتر، خروس و اگر با خروس انیسی (مرغی) باشد اشکالی ندارد.

مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۱۳۰ / بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۱۶۳

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَرِيدَ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْحَمَامُ طَيْرٌ مِنَ طُيُورِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ الَّتِي كَانُوا يُمَسْكُونُ فِي بُيُوتِهِمْ وَ لَيْسَ مِنْ بَيْتٍ فِيهِ حَمَامٌ إِلَّا لَمْ تُصَبْ أَهْلُ ذَلِكَ الْبَيْتِ أَفَةٌ مِنَ الْجِنَّ إِنَّ سَفَهَاءَ الْجِنَّ يَعْشُونَ فِي الْبَيْتِ فَيَعْشُونَ بِالْحَمَامِ وَ يَدْعُونَ النَّاسَ قَالَ فَرَأَيْتُمْ فِي بُيُوتِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَمَامًا لِابْنِهِ إِسْمَاعِيلَ. ابو سلمه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

کبوتر، یکی از پرندگان پیامبران علیهم السلام است که در خانه های خود نگه می داشتند. خانه ای که در آن کبوتر باشد به افراد این خانواده آسیبی از جانب جتیان نخواهد رسید. به راستی که جتیان نادان در خانه ها بازی می کنند. از این رو آنان با کبوتر بازی می کنند و انسان را رها می نمایند. ابو سلمه گوید: من در خانه امام صادق علیه السلام کبوتری دیدم که از آن اسماعیل علیه السلام پسر آن حضرت بود.

مصدر: الکافی ج ۶ ص ۵۴۷

دیگر منابع: الوافی ج ۲۰ ص ۸۵۵ / وسائل الشیعة ج ۱۱ ص ۵۱۵ / بحار الأنوار ج ۶۲ ص ۱۸

فقط ابزار دور کردن آنها را در اختیار دارد^{۱۳}. در اینجا البته مباحث مختلفی می توان مطرح کرد از جمله اینکه در بین برادران پوزیتیویست ما گفت و گوهایی درباره قدرت دید پرندگان مختلف وجود دارد. مثلاً قدرت دید عقاب چقدر است. از بحثهای مرسوم شان است. یا مثلاً مار که کر است پس چطور می بیند. کر بودن مار بعد از داستان حضرت یوسف علیه السلام اتفاق افتاده است^{۱۴} و با اینکه استماع ندارد پس چگونه متوجه می شود؟ بهرحال

^{۱۳} ارجاع پژوهشی: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ إِبْرَاهِيمَ السَّنْدِيِّ عَنِ يَحْيَى الْأَزْرَقِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِحْتَفَرَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بُرّاً فَرَمَوْا فِيهَا فَأَخْبِرَ بِذَلِكَ فَجَاءَ حَتَّى وَقَفَ عَلَيْهَا فَقَالَ لَتَكُنَّ أَوْ لَأُسْكِنَنَّهَا الْحَمَامَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ حَفِيفَ أَخْبَحْتَهَا تَطْرُدُ الشَّيَاطِينَ.

یحیی ازرق گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: امیر مؤمنان علی علیه السلام چاهی کند. در آن چاه مردم توسط جنیان و شیاطین سنگباران می شدند. به حضرت گزارش دادند. حضرتش بر سر آن چاه آمد و فرمود: دست نگه می داری یا در این چاه کبوتر سکونت دهم؟! سپس امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که صدای بال زدن کبوتر، شیاطین را می راند.

مصدر: الکافی ج ۶ ص ۵۴۸

دیگر منابع: الوافی ج ۲۰ ص ۸۵۸ / وسائل الشیعة ج ۱۱ ص ۵۱۵ / بحار الأنوار ج ۳۹ ص ۱۷۲

^{۱۴} ارجاع پژوهشی: عُمَرُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْأَوْسِيُّ: قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِيَجْبُرِيَل (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «أَنْتَ مَعَ قُوَّتِكَ هَلْ عَيَّبْتَ قَطُّ - يَعْني أَسَابِكَ تَعَبٌ وَ مَشَقَّةٌ-؟» قَالَ: نَعَمْ - يَا مُحَمَّدٌ - ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: يَوْمَ أَلْفِي إِبْرَاهِيمَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِي النَّارِ، أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ أَنْ أَدْرُكُهُ، فَوَعَرَّتِي وَ جَلَاكِي لِنِ سَبَقِكَ إِلَى النَّارِ لَأَمْحُونَ إِسْمَكَ مِنْ دِيْوَانِ الْمَلَائِكَةِ: فَتَرَلْتُ إِلَيْهِ بِسُرْعَةٍ، وَ أَدْرَكْتُهُ بَيْنَ النَّارِ وَ الْهَوَاءِ، فَقُلْتُ: يَا إِبْرَاهِيمُ، هَلْ لَكَ حَاجَةٌ؟ قَالَ: إِلَى اللَّهِ فَتَعَمَّ، وَ أَمَا إِلَيْكَ فَلَا. وَ الثَّانِيَةَ: حِينَ أَمَرَ إِبْرَاهِيمَ بِذَبْحِ وَ لَدِهِ إِسْمَاعِيلُ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ أَنْ أَدْرُكُهُ، فَوَعَرَّتِي وَ جَلَاكِي لِنِ سَبَقْتِكَ السَّكِينِ إِلَى حَلْفِهِ لَأَمْحُونَ إِسْمَكَ مِنْ دِيْوَانِ الْمَلَائِكَةِ. فَتَرَلْتُ بِسُرْعَةٍ حَتَّى حَوَلْتُ السَّكِينِ وَ أَقْلَبْتُهَا فِي يَدِهِ وَ أَتَيْتُهُ بِالْفِدَاءِ. وَ الثَّلَاثَةَ: حِينَ رُمِيَ يُوْسُفُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِي الْجُبِّ، أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ يَا جَبْرِيَلُ أَدْرُكُهُ فَوَعَرَّتِي وَ جَلَاكِي لِنِ سَبَقِكَ إِلَى قَعْرِ الْجُبِّ لَأَمْحُونَ إِسْمَكَ مِنْ دِيْوَانِ الْمَلَائِكَةِ. فَتَرَلْتُ إِلَيْهِ بِسُرْعَةٍ، وَ أَدْرَكْتُهُ إِلَى الْفُضَاءِ، وَ رَفَعْتُهُ إِلَى الصَّخْرَةِ الَّتِي كَانَتْ فِي قَعْرِ الْجُبِّ، وَ أَنْزَلْتُهُ عَلَيْهَا سَالِمًا، فَعَيَّبْتُ. وَ كَانَ الْجُبُّ مَأْوَى الْحَيَّاتِ وَ الْأَفَاعِي فَلَمَّا حَسَّتْ بِهِ، قَالَتْ كُلُّ وَاحِدَةٍ لِصَاحِبَتِهَا: إِتَاكِ أَنْ تَتَحَرَّكِي، فَإِنَّ نَبِيًّا كَرِيمًا أَنْزَلَ بِنَا، وَ حَلَّ بِسَاحَتِنَا. فَلَمْ تَخْرُجْ وَاحِدَةً مِنْ وَكْرِهَا إِلَّا الْأَفَاعِي، فَإِنَّهَا خَرَجَتْ وَ أَرَادَتْ لُدَّعُهُ، فَصِخَتْ بِهِنَّ صِيْحَةً صَمَّتْ أَدَائَهُنَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

عمر بن ابراهیم اوسی روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم به جبرئیل علیه السلام گفت: ای جبرئیل! آیا تو با این توانایی و نیرویت، تا به حال ناتوان گشته ای، یعنی تا به حال دچار خستگی و مشقت شده ای؟ او گفت: آری، ای محمد، این امر سه بار برای من اتفاق افتاده است: روزی که ابراهیم علیه السلام در آتش افکنده شد، خداوند تبارک و تعالی به من امر کرد که او را بگیرم و سوگند به عزت و عظمتش یاد کرد که اگر او زودتر از تو وارد آتش شود، اسمت را از دفتر فرشتگان پاک می کنم، و من هم به سرعت به سوی او رفتم، و او را بین آتش و هوا دریافتم، و گفتم ای ابراهیم: آیا نیازی داری؟ او گفت: آری، ولی به خداوند، نه به تو. و مورد دوم زمانی بود که به ابراهیم امر شد که فرزندش اسماعیل را ذبح کند و خداوند به من دستور داد که او را دریابم و به عزت و عظمتش سوگند یاد کرد که اگر چاقو را بر حلقش بگذارد، اسمت را از دفتر فرشتگان پاک خواهم نمود. سپس به سرعت پایین آمدم و چاقو را برعکس گرداندم و آن را در دستش در جهت مخالف قرار دادم و فدیة ذبح اسماعیل را به او دادم. سوم زمانی که یوسف در چاه انداخته شد. در آن زمان خداوند به من دستور داد که او را دریابم و به عزت و عظمتش سوگند یاد کرد که اگر قبل از رسیدن به ته چاه برسد، اسمت را از دفتر فرشتگان پاک خواهم نمود. سپس به سرعت نزد او رفتم و او را در فضا گرفتم و بر روی صخره ای که در ته چاه بود نشاندم و او را به سلامت بر آن فرود آوردم و در اثر این کار دچار خستگی شدم. چاه نیز جایگاه مارها و افعی ها بود. هنگامی که آنها بدین امر پی بردند، هر یک از آنها به دیگری گفت: مبادا که حرکت کنی، همانا پیامبری گرامی نزد ما آمده و در ساحت ما جای گرفته است. و هیچ یک از آنان جز افعی ها از منزلگاه خود خارج نشدند. افعی ها خواستند که یوسف را نیش بزنند، اما من بر سر آنان فریادی زدم که گوششان را تا روز قیامت کر کرد.

تفسیر البرهان ج ۳ ص ۸۲۶

مدل دیدن در اجسام مختلف خیلی متفاوت است. حال یکی از بحثهایی که درباره خروس وجود دارد همین است که قدرت دید ماورایی بالایی دارد. علاوه بر اینها قدرت اقدام علیه این موجودات را هم دارد. مثلاً گاهی اوقات خروس ها به ناگاه به سمتی حرکت می کنند با اینکه نه دانه ای در کار است نه می خواهند مرغها را مدیریت کنند. در چنین مواردی احتمالاً بتوانید حمل بر این کنید که می خواهند جن ها را دور کنند. اگر خودتان هم توان دید داشته باشید که فبها المراد. بهر حال بدانید که خروس افضل حیوانات در فراری دادن جن های کافر و شیاطین است. اما کبوتر توان ضربه زدن ندارد و فقط می تواند دور کند. جدای از این دو مورد اسب ها هم چنین خاصیتی دارند^{۱۰۵}. امام صادق علیه السلام می فرماید اگر امکانات داشتید برای خروس ها یک انیس (مرغ) هم قرار دهید. به نظرم اگر نگهداری کبوتر در خانه ها رواج پیدا کند بخش عمده ای از این مسائل حل خواهد شد. پس تدبیر اول استفاده و نگهداری حیوانات خانگی است.

۳/۲/۲. تدابیر مربوط به استفاده از مواد خوراکی مانند سیب، گوشت شتر، سرکه و نمک طبیعی

تدبیر دوم استفاده از مواد خوراکی برای مواجهه با این موجودات است. اگر بعضی از غذاها را بخورید این ها از شما دور می شوند و تمایل چندانی به نزدیک شدن به شما پیدا نمی کنند. در رأس غذاهایی که این ها را دور می کند میوه سیب^{۱۰۶} است که به معنای واقعی کلمه انسان را ضد سحر می کند. توجه کنید اگر طرح تخصصی این مباحث موجب ترس مردم شود، [به صورت صریح] وارد بحث نشوید اما سعی کنید این اشیاء از جمله سیب را رواج دهید که اثر خودش را بگذارد. به جز سیب مصرف گوشت شتر است. این گوشت را وارد سبد غذایی خودتان نکنید چرا

^{۱۰۵}. ارجاع پژوهشی: عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْخَيْلُ مَعْقُودَةٌ فِي نَوَاصِيهَا الْخَيْرُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

عمر بن ابان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: در پیشانی های اسبان، خیر و نیکی تا روز قیامت بسته شده است.

مصدر: المحاسن ج ۲ ص ۶۳۱ / الکافی ج ۵ ص ۴۸

دیگر منابع: الوافی ج ۲۰ ص ۸۲۰ / وسائل الشیعة ج ۱۱ ص ۴۶۷ / بحار الأنوار ج ۶۱ ص ۱۵۹

^{۱۰۶}. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: مَا أَعْرِفُ لِلسُّمُومِ دَوَاءً أَفْعَمَ مِنْ سَوِيْقِ الثَّقَّاحِ.

راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

دوایی نمی شناسم که از سویق سیب برای سموم و زهرها مفیدتر باشد.

مصدر: الکافی ج ۶ ص ۳۵۶

دیگر منابع: الوافی ج ۱۹ ص ۳۹۷ / وسائل الشیعة ج ۲۵ ص ۱۶۴ / الفصول المهمة ج ۳ ص ۱۰۹

که خاصیت ضد سحر و شیاطین دارد^{۱۰۷}. ملحق به این دو مورد می توان از سرکه^{۱۰۸} و نمک طبیعی^{۱۰۹} دست کاری نشده هم استفاده کرد. آنهایی که اهل تجربه هستند می دانند که این موجودات از بوی سرکه فراری اند. البته توجه کنید که سرکه حتما در ظرف شیشه ای باشد نه پلاستیکی و فلزی. حتی برای در ظرف سرکه هم از چوب استفاده کنید.

^{۱۰۷}. ارجاع پژوهشی: الْفِرْدَوْسِ عَنْ مُعَاذِ بْنِ مَعَاذٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: عَلَيْكُمْ بِأَكْلِ لُحُومِ الْإِبِلِ فَإِنَّهُ لَا يَأْكُلُ لُحُومَهَا إِلَّا كُلُّ مُؤْمِنٍ مُخَالِفٍ لِلْيَهُودِ أَعْدَاءِ اللَّهِ.

از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله): بر شما باد بخوردن گوشت شتر که جز مؤمن مخالف یهود آن را نمی خورد.

مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۱۶۰ / بحار الأنوار ج ۶۳ ص ۷۴

^{۱۰۸}. ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدِ بْنِ أَبِي عُبَيْدٍ الْبُقَطِينِيُّ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَنْ يَتَمَاءَةَ بَابٍ مِمَّا يُضِلُّحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ... نِعْمَ الْإِدَامُ الْخَلُّ يَكْسِرُ الْمِرَّةَ وَ يُحْيِي الْقَلْبَ.

-محمد بن مسلم از امام صادق (علیه السلام) از پدر بزرگوارش از جدش نقل می کند که امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در یک مجلس چهار صد درس از مواردی که کار دین و دنیای یک مسلمان را اصلاح می کند به یارانش آموخت: فرمود... چه خورشخت خوبی است سرکه، مره را درمان و قلب را زنده می کند.

مصدر: الخصال ج ۲ ص ۶۱۰ / تحف العقول ج ۱ ص ۱۰۰

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۱۰ ص ۸۹

صَحِيفَةُ الرِّضَا، عَلَيْهِ السَّلَامُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نِعْمَ الْإِدَامُ الْخَلُّ وَ لَنْ يُفْتَقِرَ أَهْلُ بَيْتِ عِنْدَهُمُ الْخَلُّ.

باین اسناد گوید رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود خوب نان خورشی است سرکه و هر اهل خانه که سرکه نزد ایشان باشد محتاج نشوند.

مصدر: عيون الأخبار ج ۲ ص ۳۴ / صحيفه الرضا عليه السلام ج ۱ ص ۵۰

دیگر منابع: وسائل الشیعة ج ۲۵ ص ۲۳ / بحار الأنوار ج ۶۳ ص ۳۰۵ / مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۳۶۳

^{۱۰۹}. ارجاع پژوهشی: وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَيِّدُ إِدَامِكُمُ الْمَلْحُ.

از پیامبر صلوات الله علیه: برترین خورش شما نمک است.

طب النبي صلى الله عليه و آله ج ۱ ص ۲۳ / بحار الأنوار ج ۵۹ ص ۲۹۳ / مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۳۱۱

نَه عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ سَعْدِ الْإِسْكَافِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ فِي الْمَلْحِ شِفَاءً مِنْ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنَ الْأَوْجَاعِ ثُمَّ قَالَ لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمَلْحِ مَا تَدَاوَوْا إِلَّا بِهِ.

سعد اسکاف گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: همانا که در نمک شفا و بهبودی از هفتاد بیماری است. یا فرمود: شفای از هفتاد نوع از انواع دردهاست. سپس فرمود: اگر مردم می دانستند نمک چه خواصی دارد، جز با آن مداوا نمی نمودند.

مصدر: المحاسن ج ۲ ص ۵۹۰ / الكافي ج ۶ ص ۳۲۶

دیگر منابع: الوافي ج ۱۹ ص ۳۱۹ / وسائل الشیعة ج ۲۵ ص ۸۲ / الفصول المهمة ج ۳ ص ۷۴ / بحار الأنوار ج ۶۳ ص ۳۹۴

۳/۲/۳. تدابیر مربوط به استفاده نکردن از غذای جن ها مانند تمیز نکردن کامل گوشت استخوان ها در غذا

تدبیر دیگری که ملحق به همین بخش خوراکی هاست این است که غذای جن ها را نخوریم. به هر حال خدای متعال هر موجودی را خلق کرده است برایش رزقی هم قرار داده است^{۱۱۰}. یعنی این پرسش که جن ها چه چیزی می خورند سؤال عجیبی نیست. این موجودات بخورات خاصی را می خورند و به چربی های مختلف هم خیلی علاقه دارند، چه چربی های حیوانی چه چربی هایی که از بدن انسان خارج می شود. به همین دلیل است که فقهای عظیم الشان شیعه در رساله های عملیه گفته اند که خوردن استخوان^{۱۱۱} و پاک کردن کامل آن کراهت دارد^{۱۱۲}.

^{۱۱۰} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره هود آیه ۶: وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ. هیچ جنبه ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خدا است، او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می داند، همه اینها در کتاب آشکاری (لوح محفوظ علم خداوند) ثبت است.

^{۱۱۱} ارجاع پژوهشی: وَفَدَّ الْجَانُّ جَاءُوا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنَعْنَا فَأَعْطَاهُمْ الرِّزْقَ وَالْعَظْمَ. جمعی از جن خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدند و تقاضای کمک کردند، حضرت بآنها فرمود: شما میتوانید از سرگینها و استخوانها استفاده کنید.

مصدر: من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۳۰

دیگر منابع: الوافی ج ۶ ص ۱۳۰ / وسائل الشیعة ج ۱ ص ۳۵۸ / بحار الأنوار ج ۶ ص ۷۲

^{۱۱۲} ارجاع پرورشی: مسأله ۲۶۴۶- چند چیز در غذا خوردن مکروه است: اول: در حال سیری غذا خوردن. دوم: پر خوردن و در خبر است که خداوند عالم بیشتر از هر چیز از شکم پر بدش می آید. سوم: نگاه کردن به صورت دیگران در موقع غذا خوردن. چهارم: خوردن غذای گرم. پنجم: فوت کردن چیزی که می خورد یا می آشامد. ششم: بعد از گذاشتن نان در سفره، منتظر چیز دیگر شدن. هفتم: پاره کردن نان با کارد. هشتم: گذاشتن نان زیر ظرف غذا. نهم: پاک کردن گوشتی که به استخوان چسبیده به طوری که چیزی در آن نماند. دهم: پوست کندن میوه. یازدهم: دور انداختن میوه پیش از آن که کاملاً آن را بخورد.

رساله توضیح المسائل آیه الله العظمی بروجردی با حواشی امام خمینی (س) ص ۵۳۹

موارد مکروه هنگام خوردن

- ۱- غذا خوردن در حال سیری.
- ۲- پرخوری، در روایت است که خداوند بیش از هر چیز از شکم پر بدش می آید.
- ۳- نگاه کردن به صورت دیگران هنگام غذا خوردن.
- ۴- خوردن خوراکی داغ.
- ۵- فوت کردن خوراکی داغ.
- ۶- با وجود نان، منتظر غذای دیگر بودن.
- ۷- تکه کردن نان با کارد و امثال آن.
- ۸- گذاشتن ظرف غذا روی نان.
- ۹- پاک کردن کامل گوشت از استخوان.
- ۱۰- پوست کندن میوه.
- ۱۱- دور انداختن باقی مانده میوه.

۱/۳/۲/۳. آتش نزدن بعضی از گیاهان کوهی مورد علاقه جن ها

۲/۳/۲/۳. استفاده نکردن از خوراکی های حاوی استخوان و پودر آن مانند ژله ها، پاستیل ها و انواع سوسیس و کالباس

در میان انسان ها و حیوانات نیز به همین شکل است که اگر غذای دیگری را بخورید مشکل ساز می شود. این نکته که عرض می کنم جزء تجربه هاست: اگر شما گیاهان کوهی را بشناسید، بعضی از آنها غذای جن ها هستند. اگر به اشتباه آنها را بکنید یا آتش بزیند برایتان مشکل ساز خواهد شد. مثلاً ممکن است شما را با سنگ بزیند. این علم ها نزد ما باید باشد. بنابراین وقتی کوه می روید آتش روشن نکنید چرا که نمی دانید چه گیاهانی در اطراف شما وجود دارد. آتش روشن کردن مثل این است که مخزن غذای آنها را آتش بزیند. حتماً وقتی کوه می روید و آتش روشن می کنید مواظبت کنید که در مکان آتش فقط خاک باشد، بویژه در دامنه کوهها و دهانه غارها که بیشتر محل رویش آن گیاهان است. اضافه بر اینها تلاش کنید اقلامی مانند ژله، پاستیل و شیرینی هایی که اخیراً برای امور تزئینی بسیار مورد استفاده هستند هم نخورید، چون ماده اولیه اینها پودر استخوان است^{۱۱۳}. حتی بعضی از دوستان

منبع: پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری

<https://www.leader.ir/fa/content/23821>

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْهَيْثَمِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: صَنَعَ لَنَا أَبُو حَمْرَةَ طَعَامًا وَ تَخُنَّ جَمَاعَةٌ فَلَمَّا حَضَرْنَا رَأَى رَجُلًا يُنْهَكُ عَظْمًا فَصَاحَ بِهِ فَقَالَ لَا تَفْعَلْ فَإِنِّي سَمِعْتُ عَلِيًّا بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ لَا تَتَهَكَّؤُا الْعِظَامَ فَإِنَّ فِيهَا لِلْجِنِّ نَصِيبًا وَإِنْ فَعَلْتُمْ ذَهَبَ مِنَ الْبَيْتِ مَا هُوَ خَيْرٌ مِنْ ذَلِكَ.

همیشه گوید: ابو حمزه برای گروهی از ما غذایی تهیه نمود، هنگامی که کنار سفره حاضر شدیم، ابو حمزه دید یکی از حاضران استخوان را پاك می کند و می خورد فریاد زد و گفت: استخوانها را پاك نکن؛ زیرا از امام سجّاد علیه السلام شنیدم که می فرمود: استخوانها را پاك نکنید؛ چرا که در آن برای جنیان سهمی است و اگر چنین کنید چیزی از خانه شما خواهد رفت که بهتر از آن (استخوان) است.

مصدر: المحاسن ج ۲ ص ۴۷۲ / الکافی ج ۶ ص ۳۲۲ / من لا یحضره الفقیه ج ۳ ص ۳۵۰

دیگر منابع: الوافی ج ۲۰ ص ۴۸۷ / بحار الأنوار ج ۶۳ ص ۴۲۶ / مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۳۰۹

^{۱۱۳}. ارجاع پردازشی: از وقتی که اهمیت ژلاتین در صنایع مختلف آشکار گردید تحقیقات وسیعی در زمینه استخراج ژلاتین شرایط بهینه عملیاتی و همچنین ارائه مدل های مناسب ریاضی که پارامترهای موثر بر آن را نشان می دهد، انجام شده است. ضرورت انجام تحقیق در این زمینه اهمیت کاربردهای روزافزون ژلاتین در صنایع مختلف می باشد. در این تحقیق در ابتدا دو روش اسیدی و قلیایی در تولید ژلاتین استفاده شد. در روش اسیدی ژلاتین استخراج شده دارای ویسکوزیته کمتری نسبت به حالت قلیایی می باشد ولی مدت زمان مورد نیاز برای فرآیند تولید به روش اسیدی بسیار کمتر از روش قلیایی است. در ادامه مدلی مناسب برای استخراج از پودر استخوان ارائه شد. مرحله محدود کننده واکنش در اینجا با توجه به مقایسه داده های آزمایشگاهی و محاسباتی مرحله شیمیایی است. همچنین اندازه ذرات زیر ۲ سانتی متر برای استخراج قابل توصیه است ولی ذرات بزرگتر از آن باعث افت بازده استخراج می شوند. از نتایج دیگری که از مقایسه دو مدل موجود گرفته شد این است که استخراج ژلاتین از اسئین بسیار راحتتر از استخراج از استخوان سخت می باشند. در نهایت نیز تاثیر پارامترهای دما، PH و غلظت را بر شرایط رئولوژیکی از قبیل ویسکوزیته و قدرت ژل بررسی می کنیم. و اثر آنها را بر فرآیند و شرایط استخراج می بینیم.

احمد ترابی اروجه، پایان نامه دکترای تخصصی با موضوع: بررسی فرآیند استخراج ژلاتین از پودر استخوان و ارائه مدل مناسب استخراج آن

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه تهران - ۱۳۸۰ - [دکترای تخصصی]

منبع: پایگاه تخصصی علم نت، جست و جو در بیش از پنج میلیون مقاله

گزارشهایی به بنده داده اند که در بعضی از دامداری ها هم پودر استخوان به گاو، گوسفندان و مرغها می دهند که این هم باز ایجاد مشکل می کند^{۱۱۴}. به صورت کلی بدانید که استخوان و چربی ها غذای آنهاست. یا درباره سوسیس و کالباس هم شنیده ام که کل حیوان را تبدیل به این محصولات می کنند^{۱۱۵}. بنابراین این اقلام هم حاوی غذای

<https://elmnet.ir/doc/10224869-31671>

در همین زمینه می توانید به مقالات متعددی که در این پایگاه وجود دارد مراجعه فرمایید:

۱. بهینه سازی استخراج آنزیمی ژلاتین خوراکی از استخوان گاو با استفاده از روش سطح پاسخ (RSM)
 ۲. بهینه سازی فرآیند استخراج ژلاتین از غضروف کوسه ماهی چانه سفید (*Carcharhinus dussumieri*)
 ۳. شرایط بهینه استخراج ژلاتین خوراکی از استخوان گاو به روش اسیدی با استفاده از رگرسیون سطوح پاسخ RSREG
- ^{۱۱۴}. ارجاع پردازشی: پودر استخوان دامی به شرح زیر تعریف می شود: به پودر هایی یک دست و خوش طعم که از استخوان های انواع دام کشتارگاهی تولید می شوند پودر استخوان گفته می شود. این محصول معمولاً دارای رنگ کرمی روشن است و به روش های مختلف و با کیفیت های گوناگون تولید و روانه بازار می شود. انواع مختلف این محصول عبارتند از: پودر استخوان دامی، پودر استخوان مرغی، پودر استخوان ماهی، پودر استخوان گاو. پودر استخوان از استخوان های دام و طیور که در کشتارگاه ها جمع آوری می گردد، تهیه می شود. این استخوان ها در کارخانه های مخصوص در دیگ های بزرگ ریخته شده و ابتدا آنها را می جوشانند تا گوشت های متصل به استخوان جدا و استخوان ها تمیز شوند و در نهایت استخوان ها را خرد و در مرحله آخر آسیاب و تبدیل به پودر می کنند. در زمان آب پز کردن استخوان ها باید با حرارت بالایی این کار صورت گیرد، تا تمام بیماری ها احتمالی و حتی باکتری های موجود در آن ها از بین برود.

منبع: پایگاه تخصصی جهان شیمی

<https://www.jahaneshimi.com/19078>

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی وزارت جهاد کشاورزی، آیت الله سید ابراهیم رئیسی رئیس جمهور به همراه سید جواد ساداتی نژاد وزیر جهاد کشاورزی در جریان سفر استانی هیات دولت به استان چهارمحال و بختیاری، از کشتارگاه صنعتی جوتقان بازدید کرد. گفتنی است؛ پروژه کشتارگاه صنعتی جوتقان از سال ۱۳۶۸ آغاز و در سال ۱۳۷۸ به صورت موقت به بهره برداری رسید و سپس در سال ۱۳۸۱ کار خود را رسماً آغاز کرد. نحوه تامین آب این مجتمع از طریق چاه به عمق ۸۰ متر و ظرفیت بهره برداری ۱۰ لیتر در ثانیه را دارد، همچنین ظرفیت اسمی کشتار ۲۰۰۰ راس دام سبک و ۲۰۰ راس دام سنگین است. ظرفیت بسته بندی سالیانه ۵۴۰۰ تن، ظرفیت سردخانه حدود ۶۰۰ تن، ظرفیت انبار نهاده های دامی حدود ۹۰۰۰ تن در ۴ باب سالن، ظرفیت تبدیل ضایعات، پودر خون ۱۰۰ تن در سال، پودر گوشت ۵۵ تن در سال، پودر استخوان در مواقع مقتضی را دارد.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی دولت

<https://dolat.ir/detail/388857>

^{۱۱۵}. ارجاع پردازشی: رئیس سازمان غذا و دارو اعلام کرد استفاده از استخوان و مواد زائد مرغ به شکل خمیر مرغ در تولید سوسیس و کالباس ممنوع است و مرغ کامل باید جایگزین آن شود. به گزارش گروه رسانه های خبرگزاری تسنیم، رسول دیناروند در گفت و گو با فارس از توقف استفاده از خمیر مرغ در فرآورده های گوشتی خبر داد. وی با اعلام اینکه استفاده از خمیر مرغ به طور کامل منتفی شده است خاطر نشان کرد: تولیدکنندگان فرآورده های غذایی دیگر اجازه استفاده از استخوان ها و مواد زائد مرغ را که از مرغ فروشی ها تهیه می شد ندارند. رئیس سازمان غذا و دارو ادامه داد: طبق هماهنگی ها با دامپزشکی و سازمان استاندارد مقرر شد، از مرغ کامل در تهیه سوسیس و کالباس استفاده شود. وی افزود: تولیدکنندگان فرآورده های گوشتی موظف شدند، مرغ را به طور کامل از کشتارگاه های مورد تأیید دامپزشکی تهیه کنند و دیگر نمی توانند مانند قبل از استخوان و مواد زائد مرغ در تهیه سوسیس و کالباس استفاده کنند.

اجنه است و این موارد را باید مورد دقت و بررسی قرار داد که گرفتار مشکل نشویم. الان چرا والدین برای بچه ها پاستیل می خرنند؟ چرا برای کودکان تان ژله تهیه می کنید؟ اینها ممکن احتمال جذب جن را افزایش دهد. پس این هم یک سرفصل مهم در عرصه غذا و مواد غذایی.

۳/۲/۴. تدابیر مربوط به استفاده نکردن از اشیای مورد علاقه جن ها مانند آهن، آب و الکل

۳/۲/۴/۱. آهن زینت جن ها در دنیا و بسیار مورد علاقه آنهاست

۳/۲/۴/۲. حذف تدریجی ظروف آهنی و استیل در خانه

۳/۲/۴/۳. جایگزینی قوس باربر در معماری به جای اسکلت فلزی

عنوان بحثی دیگر حذف اشیاء مورد علاقه جن ها در محیط زندگی مان است. البته ممکن است در دوران مدرنیته حذف کامل آن اشیاء ممکن نباشد، پس حداقل برای کم کردن میزان استفاده تلاش کنید. دو شیء مورد علاقه فراوان آنهاست: اولاً آهن^{۱۶} و ثانیاً آب. اساساً خدای متعال آهن را در مرحله اول برای رفع نیاز جن ها خلق کرده است. از طرف دیگر چون از آتش هستند به آب هم به خاطر خنکی علاقه زیادی دارند. بنابراین وقتی خانه می سازید یا مشغول مدیریت زندگی هستید، بدانید که مکان های تر و مرطوب خانه بیشتر محل رفت و آمد آنهاست. همین طور جاهایی که آهن بیشتر باشد آنها هم بیشتر جذب می شوند. بنابراین در زندگی تان سعی کنید ابتدا از

منبع: خبرگزاری تسنیم

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/09/07/929046>

^{۱۶}. ارجاع پژوهشی: حَمْدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ رَجُلٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ مُوسَى بْنِ أَكْبِيلِ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «فِي الْحَدِيدِ أَنَّهُ حَلِيَّةُ أَهْلِ النَّارِ وَالذَّهَبُ حَلِيَّةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَجَعَلَ اللَّهُ الذَّهَبَ فِي الدُّنْيَا زِينَةَ النَّسَاءِ فَحَرَّمَ عَلَى الرَّجَالِ لُبْسَهُ وَالصَّلَاةَ فِيهِ وَجَعَلَ اللَّهُ الْحَدِيدَ فِي الدُّنْيَا زِينَةَ الْجِنِّ وَالشَّيَاطِينِ فَحَرَّمَ عَلَى الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَلْبَسَهُ فِي الصَّلَاةِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ قِبَالَ عَدُوٍّ فَلَا بَأْسَ بِهِ» قَالَ قُلْتُ لَهُ فَالرَّجُلُ فِي السَّفَرِ يَكُونُ مَعَهُ السَّكِّينُ فِي حُفِّهِ لَا يَسْتَعْنِي عَنْهُ أَوْ فِي سَرَاوِيلِهِ مَشْدُوداً وَالْمِفْتَاحُ يَخْشَى إِنْ وَضَعَهُ ضَاعَ أَوْ يَكُونُ فِي وَسْطِهِ الْمُنْطَقَةُ مِنْ حَدِيدٍ قَالَ «لَا بَأْسَ بِالسَّكِّينِ وَالْمُنْطَقَةِ لِلْمَسَافِرِ أَوْ فِي وَقْتِ ضَرُورَةٍ وَكَذَلِكَ الْمِفْتَاحُ إِذَا خَافَ الصَّيْغَةَ وَالنَّسِيَانَ وَلَا بَأْسَ بِالسَّيْفِ وَكُلِّ آلَةِ السَّلَاحِ فِي الْحَرْبِ وَفِي غَيْرِ ذَلِكَ لَا يَجُوزُ الصَّلَاةُ فِي شَيْءٍ مِنَ الْحَدِيدِ فَإِنَّهُ نَجَسٌ مَمْسُوعٌ».

از امام صادق علیه السلام درباره آهن پرسیدم فرمودند: آهن زینت اهالی آتش است همانطور که طلا زینت و پوشش بهشتیان است. خداوند متعال طلا را در دنیا زینت زنان قرار داده است و آنرا بر مردان حرام کرده است. همینطور نماز خواندن در صورتی که طلا همراه فرد باشد. خداند متعال آهن را در دنیا زینت جنیان و شیاطین قرار داده است. پرسیدم: شخصی در سفر و (در حال نماز) کاردی به همراه دارد که در کفش اوست و بدان نیاز دارد، یا آن را به شلوار خود بسته است، کلیدی همراه اوست که می ترسد، گم شود، یا کمربندی دارد که آهن در آن به کار رفته است (حکمش چیست؟) فرمود: به همراه داشتن کارد و کمربند برای مسافر از روی ضرورت، یا کلیدی که از گم شدنش می ترسد، یا از روی فراموشی چنین چیزهایی همراه اوست، اشکال ندارد. هم چنین به همراه داشتن شمشیر و هر سلاح جنگی ایرادی ندارد، اما در غیر این موارد، نماز خواندن با هر چیزی آهنی (که به همراه نمازگزار باشد) جایز نیست؛ زیرا آهن نجس است که مسخ شده و از صورت اصلی خود بیرون آمده است.

مصدر: الکافی ج ۳ ص ۴۰۰ / تهذیب الأحکام ج ۲ ص ۲۲۷

دیگر منابع: وسائل الشیعة ج ۴ ص ۴۱۹ / الوافی ج ۷ ص ۴۲۷

ظروف خانه بویژه ظرفهای آشپزی (قاشق ها، بشقاب ها، کاسه ها) و از همه مهم تر ظرفهایی که برای درست کردن چای (قوری، کتری، سماور ...) هستند آهن زدایی را شروع کنید. استیل هم ملحق به آهن است، حداقل هفتاد درصد آن آهنی است.

جدای از این در مباحث معماری عرض کرده ایم که آهن باید از معماری هم حذف شود و اساساً اهمیت "قوس" در ساختمان سازی به حذف آهن است. اگر کسی بتواند قوس های باربر^{۱۷} را بسازد، می تواند بدون استفاده از اسکلت فلزی بار ساختمان را به زمین منتقل کند. ساخت قوس از باب لزوم حذف آهن واجب می شود یا اگر گفتید حذف آهن مستحب است، پس ساخت قوس هم مستحب می شود. پس باید به سمتی برویم که ساختمان هایی با آهن کمتر بسازیم و به مرور هم آهن را به صورت کامل حذف کنیم.

۳/۲/۵. جداسازی بخشهای مرطوب خانه مانند حمام و سرویس بهداشتی از نقاط خشک مانند پذیرایی در معماری ساختمان

بنده بحثم را جمع بندی کنم: راههای مقابله با مس جن را در این عرصه ها بیان کردیم: استفاده از بعضی از حیوانات، استفاده از بعضی غذاها، عدم استفاده از اشیای مورد علاقه آنها در محیط زندگی خودمان. درباره آب باید ساختمان را دو بخشی بسازیم. حمام، آشپزخانه و دستشویی که آب دارند باید یک طرف باشند و دیگر بخشهای خشک خانه

^{۱۷} ارجاع پرورشی: قوس (یا چفته یا چفد یا چفت) سازه ای منحنی شکل در معماری است؛ که بر روی دهانه ها به منظور کاربردهای گوناگون پوششی ساخته می شود. این کاربردها می تواند طاق و گنبد باشد یا سازه های دیگری همچون پل یا طاق نصرت یا زهکشی آب. چفدها همواره از نگاه ریخت شناسی به سه شکل کلی ساخته شده اند: مازهدار و تیزهدار و چندوجهی. با این حال آنچه بیشتر کارایی باربری داشته است معمولاً قوس های تیزهدار و مازهدار بوده است.

چفته ها به دو دسته کلی باربر و ناباربر تقسیم می شوند:

چفدهای باربر

چفدهای باربر گروهی هستند که از تکرارشان طاق های باربر و از دورانشان گنبد های وسیع به وجود می آیند. در ایران بعد از اسلام این چفدها تا دهانه های بالاتر از ۱۶ گز را نیز در بر گرفته اند (گز کوچک = ۹۴ سانتی متر و گز سلطانی = ۱۰۶/۶ سانتی متر) و همان طور که از نامشان پیداست، قادرند بارهای وارده را بر خود به خوبی تحمل کنند.

انواع چفدهای باربر: چفد پنج اوهفت، شبدر یا شبدری، بیز یا هلوچین، بستو (کوزه = بستو)، چفد سروک

چفدهای ناباربر

این گونه چفدها بارهای وارد بر خود را تحمل نکرده، لذا بیشتر جنبه آمودی دارند یا در دهانه های کوچک (حداکثر تا ۳ گز) بکار رفته اند و دلایل انتخاب آنها زیبایی، و سادگی آنهاست و اگر در بعضی نقاط به عنوان قوس باربر اجرا گشته اند، اغلب شکسته و خطراتی تولید کرده اند.

شیوه های معماری ایران، غلامحسین معاریان / کیانی، محمد یوسف، معماری ایران دوره اسلامی، انتشارات سمت، ۱۳۸۵

در طرف دیگر^{۱۱۸}. حتما دیده آید که آقایان فقها چقدر فنی فرموده اند. می گویند نوشیدن آبی که شب مانده است کراهت دارد^{۱۱۹}. چون آب شب مانده بویژه اگر رویش باز هم باشد احتمال مس جن در آن می رود. احکام اسلامی به این شکل دقیق و پر حکمت است. بنده در خاطرات حضرت امام خمینی ره خوانده ام که اگر ایشان لیوان آبی کنارشان بود، یک کاغذ یا درپوش برایش می گذاشتند^{۱۲۰}. رعایت این احکام باعث می شود که گرفتار اختلاط زندگی انسان و جن نشوید. آخرین نکته ای که می خواهم عرض کنم شناخت زمانهای رفت و آمد جن هاست. در روایت دارد که روز برای کار و فعالیت انسان است^{۱۲۱} و شب را برای کار و حرکت جن ها قرار داده اند. کلا فعالیت

^{۱۱۸}. ارجاع پژوهشی: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ أَتَاهُ رَجُلٌ فَشَكَاَ إِلَيْهِ فَقَالَ أَمَّا جُنَّتَا الْجِنُّ مِنْ مَنَازِلِنَا يَعْني عُمَارَ مَنَازِلِهِمْ فَقَالَ اجْعَلُوا سُوقَ بُيُوتِكُمْ سَبْعَةَ أَذْوَعٍ وَ اجْعَلُوا الْحَمَامَ فِي أَكْتَافِ الدَّارِ قَالَ الرَّجُلُ فَفَعَلْنَا فَمَا رَأَيْنَا شَيْئاً نَكْرَهُهُ.

از حضرت باقر (علیه السلام): مردی بنزد وی بشکایت آمد که جن ما را از خانه هایمان بیرون رانده، فرمود: سقف خانه ها را هفت ذراع کنید، و حمام را در گوشه خانه (دور از خانه) بسازید، آن مرد گوید چنین کردیم و دیگر چیزی که ناراحت کننده باشد ندیدیم.

مصدر: المحاسن ج ۲ ص ۶۰۹ / الکافی ج ۶ ص ۵۲۹

دیگر منابع: مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۱۲۸ / بحار الأنوار ج ۶ ص ۷۴ / مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۴۵۴ / الوافی ج ۲ ص ۷۹۴

^{۱۱۹}. ارجاع پژوهشی: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ إِغْلَاقِ الْأَبْوَابِ وَ إِيْكَاءِ الْأَوَانِي وَ إِطْفَاءِ السَّرَاحِ فَقَالَ أَغْلِقْ بَابَكَ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَفْتَحُ بَاباً وَ أَطْفِئِ السَّرَاحَ مِنَ الْفُوَيْسِقَةِ وَ هِيَ الْفَأْرَةُ لَا تُحْرِقُ تَيْتَكَ وَ أَوْلِكَ الْإِنَاءِ.

سماعه گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: به هنگام خوابیدن، بستن درب خانه، سرپوش نهادن بر ظرف غذا و خاموش کردن مشعل لازم است؟ فرمود: درب خانه را قفل کن که شیطان قفل را نمی گشاید، چراغ نفتی و مشعل روغنی را خاموش کن تا فاسقک، یعنی موش خانگی، خانه را به آتش نکشاند و بر ظرف غذا سرپوش بگذارد که شیطان نتواند به غذا دستبرد بزند.

مصدر: الکافی ج ۶ ص ۵۳۲

دیگر منابع: الوافی ج ۲ ص ۸۱۴ / وسائل الشیعة ج ۵ ص ۳۲۳ / مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۱۲۸

^{۱۲۰}. ارجاع پرورشی: حضرت امام در طول شبانه روز هر چند ساعت یکبار قرص می خوردند. ما لیوان را پر از آب می کردیم و به ایشان می دادیم تا قرصشان رامیل کنند. ایشان قرصشان را با مقداری از آب لیوان می خوردند و باقیمانده آب را دور نمی ریختند بلکه کاغذی روی آن می گذاشتند تا گرد و غبار به داخل لیوان وارد نشود و دقیقی و ساعاتی بعد که می خواستند قرص بخورند همان آب لیوان را می خوردند.

کتاب خاطرات خادمان و پاسداران امام خمینی ص ۱۲

منبع: پایگاه اطلاع رسانی پرتال جامع امام خمینی ره

http://www.imam-khomeini.ir/fa/c78_67706

^{۱۲۱}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره فرقان آیه ۴۷: وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا
او کسی است که شب را برای شما لباس قرار داد و روز را مایه حرکت و حیات.

ابن عباس (وَ جَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا فَالنُّشُورُ بِمَعْنَى التَّفَرُّقِ لِاتِّبَاعِ الرِّزْقِ).

ابن عباس (وَ جَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا نُشُورًا يَعْنِي تَنَبُّهُ بِيَدَارِي زَنْدِه مَي شُود وَ بَه دَنْبَالِ كَار مَي رُود).

بحار الأنوار، ج ۵۵، ص ۱۳۲

شبانۀ نداشته باشید و در خانه هایتان بخواهید. یکی از آثار منفی زیست شبانه که شهرداری تهران دنبال اجرای آن بود و بعد هم نتوانست آن را اجرایی کند، همین است^{۱۲۲}. الان شما می دانید که زمان فعالیت پرندۀها روز است. اول صبح که بیدار می شوید صدای حرکت و جنب و جوش گنجشک ها و... را می شنوید. جدای از زمان باید مکان های تحرک شان را هم بدانید. مثلاً شب ها در قبرستان بیشتر حضور دارند. بنده گاهی اوقات که به قبرستان های قدیمی می روم آثار حضورشان پیدا است. مثلاً قبرستان "ابودجانه"^{۱۲۳} کرمانشاه که اسمش را "قبرستان علوم غریبه"

^{۱۲۲}. ارجاع پردازی: چندی پیش موضوع تفریحات شبانه و اوقات فراغت مردم تهران در فضاهای عمومی شهر دیگر بار در گروه تخصصی مان مورد بحث قرار گرفت. با آمدن بهار به همراه ماه مبارک رمضان، ایده گردش در شهر بعد از افطار برای خانواده ها و گروه های جوانان فکری است که دلایل ساده خود را دارد: فرصتی برای شادی و نشاط برای شهروندان و کاستن از تنش ها.

به گزارش ایسنا، روزنامه «شرق» نوشت: چندی پیش موضوع تفریحات شبانه و اوقات فراغت مردم تهران در فضاهای عمومی شهر دیگر بار در گروه تخصصی مان مورد بحث قرار گرفت. با آمدن بهار به همراه ماه مبارک رمضان، ایده گردش در شهر بعد از افطار برای خانواده ها و گروه های جوانان فکری است که دلایل ساده خود را دارد: فرصتی برای شادی و نشاط برای شهروندان و کاستن از تنش ها.

دوستان می گویند اگرچه طرح «زیست شبانه» برای شهر تهران از چند سال پیش مورد توجه شورای شهر قرار گرفته بود و انجامش از سوی شهرداری در محلات تهران به نظر بدیهی می رسید، اما موانعی بر سر راه زیست شبانه وجود دارد. می گویند این طرح برای تهران رؤیایی است، زیرا شب ها در شهر امنیت نداریم. پلیس از ساعت ۱۲ به بعد دیگر در خیابان حضور ندارد. حتی پول بنزین برای گشت زنی ندارد و تنها در صورتی که تلفن بزنید، می آیند. بنابراین زیست شبانه می شود پاتوق ارادل و اوباش و جمع کردن آن با مشکل روبه رو خواهد شد.

منبع: خبرگزاری ایسنا

<https://www.isna.ir/news/1402020401614>

^{۱۲۳}. ارجاع پرورشی: سِمَک بن (اوس بن) خَرَشَةَ بن لَوْدَانَ (شهادت ۱۲ق) معروف به اَبودُجانه، از انصار و صحابی پیامبر (ص). او در جنگ های بدر و احد و دیگر غزوات پیامبر (ص) شرکت داشت. وی از معدود اصحابی بود که در جنگ احد به رغم پیشروی و پیروزی قریشیان، از پیامبر (ص) جدا نشد. ابودجانه در جنگ با مسیلمه کذاب به شهادت رسید. ابودجانه، صحابی پیامبر (ص) از انصار و از قبیله بنی ساعده بود. وی در جنگ های بدر و احد و دیگر غزوات پیامبر (ص) شرکت داشت.

پیامبر (ص) در جنگ احد شمشیری به او بخشید. ابودجانه در این جنگ رشادت و پایداری بسیار از خود نشان داد و از معدود صحابی بود که به رغم پیشروی و پیروزی قریشیان، و فرار اکثریت یاران پیامبر (ص) و حتی با پیشنهاد پیامبر و برداشتن بیعت از او جدا نشد. و به همین سبب پیامبر (ص) او را دعا فرمود. براساس برخی گزارش ها ابودجانه دستاری سرخ داشت که آن را در جنگ احد به سر بست و با تکبر بین دو لشکر به راه رفتن و رجزخوانی پرداخت. پیامبر خدا (ص) وقتی خرامیدن او را دید فرمود: «این گونه راه رفتنی است که خداوند آن را مگر در چنین جایگاهی خوش ندارد. در سال ۴ق، پس از پیروزی مسلمانان بر یهودیان بنی نضیر، پیامبر (ص) اموال آنها را میان مهاجران تقسیم کرد و با آنکه انصار از آن سهمی نیافتند، پیامبر (ص) سهمی به ابودجانه و سهل بن حنیف که فقیر بودند بخشید.

پس از رحلت رسول خدا (ص)، ابودجانه در سال ۱۲ق در جنگ یمامه شرکت داشت. هنگامی که پیروان مسیلمه کذاب به باغی پناه برده بودند، وی شجاعانه مسلمانان را به جنگ برانگیخت و بر اثر پایداری و شجاعت او، مسلمانان به درون باغ نفوذ یافتند. گفته اند که وی بر مسیلمه زخم زد و جنگید تا به شهادت رسید. بنابر نقلی دیگر، مسیلمه او را به شهادت رساند. برخی دیگر براین باورند که ابودجانه زنده ماند تا در صفین در رکاب امیرالمؤمنین (ع) حضور یافت.

ابن هشام، السیرة النبویة، ۱۹۳۶م، ج ۲، ص ۳۵۳ / بلاذری، فتوح البلدان، قاهره، ج ۱، ص ۱۱۰ / ابن اثیر، اسد الغابة، ۱۲۸۰ق، ج ۲، ص ۳۵۲ / واقدی، المغازی،

۱۹۶۶م، ج ۱، ص ۷۶ / یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ص ۱۳۰

گذاشته ام برای این بحثها خیلی مفید است^{۱۲۴}. قبرستان واقعا بحثهای فراوانی دارد. مثلاً یکی از مسائل این است که چون قبرستانها خلوت اند بعضیها آنجا قضای حاجت می کنند. این یعنی کثیف کردن محل زندگی اجنه که باعث ایجاد مشکل در زندگی فرد می شود. اینکه مدفوع کردن در قبرستان کراهت شدید دارد برای چیست^{۱۲۵}؟ یک

^{۱۲۴}. ارجاع پرورشی: ایسنا/کرمانشاه برای دیدن این گورستان عجیب باید ۱۵ کیلومتر مانده به شهر سرپل ذهاب وارد جاده‌ای فرعی در سمت راست جاده کرمانشاه به سرپل ذهاب شد که تابلوی "ریجاب" در ورودی آن خودنمایی می کند. جاده را که به سمت شمال آبشار ریجاب و روستای زرده طی کنی، گورستانی سه هکتاری با بناهای جالب در سمت راست جاده دیده می شود که به "مقابر ابودجانه" شهره‌اند. مقابری که شگفتی‌های جالبی در خود دارند، اما چندان معروف نشده‌اند و شاید خیلی از گردشگرانی که برای دیدن آبشار ریجاب و دره اژدها در فاصله ۷۰۰ متری این گورستان می روند، از شوق رسیدن به آن زیبایی‌ها، جذابیت‌های این گورستان و بناهای رازگونه آن را نمی بینند و بی خیال از کنارش رد می شوند.

یک باستان‌شناس کرمانشاهی تعداد گورهایی که داخل این قبرستان تاریخی وجود دارد را حدود ۶۵۰۰ گور اعلام و در این خصوص گفت: در داخل این گورستان هشت بنای آرامگاهی دارای گنبدهای مخروطی با ارتفاع تقریبی ۶/۵ متر و تعدادی سنگ‌های برافراشته (میل) وجود دارد که برخی از آنها ارتفاعشان به سه متر هم می‌رسد.

شهرام علی یاری در گفت و گو با ایسنا افزود: روی برخی از سنگ‌ها نقوش گیاهی، اسلیمی، حیوانی، شمشیر، نیزه و انسان سواره حکاکی شده است. همچنین نقش الهه نیکه (ایزدبانوی پیروزی) که فرشته‌ای بالدار و از خدایان یونان باستان است و نمونه آن روی سر در تاق‌های تاق‌بستان نقش بسته نیز روی برخی از سنگ قبرهای ابودجانه دیده می‌شود.

وی گفت: طبق مطالعاتی که تاکنون روی این گورستان تاریخی صورت گرفته، بناهای آرامگاهی که در آن وجود دارند از اواسط میانه اسلامی تا قرون معاصر هستند و خطوطی که روی اغلب سنگ قبرها حک شده، خط نستعلیق است.

رئیس اداره میراث فرهنگی شهرستان دالاهو در خصوص بناهای هشتمگانه این گورستان هم چنین توضیح داد: هشت بنای آرامگاهی داخل این گورستان را به مقابر ابودجانه یک تا هشت نامگذاری کرده‌اند. طبق مطالعات انجام شده بنظر می‌رسد بنای بزرگ و اصلی منتسب به شخصی به نام ابودجانه است که از یاران پیامبر اکرم (ص) بوده و اکنون آرامگاهش مورد تقدس اهالی این منطقه است.

منبع: خبرگزاری ایسنا

<https://www.isna.ir/news/99091712806>

^{۱۲۵}. ارجاع پرورشی: مکروهات تخلی امور ذیل می باشند: تخلی در راهها؛ چاههای آب؛ زیر درختان دارای میوه؛ توقفگاههای کاروانها و مسافران؛ جلوی در خانه‌ها و مانند آن - همچون مغازه‌ها - که موجب لعن و نفرین مردم می‌گردد؛ روی قبرها و بین آنها؛ عورت را به سمت قرص ماه یا خورشید گرفتن؛ خوردن؛ آشامیدن؛ مسواک زدن؛ طولانی نشستن و سخن گفتن. همچنین بول کردن در حالت ایستاده، رو به باد، از بلندی مانند پشت‌بام، بر زمین سخت، در آب - اعم از راکد و جاری - و در لانه حیوانات مکروه است.

جواهر الکلام ج ۲، ص ۵۹-۷۵

رَوَى حَمَّادُ بْنُ عَمْرٍو وَ أَنَسُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي جَمِيْعًا عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنَّهُ قَالَ لَهُ: «يَا عَلِيُّ! أَوْصِيكَ بِوَصِيَّةٍ فَأَحْفَظْهَا فَلَا تَزَالَ بِخَيْرٍ مَا حَفِظْتَ وَصِيَّتِي يَا عَلِيُّ! لَعَنَ اللَّهُ ثَلَاثَةَ أَكِلَ زَادِهِ وَحَدَهُ وَ زَاكِبِ الْفَلَاةِ وَحَدَهُ وَ الْأَنَامِ فِي بَيْتِ وَحَدَهُ يَا عَلِيُّ! ثَلَاثَةٌ يَتَخَوَّفُ مِنْهُنَّ الْجُنُونُ التَّغَوُّطُ بَيْنَ الْقُبُورِ وَ الْمَشْيُ فِي حُفِّ وَاحِدٍ وَ الرَّجُلُ يَتَأَمُّ وَحَدَهُ.

از حضرت آقا رسول الله به حضرت آقا امیرالمؤمنین علیهما السلام: وصیتهایی به تو می‌کنم که تا زمانی که آنها را حفظ کنی بر خیر خواهی بود... بدان که خداوند متعال سه نفر را لعن کرده است: کسی که تنهایی غذا بخورد، کسی که تنهایی در بیابان به سفر رود و کسی که تنهایی در خانه بخوابد. یا علی بر سه کس بیم دیوانگی و جنون می‌رود: کسی که بین قبرهای قبرستان قضای حاجت کند، کسی که با یک کفش راه رود و کسی که تنهایی در خانه بخوابد.

بخش آن حرمت قبور است اما حیث دیگرش همین مباحث علوم غریبه ای است. اینها مجموعاً تدابیری بود که به مقتضای وقت عرض کردم.

حال اگر کسی مبتلا شد چگونه علاج کند؟ باید عرض کنم که نمی توان از نسخه واحدی سخن گفت و بستگی به نوع ابتلاء دارد. بعضی از تدابیر خاص است و قابل عنوان عمومی نیست اما بعضی ها را می توان گفت. مثلاً اگر کسی مبتلای به سحر شد، سیب را زیاد مصرف کند. هفت عدد خرماى عجوه ی ناشتا هم در شفای از سحر بسیار مؤثر است^{۱۶۶}. این اجمالی بود از اینکه چگونه با پدیده مس جن در مسجد و محله مواجه شویم. بنده در این جلسه سه نکته را عرض کردم: اولاً معرفت انسان را نسبت به جن ها افزایش بدهیم که در این زمینه به دو روایت اشاره کردیم: جن ها گرفتار جهالت هستند و اینکه غیب هم نمی دانند. گفتیم توجه به این دو نکته باعث کاهش انگیزه مردم برای ارتباط گیری با این موجودات می شود. چون جاهلند ارتباط با آنها هم ضربات و ضررهای مختلفی برایتان خواهند داشت. مانند شیر درنده ای که ممکن است انسان را به عنوان یک وعده ی غذایی میل کند و شما رغبتی برای نزدیک شدن به آن ندارید. اما نکته اینجاست که ما شیر و خطرات آن را می دانیم اما ممکن است که شیاطین و اجنه خودشان را به عنوان عالمان آگاه به غیب در ذهن ما تثبیت کرده باشند، برای همین باید مردم را نسبت به حقیقت آنها آگاه کنید.

سرفصل دوم تدابیر اسم پایه و سرفصل سوم هم تدابیر شیء پایه است. در تدابیر شیء پایه اهم بحث را توضیح دادیم. اینکه از حیوانات خانگی ضد جن استفاده کنید، غذاهای ضد جن مصرف کنید و غذاهای آنها را هم نخورید. عرض کردیم چربی استخوان را نخورید که آقایان فقها هم گفته اند. این را بدانید کلمات فقهای ما خیلی عمیق است اما متأسفانه درباره اش مباحثه نمی شود. مثلاً می گویند وقتی می خواهید وضو بگیرید استنشاق کنید^{۱۶۷}. دلیلش

مصدر: من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۵۲

دیگر منابع: مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۴۳۳ / الوافی ج ۲۶ ص ۱۶۸ / بحار الأنوار ج ۷۴ ص ۴۶

^{۱۶۶} . ارجاع پژوهشی: أَخْبَرَنَا إِسْحَاقُ بْنُ بُشَيْرٍ ، قَالَ: أَخْبَرَنَا عُثْمَانُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ السَّمَاكِ ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْمُنَادِي ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو بَدْرٍ شُجَاعُ بْنُ الْوَلِيدِ ، قَالَ: حَدَّثَنَا هَاشِمُ بْنُ هَاشِمٍ ، عَنْ عَامِرِ بْنِ سَعْدٍ : أَنَّ سَعْدًا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) : مَنْ تَصَبَّحَ بِتَمْرَاتٍ مِنْ عَجْوَةٍ لَمْ يَضُرَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ سَمٌّ وَلَا سِحْرٌ.

-از سعد روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمودند: هرکس با چند خرماى عجوه [بهترین خرماى مدینه] صبح کند در آن روز هیچ زهر و جادویی به او زیان نمی رساند.

مصدر: الأملی (للطوسی) ج ۱ ص ۳۹۵

دیگر منابع: مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۱۶۸ / وسائل الشیعة ج ۲۵ ص ۱۴۰ / بحار الأنوار ج ۶۳ ص ۱۲۷ / مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۳۸۹

^{۱۶۷} . ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَبِي عُبَيْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ : حَمْسٌ مِنَ الشَّنَنِ فِي الرَّأْسِ وَ حَمْسٌ فِي الْجَسَدِ فَأَمَّا الَّتِي فِي

این است که آن چیزی که از مغز خارج می شود چربی است که وارد مجرای بینی شما می شود. یعنی فقط این نیست که انسداد سینوسی و سردرد ایجاد کند بلکه چون از چربی است، بنابراین محل تجمع شیاطین هم می شود. یا در حمام سرتان را با شامپوهای الکلی نشویید. الکل هم از اشیایی است که بسیار مورد علاقه آنهاست. نگاه کنید اگر الکل هایی مانند اتانول، اتیلن، دی اتیلن و... در شامپوها باشد برایتان مشکل ساز می شود. به جای این شامپوهای شیمیایی الکلی از شامپوهای طبیعی مثل شامپوی گل ختمی^{۱۲۸} و شامپوی گل سدر^{۱۲۹} استفاده کنید. غرض اینکه از مواد و غذاهای مورد علاقه آنها استفاده نکنید. نکته آخر هم معرفت نسبت به زمان و مکان حضور جن هاست. پس در زمان و مکان حضور آنها حاضر نشوید. مثلاً آقایان فقها هم این نکته را گفته اند که شب ها تنها خوابیدن کراهت شدید دارد^{۱۳۰}. مکانی که شما تنها باشید دوستان هم در آنجا حضور دارند. ملحق به این

الرَّأْسِ فَالْسَّوَاكُ وَ أَخَذُ الشَّارِبِ وَ فَرْقُ الشَّعْرِ وَ الْمَضْمَضَةُ وَ الْأَسْتِنْشَاقُ وَ أَمَّا اللَّيِّ فِي الْجَسَدِ فَالْخِتَانُ وَ حَلْقُ الْعَانَةِ وَ تَنُفُّ الْإِبْطِينِ وَ تَقْلِيمُ الْأَطْفَارِ وَ الْأَسْتِنْجَاءُ .

امام هفتم فرمود پنج سنت در سر است و پنج در تن آن‌ها که در سر است مسواک کردن، شارب زدن، موی را دسته کردن، مضمضه و استنشاق در هنگام وضو و آن‌ها که در تن است؛ ختنه کردن موی زهار را ستردن، موی زیر بغل گرفتن و محل بول و غایت را شستن.

مصدر: الخصال ج ۱ ص ۲۷۱

دیگر منابع: وسائل الشیعة ج ۲ ص ۸۱ / بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۶۷

۱۲۸. ارجاع پژوهشی: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: غَسَلَ الرَّأْسَ بِالْخَطْمِيِّ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ أَمَانٌ مِنَ الْبَرَصِ وَالْجُنُونِ.

ابن بکیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: شستن سر با (برگ یا گل) خطمی موجب ایمنی از پیسی و دیوانگی است.

مصدر: الکافی ج ۳ ص ۴۱۸ / من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۱۲۴ / تهذیب الأحکام ج ۳ ص ۲۳۶

دیگر منابع: روضة الواعظین ج ۲ ص ۳۰۷ / مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۶۰ / جمال الأسبوع ج ۱ ص ۳۶۲

۱۲۹. ارجاع پژوهشی: عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ مَنْصُورِ بْنِ بَزْرَجٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: غَسَلَ الرَّأْسَ بِالسُّدْرِ يَجْلِبُ الرَّزْقُ جَلْبًا - مَنْصُورِ بْنِ بَزْرَجٍ گويد: امام کاظم علیه السلام فرمود:

شستن سر با سدر، به طور حتم روزی می آورد.

مصدر: الکافی ج ۶ ص ۵۰۴ / من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۱۲۵

دیگر منابع: مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۶۱ / مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۶۱ / وسائل الشیعة ج ۲ ص ۶۲ / بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۸۷

۱۳۰. ارجاع پژوهشی: رَوَى حَمَّادُ بْنُ عَمْرٍو وَ أَنَسُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعًا عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنَّهُ قَالَ لَهُ: « يَا عَلِيُّ! أَوْصِيكَ بِوَصِيَّةٍ فَاحْفَظْهَا فَلَا تَزَالُ بِخَيْرٍ مَا حَفِظْتَ وَصِيَّتِي يَا عَلِيُّ! لَعَنَ اللَّهُ ثَلَاثَةَ أَكَلِ زَادِهِ وَحَدَهُ وَ رَاكِبِ الْفَلَاةِ وَحَدَهُ وَ النَّائِمِ فِي بَيْتِ وَحَدَهُ يَا عَلِيُّ! ثَلَاثَةٌ يَنْخَوِّفُ مِنْهُنَّ الْجُنُونَ التَّغَوُّطُ بَيْنَ الْقُبُورِ وَ الْمَشْيُ فِي خُفٍّ وَاحِدٍ وَ الرَّجُلُ يَتَأَمُّ وَحَدَهُ.

از حضرت آقا رسول الله به حضرت آقا امیرالمؤمنین علیهما السلام: وصیتهایی به تو می کنم که تا زمانی که آنها را حفظ کنی بر خیر خواهی بود... بدان که خداوند متعال سه نفر را لعن کرده است: کسی که تنهایی غذا بخورد، کسی که تنهایی در بیابان به سفر رود و کسی که تنها در خانه بخوابد. یا علی بر سه کس بیم دیوانگی و جنون می رود: کسی که بین قبرهای قبرستان قضای حاجت کند، کسی که با یک کفش راه رود و کسی که تنهایی در خانه بخوابد.

فرموده اند تنها غذا نخورید. این ها را باید به مردم یاد بدهیم. امیدوارم که ان شاء الله در حد بیست جلسه فرصت باشد تا بتوانیم همه این موارد را کامل توضیح دهیم. ان شاء الله در جلسه آینده توضیحاتی راجع به بسته فقهی اجتهاد برای کودکان عرض خواهیم کرد.

والحمد لله رب العالمین

مصدر: من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۵۲

دیگر منابع: مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۴۳۳ / الوافی ج ۲۶ ص ۱۶۸ / بحار الأنوار ج ۷۴ ص ۴۶

پیوست ها

پیوست شماره یک: مسجد

بخش اول: آیات

۱. يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ.

ای فرزندان آدم جامه خود را در هر نمازی بگیرید و بخورید و بیاشامید و [لی] زیاده روی نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی دارد. سوره اعراف آیه ۳۱

۲. قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ.

بگو پروردگرم به دادگری فرمان داده است و [اینکه] در هر مسجدی روی خود را مستقیم [به سوی قبله] کنید و در حالی که دین خود را برای او خالص گردانیده اید وی را بخوانید همان گونه که شما را پدید آورد [به سوی او] برمی گردید. سوره اعراف آیه ۲۹

۳. سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ.

منزه است آن [خدایی] که بنده اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی که پیرامون آن را برکت داده ایم سیر داد تا از نشانه های خود به او بنمایانیم که او همان شنوای بیناست. سوره اسراء آیه ۱

۴. لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٍ أُسَسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَّهُرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ.

هرگز در آن جا مایست چرا که مسجدی که از روز نخستین بر پایه تقوا بنا شده سزاوارتر است که در آن [به نماز] ایستی [و] در آن مردانی اند که دوست دارند خود را پاک سازند و خدا کسانی را که خواهان پاکی اند دوست می دارد. سوره توبه آیه ۱۰۸

۵. وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضَرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْوَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفْنَ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ.

و آنهایی که مسجدی اختیار کردند که مایه زیان و کفر و پراکندگی میان مؤمنان است و [نیز] کمینگاهی است برای کسی که قبلا با خدا و پیامبر او به جنگ برخاسته بود و سخت سوگند یاد می کنند که جز نیکی قصدی نداشتیم و [لی] خدا گواهی می دهد که آنان قطعاً دروغگو هستند. سوره توبه آیه ۱۰۷

۶. وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجْتُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يَقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ.

و هر کجا بر ایشان دست یافتید آنان را بکشید و همان گونه که شما را بیرون راندند آنان را بیرون برانید [چرا که] فتنه [=شرك] از قتل بدتر است [با این همه] در کنار مسجد الحرام با آنان جنگ نکنید مگر آنکه با شما در آن جا به جنگ درآیند پس اگر با شما جنگیدند آنان را بکشید که کیفر کافران چنین است. سوره بقره آیه ۱۹۱

۷. وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ.

و از هر کجا بیرون آمدی [به هنگام نماز] روی خود را به سمت مسجدالحرام بگردان و هر کجا بودید رویهای خود را به سوی آن بگردانید تا برای مردم غیر از ستمگانشان بر شما حجتی نباشد پس از آنان تترسید و از من بترسید تا نعمت خود را بر شما کامل گردانم و باشد که هدایت شوید. سوره بقره آیه ۱۵۰

۸. وَكَذَلِكَ أَعْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ مِنْهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُيُوتًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا.

و بدین گونه [مردم آن دیار را] بر حالشان آگاه ساختیم تا بدانند که وعده خدا راست است و [در فرا رسیدن] قیامت هیچ شکی نیست هنگامی که میان خود در کارشان با یکدیگر نزاع میکردند پس [عده ای] گفتند بر روی آنها ساختمانی بنا کنید پروردگارشان به [حال] آنان داناتر است [سرانجام] کسانی که بر کارشان غلبه یافتند گفتند حتما بر ایشان معبدی بنا خواهیم کرد. سوره کهف آیه ۲۱

۹. أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ.

آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را همانند [کار] کسی پنداشته اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و در راه خدا جهاد می کند [نه این دو] نزد خدا یکسان نیستند و خدا بیدادگران را هدایت نخواهد کرد. سوره توبه آیه ۱۹

۱۰. يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكَ حَتَّى يَزُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَزِدِدْ مِنْكُمْ عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.

از تو در باره ماهی که کارزار در آن حرام است می پرسند بگو کارزار در آن گناهی بزرگ و باز داشتن از راه خدا و کفر ورزیدن به او و باز داشتن از مسجد الحرام [=حج] و بیرون راندن اهل آن از آنجا نزد خدا [گناهی] بزرگتر و فتنه [=شرك] از کشتار بزرگتر است و آنان پیوسته با شما می جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند و کسانی از شما که از دین خود برگردند و در حال کفر بمیرند آنان کردارهایشان در دنیا و آخرت تباہ می شود و ایشان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود. سوره بقره آیه ۲۱۷

بخش دوم: روایات

۱. حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّقَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: الْأَرْضُ أَطْوَبُ فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ تُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ النَّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ الْأَطْوَبَى لِمَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ يُبْوَتُهُ الْأَطْوَبَى لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي إِلَّا إِنَّ عَلَى الْمُرُورِ كَرَامَةَ الرَّائِرِ إِلَّا بَشَرِ الْمَشَاءِ يَنْ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ .

عبد الله بن جعفر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند متعال به بندگان خود فرموده است که: مساجد، خانه‌های من در روی زمین هستند، که در نظر اهل آسمان می‌درخشند بسان درخشش ستارگان برای ساکنان زمین، خوشا به حال آن بنده من که مساجد (خانه‌های من) خانه‌های او باشند، خوشا بر آن بنده‌ای که در خانه خود وضو بسازد و مرا در خانه خود (مسجد) زیارت کند که گرمی داشتن میهمان بر صاحب خانه لازم و واجب است؛ به آنان که در تاریکی شب به طرف خانه‌های من (مساجد) قدم بر می‌دادند بشارت باد که در روز قیامت با نوری درخشان در صف محشر حضور خواهند یافت.

مصدر: المحاسن ج ۱ ص ۴۷ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ج ۱ ص ۲۸

دیگر منابع: عوالي اللئالی ج ۱ ص ۳۵۱ / وسائل الشیعة ج ۱ ص ۳۸۱ / بحار الأنوار ج ۸۱ ص ۱۴

۲. وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: الْمَسَاجِدُ مَجَالِسُ الْأَنْبِيَاءِ وَ حَرَزَ مِنَ الشَّيْطَانِ.

مساجد مجالس پیامبران اند و حفاظت گاه از شیطان

منبع: مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۳۶۳

۳. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي لَأَكْرَهُ الصَّلَاةَ فِي مَسَاجِدِهِمْ فَقَالَ لَا تَكْرَهُ فَمَا مِنْ مَسْجِدٍ بُنِيَ إِلَّا عَلَى قَبْرِ نَبِيٍّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيٍّ فُقْتِلَ فَأَصَابَ تِلْكَ الْبُقْعَةَ رَشَةً مِنْ دَمِهِ فَأَحَبَّ اللَّهُ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا فَأَذَّ فِيهَا الْفَرِيضَةَ وَ التَّوَائِفَ وَ إقْضَ فِيهَا مَا فَاتَكَ.

راوی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من نماز خواندن در مساجد آنان (اهل سنت) را دوست ندارم.

فرمود: چنین مباش؛ زیرا هیچ مسجدی نیست مگر آن که بر قبر پیامبر، یا وصی پیامبری ساخته شده است که او در آنجا شهید شده و از خون او بر آن بقعه پاشیده شده است. خداوند دوست دارد که در آنجا یاد شود، پس نمازهای فریضه و نافله خود را در آنجا به جای آور و آن چه از تو قضا شده در آنجا بخوان.

مصدر: الکافی ج ۳ ص ۳۷۰ / تهذیب الاحکام ج ۳ ص ۲۵۸

دیگر منابع: الوافی ج ۷ ص ۴۹۰ / وسائل الشیعه ج ۵ ص ۲۲۵ / الفصول المهمه ج ۲ ص ۸۲ / بحار الانوار ج ۱۴

ص ۴۶۳

۴. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «جَاءَ أَعْرَابِيٌّ مِنْ بَنِي عَامِرٍ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَسَأَلَهُ عَنْ شَرِّ بَقَاعِ الْأَرْضِ وَ خَيْرِ بَقَاعِ الْأَرْضِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ «شَرُّ بَقَاعِ الْأَرْضِ الْأَسْوَأُ وَ هِيَ مَيْدَانُ إِبْلِيسَ يُعْدُو بِرَأْيَتِهِ وَ يَضَعُ كُرْسِيَهُ وَ يَبُتُّ ذُرِّيَّتَهُ فَبَيْنَ مُطَفِّفٍ فِي قَفِيْزٍ أَوْ طَائِشٍ فِي مِيزَانٍ أَوْ سَارِقٍ فِي دَرْعٍ أَوْ كَاذِبٍ فِي سِلْعَةٍ فَيَقُولُ عَلَيْكُمْ بِرَجُلٍ مَاتَ أَبُوهُ وَ أَبُوكُمْ حَيٌّ فَلَا يَزَالُ مَعَ ذَلِكَ أَوَّلَ دَاخِلٍ وَ آخِرَ خَارِجٍ» ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ «وَ خَيْرُ الْبَقَاعِ الْمَسَاجِدُ وَ أَحَبُّهُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْلُهُمْ دُخُولًا وَ آخِرُهُمْ خُرُوجًا مِنْهَا».

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: مردی بیابان نشین از بنی عامر نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و از آن حضرت پرسید: بدترین مکانهای زمین کجاست و بهترین جایهای آن کجا؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بدترین

مکانهای زمین محل های خرید و فروش اجناس و امتعه است، و آنجا میدان مسابقه ابلیس است؛ هر بامداد با پرچم خویش حرکت کرده تخت فرمانروائی خود را در سوق استوار می کند و ذراری خویش را به هر سو گسیل می دارد و آنان از این چند قسم خارج نیستند، یا مأمور کاستن پیمانیه هستند، یا مأمور کم فروشی در میزان و سنجش، یا دزدی در ذرع پارچه و دروغزنی در وصف کالا و متاع و غیره و فرزندانش را سفارش می کند و می گوید: بر شما باد به آنکه پدرش مرده و شما پدرتان زنده است (یعنی بنی آدم که پدرشان مرده و شما که پدرتان من هستم و اکنون زنده ام) پس او را بفریبید. و هر روزه همین کار اوست، اولین کسی که وارد بازار می شود و آخرین کسی است که از بازار خارج می گردد، سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: و بهترین مکانهای زمین مساجد است، و محبوبترین مردم نزد خداوند عزیز آن کس است که زودتر از همه داخل می شود و از همه دیرتر بیرون می رود. شرح: «سوق و بازار هر کجا که محل خرید و فروش است می باشد و اختصاص به بازار معروف نزد ما ندارد و همه مغازه داران بازاری هستند و همه کسبه خیابانها جزء اهل سوق محسوبند.

مصدر: من لایحضره الفقیه ج ۳ ص ۱۹۹ / معانی الاخبار ج ۱ ص ۱۶۸

دیگر منابع: وسائل الشیعه ج ۵ ص ۲۹۳ / بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۹۷

۵. أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا نَزَلَتِ الْعَاهَاتُ وَالْأَفَاثُ عُوفِيَ أَهْلُ الْمَسَاجِدِ.

زمانی که بلاها و مصیبتها نازل می شوند اهالی مساجد در امانند.

منبع: مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۳۵۶ / الاشعثیات ج ۱ ص ۳۹

۶. أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ إِذَا رَأَى أَهْلَ قَرْيَةٍ قَدْ أَسْرَفُوا فِي الْمَعَاصِي وَفِيهَا ثَلَاثَةٌ نَفَرٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ نَادَاهُمْ جَلَّ جَلَالُهُ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ يَا أَهْلَ مَعْصِيَتِي لَوْ لَا مَا فِيكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُتَحَابِّينَ بِجَلَالِي الْعَامِرِينَ بِصَلَاتِهِمْ أَرْضِي وَ مَسَاجِدِي الْمُسْتَعْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ خَوْفًا مِنِّي لِأَنْزَلْتُ بِكُمْ عَذَابِي ثُمَّ لَا أَبَالِي.

پدرم رحمة الله عليه، از عبد الله بن جعفر، از هارون بن مسلم، از سعده بن صدقه، از حضرت جعفر بن محمد عليه السلام، حضرت فرمود: پدرم عليه السلام فرمود: امیر المؤمنین عليه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خداوند جل جلاله هنگامی که ببیند اهل قریه‌ای در معاصی اسراف و زیاده روی می‌کنند و حال آنکه در بین ایشان سه نفر از اهل ایمان می‌باشند آنان را خوانده و می‌فرماید: ای اهل عصیان اگر میان شما مؤمنینی که مشتاق جلال من هستند و با نمازشان زمین و مساجد مرا آباد نموده و در سحرها از خوف من استغفار و طلب آمرزش می‌کنند نبودند عذابم را بر شما فرو می‌فرستادم و باکی هم نداشتیم.

مصدر: علل الشرایع ج ۱ ص ۲۴۶ / الامالی للصدوق ج ۱ ص ۱۹۶

دیگر منابع: روضه الواعظین ج ۲ ص ۲۹۲ / وسائل الشیعه ج ۱۶ ص ۹۲ / بحار الانوار ج ۷ ص ۳۸۱

۷. أَخْبَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (رَحِمَهُ اللَّهُ)، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ شَرِيفِ بْنِ سَابِقٍ، عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ الْفَضْلِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، عَنْ أَبِيهِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): أَوَّلُ عُنْوَانِ صَحِيفَةِ الْمُؤْمِنِ بَعْدَ مَوْتِهِ مَا يَقُولُ النَّاسُ فِيهِ، إِنْ خَيْرًا فَخَيْرٍ، وَإِنْ شَرًّا فَشَرٍّ، وَأَوَّلُ تَحْفَةِ الْمُؤْمِنِ أَنْ يُغْفَرَ لَهُ وَ لِمَنْ تَبِعَ جَنَازَتَهُ. ثُمَّ قَالَ: يَا فَضْلُ، لَا يَأْتِي الْمَسْجِدَ مِنْ كُلِّ قَبِيلَةٍ إِلَّا وَافِدَهَا، وَمِنْ كُلِّ أَهْلِ بَيْتٍ إِلَّا نَجِيبَهَا. يَا فَضْلُ، إِنَّهُ لَا يَرِجُعُ صَاحِبُ الْمَسْجِدِ بِأَقْلٍ مِنْ إِحْدَى ثَلَاثٍ: إِمَّا دُعَاءٍ يَدْعُو بِهِ يُدْخِلُهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ، وَ إِمَّا دُعَاءٍ يَدْعُو بِهِ لِيُصْرِفَ اللَّهُ بِهِ عَنْهُ بَلَاءَ الدُّنْيَا، وَ إِمَّا أَحْ يَسْتَفِيدُهُ فِي اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ). قَالَ: ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): مَا اسْتَفَادَ امْرُؤٌ مُسْلِمٌ فَائِدَةً بَعْدَ فَائِدَةِ الْإِسْلَامِ مِثْلَ أَحْ يَسْتَفِيدُهُ فِي اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ). ثُمَّ قَالَ: يَا فَضْلُ، لَا تَزْهَدُوا فِي فَقْرَاءِ شِيعَتِنَا، فَإِنَّ الْفَقِيرَ مِنْهُمْ لَيَسْفَعُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي مِثْلِ رِبِيعَةَ وَ مَضَرَ. ثُمَّ قَالَ: يَا فَضْلُ، إِمَّا سُمِّيَ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا لِأَنَّهُ يُؤْمِنُ عَلَى اللَّهِ فَيَجِيزُ اللَّهُ أَمَانَهُ. ثُمَّ قَالَ: أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ (تَعَالَى) يَقُولُ فِي أَعْدَائِكُمْ إِذَا رَأَوْا شَفَاعَةَ الرَّجُلِ مِنْكُمْ لِصَدِيقِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ «فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَ لَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ».

فضل بن عبد الملك می‌گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و اله فرمود: ابتدای عنوان نامه اعمال انسان مؤمن پس از مرگش سخنانی است که مردم درباره او می‌گویند، اگر نیکی ذکر شود پس [سرنوشت او] به نیکی است و اگر بدی ذکر شود پس [سرنوشت او] به بدی است. نخستین هدیه انسان مؤمن این است که خود و هر آن کس که جنازه‌اش را تشییع می‌کنند آمرزیده شوند. سپس فرمود: ای فضل! از هر قبیله‌ای جز پیشتازان آن و از هر خانواده‌ای جز انسان‌های نجیب به مسجد نمی‌آیند. ای فضل، به مسجدروندگان با کمتر از سه خصوصیت از مسجد باز نمی‌گردند؛ یا به دعایی

که با آن خدا را می خوانند و خدا به خاطر آن ایشان را در بهشت داخل می سازد و یا دعایی که با آن خدا را می خوانند تا خدا به وسیله آن آفات دنیا را از ایشان دور نماید و یا برادری که در راه [رضایت و قرب] خداوند از او بهره می برند؛ سپس فرمود: انسان مسلمان پس از بهره اسلام از هیچ چیز، چون برادری که در راه خدا از او بهره می برد استفاده نکرده است. سپس فرمود: ای فضل! شیعیان فقیر ما را کوچک شمارید. همانا شیعیان فقیر ما در روز قیامت در همچون ربیعه و مضر شفاعت می کنند.

سپس فرمود: ای فضل! همانا مؤمن به این نام نامیده شد چون خدا را امان خود قرار می دهد و خداوند امان او را می پذیرد؛ سپس فرمود: آیا نشنیده ای که خداوند بلندمرتبه درباره دشمنان شما هنگامی که شفاعت یکی از شما برای دوستش را در روز قیامت می بینند، می گوید: «پس برای ما شفاعت کننده و دوستی نزدیک وجود ندارد.» [شعراء: آیه ۱۰۰-۱۰۱]

مصدر: الامالی للطوسی ج ۱ ص ۴۶

دیگر منابع: بشارة المصطفی (ص) ج ۱ ص ۷۲ / تفسیر البرهان ج ۴ ص ۱۷۸ / بحار الأنوار ج ۷۵ ص ۱۹

پیوست شماره دو: مرجعیت علمی مطلقه قرآن و روایات

بخش اول: آیات

۱. وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ. سوره نحل آیه ۸۹

و [به یاد آور] روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان برایشان برانگیزیم و تو را [هم] بر این [امت] گواه آوریم و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارتگری است بر تو نازل کردیم .

۲. لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ. سوره یوسف آیه ۱۱۱

به راستی در سرگذشت آنان برای خردمندان عبرتی است سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد بلکه تصدیق آنچه [از کتابهایی] است که پیش از آن بوده و روشنگر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می آورند رهنمود و رحمتی است.

۳. وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ. سوره یونس آیه ۳۷

و چنان نیست که این قرآن از جانب غیر خدا [و] به دروغ ساخته شده باشد بلکه تصدیق [کننده] آنچه پیش از آن است می باشد و توضیحی از آن کتاب است که در آن تردیدی نیست [و] از پروردگار جهانیان است

۴. وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ. سوره انعام آیه ۳۸

و هیچ جنبنده ای در زمین نیست و نه هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند مگر آنکه آنها [نیز] گروه هایی مانند شما هستند ما هیچ چیزی را در کتاب [لوح محفوظ] فروگذار نکرده ایم سپس [همه] به سوی پروردگارشان محشور خواهند گردید .

۵. وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ. سوره انعام آیه ۵۹

و کلیدهای غیب تنها نزد اوست جز او [کسی] آن را نمی داند و آنچه در خشکی و دریاست می داند و هیچ برگی فرو نمی افتد مگر [اینکه] آن را می داند و هیچ دانه ای در تاریکیهای زمین و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن [ثبت] است .

بخش دوم: روایات

۱. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ أَبِي إِسْحَاقَ ثَعْلَبَةَ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِسَلْمَةَ بْنِ كَهَيْلٍ وَ الْحَكَمِ بْنِ عَتِيْبَةَ شَرِّقًا وَ غَرْبًا لَنْ تَجِدَا عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا يَخْرُجُ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.

امام باقر علیه السلام: به شرق و غرب عالم بروید هیچ علم درستی را نمی یابید مگر آنکه از نزد ما اهل بیت خارج شده باشد.

مصدر: الکافی ج ۱ ص ۳۹۹ / بصائر الدرجات ج ۱ ص ۱۰ / رجال الکشی ج ۱ ص ۲۰۹

دیگر منابع: الوافی ج ۳ ص ۶۰۹ / وسائل الشیعه ج ۲۱ ص ۴۷۷ / بحار الانوار ج ۲ ص ۹۲

۲. مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ النُّعْمَانِ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَمْضُونَ الثَّمَادَ وَيَدْعُونَ النَّهْرَ الْعَظِيمَ قِيلَ لَهُ وَ مَا النَّهْرُ الْعَظِيمُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ الْعِلْمُ الَّذِي أَعْطَاهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَمَعَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ سُنَنَ النَّبِيِّينَ مِنْ آدَمَ وَ هَلَمَّ جَرًّا إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قِيلَ لَهُ وَ مَا تِلْكَ السُّنَنُ قَالَ عِلْمَ النَّبِيِّينَ بِأَسْرِهِ وَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ صَبَّرَ ذَلِكَ كُلَّهُ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ أَعْلَمُ أَمْ بَعْضُ النَّبِيِّينَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ اسْمَعُوا مَا يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ يَفْتَحُ مَسَامِعَ مَنْ يَشَاءُ إِنِّي حَدَّثْتُهُ أَنَّ اللَّهَ جَمَعَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عِلْمَ النَّبِيِّينَ وَ أَنَّهُ جَمَعَ ذَلِكَ كُلَّهُ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ يَسْأَلُنِي أَمْ هُوَ أَعْلَمُ أَمْ بَعْضُ النَّبِيِّينَ.

امام باقر علیه السلام فرمود: مردم رطوبت را می مکند و نهر بزرگ را رها می کنند، عرض شد: نهر بزرگ چیست؟ فرمود: رسول خداست و علمی که خدا به او عطا فرموده است. همانا خدای عز و جل سنتهای تمام پیغمبران را از آدم تا برسد به خود محمد صلی الله علیه و آله برای او گرد آورد، عرض شد آن سنتها چه بود؟ فرمود: همه علم پیغمبران، و رسول خدا صلی الله علیه و آله تمام آن را به امیر المؤمنین علیه السلام تحویل داد. مردی عرض کرد:

ای پسر پیغمبر! امیر المؤمنین أعلم است یا بعضی از پیغمبران؟ امام باقر (به اطرافیان توجه کرد و) فرمود: گوش دهید این مرد چه می گوید؟! - همانا خدا گوشهای هر که را خواهد باز می کند - من به او میگویم: خدا علم تمام پیغمبران را برای محمد صلی الله علیه و آله جمع کرد و آن حضرت همه را به امیر المؤمنین تحویل داد، باز او از من میپرسد که علی أعلم است یا بعضی از پیغمبران (و نمی فهمد که معنی سخن من این است که آنچه همه پیغمبران می دانستند علی به تنهایی می دانست).

مصدر: الکافی ج ۱ ص ۲۲۲ / بصائر الدرجات ج ۱ ص ۲۲۸

دیگر منابع: الوافی ج ۳ ص ۵۵۱ / بحار الانوار ج ۲۶ ص ۱۵۹ / المناقب ج ۲ ص ۳۷ / تفسیر نورالثقلین ج ۱ ص ۴۷۰

۳. عَلِيٌّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ حَمَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ فِيهِ كِتَابٌ أَوْ سُنَّةٌ.

و فرمود: چیزی نیست جز آنکه در باره اش آیه قرآن یا حدیثی هست.

مصدر: الکافی ج ۱ ص ۵۸

دیگر منابع: الوافی ج ۱ ص ۲۷۴ / تفسیر الصافی ج ۱ ص ۲۵۶ / الفصول المهمه ج ۱ ص ۴۸۰ / اثبات الهداه ج ۱

ص ۷۹

۴. حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ رَبِيعٍ عَنْ حَيْثَمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ يَكُونُ شَيْءٌ لَا يَكُونُ فِي الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ قَالَ لَا قَالَ قُلْتُ فَإِنْ جَاءَ شَيْءٌ قَالَ لَا حَتَّى أَعَدْتُ عَلَيْهِ مَرَارًا فَقَالَ لَا يَجِيءُ ثُمَّ قَالَ بِأَصْبَعِهِ بِتَوْفِيقٍ وَ تَسْدِيدٍ لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ.

به امام صادق گفتم: چیزی هست که در کتاب و سنت رهنمود و توضیحی درباره ی آن نیامده باشد؟ فرمودند نه. گفتم اگر چیزی بیاید چه؟ فرمود نمی آید. چندین بار این سوال را تکرار کردم. حضرت در پاسخ فرمودند (چیزی بی راه حل پدید) نمی آید.

مصدر: بصائر الدرجات ج ۱ ص ۳۸۸

دیگر منابع: بحار الانوار ج ۲ ص ۱۷۵

۵. حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ مَعْرُوفٍ عَنْ حَمَادٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ رَبِيعٍ عَنْ سُوْرَةَ بْنِ كَلَيْبٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَأَيِّ شَيْءٍ يُفْتِي الْإِمَامُ قَالَ بِالْكِتَابِ قُلْتُ فَمَا لَمْ يَكُنْ فِي الْكِتَابِ قَالَ بِالسُّنَّةِ قُلْتُ فَمَا لَمْ يَكُنْ فِي

الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ قَالَ لَيْسَ شَيْءٌ إِلَّا فِي الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ قَالَ فَكَّرْتُ مَرَّةً أَوْ اثْنَتَيْنِ قَالَ يُسَدُّ وَيُوفَّقُ فَأَمَّا مَا تَطُنُّ فَلَا.

به نقل از سوره ابن کلیب، با امام صادق گفتیم امام به کمک چه چیزی فتوا می دهد؟ فرمودند با کتاب خدا. گفتیم اگر چیزی در کتاب خدا نباشد چه؟ فرمودند با سنت. گفتیم اگر چیزی نه در کتاب خدا باشد و نه در سنت چه؟ فرمودند هیچ چیز نیست مگر اینکه در کتاب و سنت درباره آن وجود دارد.

مصدر: بصائر الدرجات ج ۱ ص ۳۸۷

دیگر منابع: الفصول المهمة ج ۱ ص ۵۰۸ / بحار الانوار ج ۲ ص ۱۷۵

۶. وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَعْرَجِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ مَنْ عِنْدَنَا مِمَّنْ يَنْفَقُهُ يُقُولُونَ يَرُدُّ عَلَيْنَا مَا لَا نَعْرِفُهُ فِي الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ فَتَقُولُ فِيهِ بَرَأِينَا فَقَالَ كَذَبُوا لَيْسَ شَيْءٌ إِلَّا وَ قَدْ جَاءَ فِي الْكِتَابِ وَ جَاءَتْ فِيهِ السُّنَّةُ.

به نقل از سعید ابن عبدالله اعرج: به امام صادق گفتیم: فقهای ناحیه ما می گویند با مسائلی از روبرو می شویم که حکم آنها در کتاب خدا و سنت پیامبر نمی یابیم از این رو بر اساس رأی خودمان نظر می دهیم. حضرت فرمودند: دروغ می گویند. هیچ چیز نیست مگر اینکه در کتاب آمده و در سنت توضیح دارد.

مصدر: بصائر الدرجات ج ۱ ص ۳۰۱ / الاختصاص ج ۱ ص ۲۸۱

دیگر منابع: بحار الانوار ج ۲ ص ۳۰۴ / مستدرک الوسائل ج ۱۷ ص ۲۵۸

۷. عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي خُطْبَتِهِ فِي حَجَّةِ الْوُدَاعِ أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ مَا مِنْ شَيْءٍ يُقَرِّبُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ وَ يُبَاعِدُكُمْ مِنَ النَّارِ إِلَّا وَ قَدْ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ وَ أَمَرْتُكُمْ بِهِ.

امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در حجة الوداع سخنرانی کرد و فرمود: ای مردم! به خدا چیزی نبود که شما را به دوزخ نزدیک و از دوزخ دور کند، جز آنکه بدان دستورتان دادم، و چیزی نبود که شما را به بهشت نزدیک و از بهشت دور کند، جز آنکه از آن نهیتان کردم.

مصدر: الکافی ج ۲ ص ۷۴ / المحاسن ج ۱ ص ۴۳۳

دیگر منابع: الوافی ج ۱۷ ص ۵۲ / بحار الانوار ج ۶۷ ص ۹۶ / مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۲۷

۸. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ مَرَّازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ تَبْيَانًا كُلَّ شَيْءٍ حَتَّى وَ اللَّهُ مَا تَرَكَ اللَّهُ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْعِبَادُ حَتَّى لَا يَسْتَطِيعَ عَبْدٌ يَقُولُ لَوْ كَانَ هَذَا أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا وَقَدْ أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِيهِ.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: خدای تبارک و تعالی در قرآن بیان هر چیز را فرو فرستاده تا آنجا که بخدا سوگند چیزی را از احتیاجات بندگان فروگذار نفرموده: و تا آنجا که هیچ بنده‌ئی نتواند بگوید ای کاش این در قرآن آمده بود جز آنکه خدا آن را در قرآن فرو فرستاده است.

مصدر: المحاسن ج ۱ ص ۲۶۷ / الکافی ج ۱ ص ۵۹ / تفسیر قمی ج ۲ ص ۴۵۱

دیگر منابع: الوافی ج ۱ ص ۲۶۵ / الفصول المهمه ج ۱ ص ۴۸۱ / بحار الانوار ج ۶۵ ص ۲۳۷

پیوست شماره سه: مدرسه فقهی هدایت

مطلب اول:

تربیت طلبه ذوالفنون هدف اصلی مدرسه هدایت است!

در مدرسه فقهی هدایت به دنبال تربیت طلبه ذوالفنون هستیم؛ زیرا طلبه باید به همه تخصص های مرتبط با سبک زندگی مسلط باشد. به عبارت دیگر: اصلاح سبک زندگی امری تک بعدی نیست و به اصلاح اموری مانند تغذیه، معماری، آموزش، سلامت، سیاست خارجی، تجارت، نظم اجتماعی، عبرت و میراث فرهنگی، تولید خبر و... نیازمند است.

تجربه ۴۵ سال گذشته به همه ما نشان داده است که سبک زندگی مردم ایران از تفویض امور فوق الذکر به بناهای عقلایی و متخصصین پوزیتویستی ضربه خورده است. چالش های فعلی تربیتی و غیر تربیتی را ناشی از الگوی غلط معماری، استانداردهای غلط غذا (استانداردهای سازمان غذا و دارو)، آموزش های غیر مفید سیستم آموزشی و... می دانیم و نباید اصلاح سبک زندگی را با تکیه محض بر موعظه دنبال نمائیم. (آسیب شناسی حرکت جمهوری اسلامی و آسیب شناسی امضاهای غلط حوزه بر دانش های ناقص پوزیتویستی)

در مدرسه تمدنی هدایت ۹ دسته تخصص فقهی مرتبط با سبک زندگی (مجموعاً ۴۰۰ نظریه فقهی) را آماده کرده ایم و مشغول انتقال این مفاهیم در قالب راه اندازی چرخه چهاربخشی تحریک فکر به نخبگان و اقویای شیعه هستیم. اصلاح سبک زندگی نیازمند تفقه بیشتر در ۱- امامت، ۲- علم، ۳- تزکیه، ۴- مکاسب، ۵- بیان، ۶- نظم، ۷- فرقان، ۸- عبرت و ۹- نفی سبیل است. (طبقه بندی جدید دانش)

حجت الاسلام علی کشوری - تبیین هدف مدرسه تمدنی هدایت در روز میلاد حضرت مدینه العلم (روحی فدا) ۱۷ ربیع الاول ۱۴۴۵ - قم

<https://eitaa.com/olgou4/5656>

مطلب دوم:

در مدرسه فقهی هدایت دو نوع طبقه بندی از دانش های فقهی وجود دارد / شارع پنج دسته دانش جامع دارد!

طبقه بندی اول: به محوریت ۴۰۰ نظریه و در قالب ۹ دسته علم و با غرض مواجهه ظرفیت بنیان با طبقه بندی بیکنی از علوم و سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ تدوین شده است و به صورت مسئله محور بینش ها و دانش های مدرنیته را به چالش می کشد! (به فضل الهی)

طبقه بندی دوم: با محوریت اصطلاحات فرائض کبار و حدود کبار به یک طبقه بندی توقیفی دست یافته ایم و در این طبقه بندی، دانش های مورد نیاز برای زندگی به پنج آبر دانش: ۱- دانش جامع صلات، ۲- دانش جامع زکات، ۳- دانش جامع حج، ۴- دانش جامع صوم و ۵- دانش جامع ولایت تقسیم می شود.

هر کدام از این دانش های خمسه، دارای سرفصل های درونی متعددی هستند. (شرح فقهی اصطلاح حدود کبار) به عنوان مثال: دانش جامع صلات دارای سرفصل های ۱- دانش جامع طهارت، ۲- دانش جامع وقت، ۳- دانش جامع قبله، ۴- دانش جامع تکبیرة الافتتاح، ۵- دانش جامع رکوع، ۶- دانش جامع سجود و ۷- دانش جامع دعا می باشد. (در جلسات آینده سرفصل های دانش های دیگر شارع را شرح می دهیم.)

بررسی های عمیق مدرسه هدایت، با موضوع کشف کارکردهای اجتماعی دانش جامع طهارت و دیگر دانش های شارع، کارکردهایی همچون: ۱- کارکرد سیاسی تبلیغاتی، ۲- کارکرد پیشگیری از بیماری، ۳- کارکرد اقتصادی و کاهش هزینه، ۴- کارکردی امنیتی و پدافند غیر عامل، ۵- کارکرد پیشگیری از جرم و... را برای دانش جامع طهارت و سایر دانش ها به اثبات رسانده است. (به اذن الهی)

مهمترین نشست تاریخ شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی و مدرسه فقهی هدایت را با عنوان: تبیین طبقه بندی دانش های جامع شارع برگزار خواهیم نمود. (به فضل الهی)

حجت الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) - دیدار و گفتگو با جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم با موضوع: تبیین طبقه بندی دانش های شارع - سه شنبه ۶ تیر ۱۴۰۲ - قم

<https://eitaa.com/olgou4/5411>

مطلب سوم :

علوم پایه مدرسه هدایت را به فرزندان خود بیاموزید!

علوم پایه مدرسه هدایت را به فرزندان خود بیاموزید. علوم پایه شامل چهار جدول بسیار مهم است.

جدول اول علوم پایه به تشریح چگونگی تنظیم روابط انسانی ۱۳ گانه می پردازد. اساس زندگی تنظیم روابط انسان در ۱۳ حوزه ۱- رابطه انسان با امام، ۲- رابطه انسان با معلم، ۳- رابطه انسان با همسایه، ۴- رابطه انسان با خانواده، ۵- رابطه انسان با دوست، ۶- رابطه انسان با دشمن، ۷- رابطه انسان با طرف معامله، ۸- رابطه انسان با شریک

شغلی، ۹- رابطه انسان با فقیر، ۱۰- رابطه انسان با یتیم، ۱۱- رابطه انسان با ابن سبیل، ۱۲- رابطه انسان با مهمان و ۱۳- رابطه انسان با همسفر است.

مطالعه بیشتر درباره جدول روابط انسانی:

<https://nro-di.blog.ir/1399/01/11>

جدول دوم علوم پایه به تشریح خاصیت های اشیاء می پردازد. یکی دیگر از ارکان زندگی اسلامی علم به خاصیت های اشیاء است. دانستن خاصیت های اشیاء به زندگی ارزاتر و کم ضرر ختم می شود. ویرایش اول جدول تسخیر در قالب ۱۹ گروه ۱- گروه اشیاء پایه (آب، خاک، آتش و هوا)، ۲- گروه اشیاء ظرف مکان، ۳- گروه اشیاء ظرف زمان، ۴- گروه اشیاء مرتبط با آب، ۵- گروه اشیاء مرتبط با هوا، ۶- گروه اشیاء مرتبط با خاک، ۷- گروه اشیاء مرتبط با آتش، ۸- گروه حیوانات، ۹- گروه پرندگان، ۱۰- گروه درختان، ۱۱- گروه گیاهان، ۱۲- گروه گل ها، ۱۳- گروه صیفی جات و شتوی جات، ۱۴- حشرات، ۱۵- گروه حبوبات و غلات، ۱۶- اعضای بدن، ۱۷- گروه ملائکه، ۱۸- گروه جن و ۱۹- گروه اشیاء تعدیل کننده منایا(صوم، صلاه، حج، زکات، نکاح، صدقات و...) خاصیت های اشیاء را به فرزندان شما می آموزد.

مطالعه بیشتر درباره جدول تسخیر:

<https://eitaa.com/olgou4/4488>

جدول سوم علوم پایه، به معرفی اسباب غریب و مخفی عالم می پردازد. جدول اسباب غریب به فرزند شما می آموزد که اسباب امور به دو دسته اسباب غریب و مخفی و اسباب ظاهر تقسیم می شود. ویرایش اول جدول غریب به معرفی اسباب غریبی مانند ۱- شناخت ملائکه و کارکردهای آنها، ۲- شناخت جن و کارکردهای آنها، ۳- شناخت سرزمین اموات و چگونگی حرف زدن با عالم اموات (آشنایی فنی با مفهوم زیارت)، ۴- آشنایی با عالم اعداد و ارتباط اعداد با حروف (اوافق مقدماتی) و ۵- آشنایی با علم مهم جعفر می پردازد.

جدول چهارم علوم پایه به معرفی نیمه تفصیلی اسماء الهی به فرزند شما می پردازد. جدول اسماء الهی در واقع، معرفی خدمات خداوند به انسان و مخلوقات دیگر است و زمینه محبت شدید انسان به خداوند را فراهم می آورد. جدول اسماء الهی به شرح فقهی ۹۹ اسم ۱- الاله، ۲- الواحد، ۳- الاحد، ۴- الصمد، ۵- الاول، ۶- الآخر، ۷- السميع، ۸- القدير، ۹- القاهر، ۱۰- العلی، ۱۱- الاعلی، ۱۲- الباقي، ۱۳- البديع، ۱۴- الباری، ۱۵- الاکرم، ۱۶- الظاهر، ۱۷- الباطن، ۱۸- الحی، ۱۹- الحکیم، ۲۰- العلیم، ۲۱- الحلیم، ۲۲- الحفیظ، ۲۳- الحق، ۲۴- الحسیب،

۲۵- الحمید، ۲۶- الحفی، ۲۷- الرب، ۲۸- الرحمان، ۲۹- الرحیم، ۳۰- الذاریء، ۳۱- الرزاق، ۳۲- الرقیب، ۳۳- الرئوف، ۳۴- الرئی، ۳۵- السلام، ۳۶- المؤمن، ۳۷- المهیمین، ۳۸- العزیز، ۳۹- الجبار، ۴۰- المتکبر، ۴۱- السید، ۴۲- السبوح، ۴۳- الشهید، ۴۴- الصادق، ۴۵- الصانع، ۴۶- الطاهر، ۴۷- العدل، ۴۸- العفو، ۴۹- الغفور، ۵۰- الغنی، ۵۱- الغیث، ۵۲- الفاطر، ۵۳- الفرد، ۵۴- الفتح، ۵۵- الفالق، ۵۶- القدیم، ۵۷- الملک، ۵۸- القدوس، ۵۹- القوی، ۶۰- الغریب، ۶۱- القیوم، ۶۲- القابض، ۶۳- الباسط، ۶۴- قاضی الحاجات، ۶۵- المجید، ۶۶- المولی، ۶۷- المنان، ۶۸- المحیط، ۶۹- المبین، ۷۰- المقیت، ۷۱- المصور، ۷۲- الکریم، ۷۳- الکیبر، ۷۴- الکاافی، ۷۵- کاشف الضر، ۷۶- الوتر، ۷۷- النور، ۷۸- الوهاب، ۷۹- الناصر، ۸۰- الواسع، ۸۱- الودود، ۸۲- الهادی، ۸۳- الوقی، ۸۴- الوکیل، ۸۵- الوارث، ۸۶- البر، ۸۷- الباعث، ۸۸- التواب، ۸۹- الجلیل، ۹۰- الجواد، ۹۱- الخبیر، ۹۲- الخالق، ۹۳- خیر الناصرین، ۹۴- الدیان، ۹۵- الشکور، ۹۶- العظیم، ۹۷- اللطیف، ۹۸- الشافی، ۹۹- الله می پردازد.

آموزش جداول پایه مدرسه هدایت نگاه فرزند شما را به نگاه پیشرفته پیامبران نزدیک می کند و افراد را از باتلاق سکولاریسم و مدرنیسم نجات می دهد!

حجت الاسلام علی کشوری (مدیر مدرسه فقهی هدایت و دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) - تبیین محتوای جداول چهارگانه علوم پایه مدرسه هدایت - دوشنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۱ - قم

<https://eitaa.com/olgou4/4919>

مطلب چهارم:

طرح تمدنی مدرسه هدایت چه می گوید؟

از نظر مدرسه فقهی هدایت، تمدن ضاله و معیوب مدرنیته، چهار انحراف بزرگ را بر زندگی بشر تحمیل کرده است و بالتبع برای ساخت تمدن اسلامی مواجهه روشمند با این چهار انحراف یک ضرورت است.

انحراف اول تمدن مدرنیته، ایجاد اختلال در روابط انسانی و گسترش فردگرایی و تنهایی در جوامع مختلف است. (برای تبیین معادلات وحی در مسئله تنظیم روابط انسانی، فقه نظام در ۹ محور ۱- فقه الامام، ۲- فقه العلم، ۳- فقه التزکیه، ۴- فقه المکاسب، ۵- فقه العبرة، ۶- فقه النظم، ۷- فقه الفرقان، ۸- فقه البیان و ۹- فقه نفی سبیل، پایه گذاری شده است.)

انحراف دوم تمدن مدرنیته، ارائه یک الگوی غلط و همراه با تالی فاسد فراوان - در حوزه های سلامت، محیط زیست و اخلاق - برای تصرف در طبیعت است. مبنای اصلی این الگوی غلط، ارائه توصیف ناقص و غلط از عناصر تشکیل دهنده عالم است. (برای تبیین معادلات وحی در مسئله تسخیر طبیعت، فقه الخلق در ۱۰ محور ۱ - جدول فقهی خصلت، ۲ - جدول فقهی بنیاد، ۳ - جدول فقهی زمان، ۴ - جدول فقهی عماد، ۵ - جدول فقهی زینت، ۶ - جدول فقهی سببیت (جدول تسخیر)، ۷ - جدول فقهی تغییر، ۸ - جدول فقهی طبقه بندی اشیاء، ۹ - جدول فقهی حیازت و ۱۰ - و جدول فقهی نفی تشبیه، پایه گذاری شده است.)

انحراف سوم تمدن مدرنیته، ارائه یک تصویر مبهم و همراه با انکار از اسباب باطنی عالم است. انسانهای مدرن گزارشی دقیق از اسباب باطنی عالم در اختیار ندارند و بالتبع از این اسباب موثر در زندگی خود استفاده نمی کنند. (برای تبیین معادلات وحی در مسئله اسباب باطنی عالم، فقه علوم غریبه در محورهای مانند: ۱ - معرفی جن و اقسام آن و تبیین مناسک مرتبط با عدم اختلاط در زندگی انسان و جن، ۲ - معرفی ملائکه و مدبرات اربعه و تبیین چگونگی تاثیرگذاری ملائکه بر زندگی انسان، ۳ - تبیین چگونگی ارتباط با عالم اموات و ارواح بر اساس بازخوانی عمیق مفهوم زیارت، ۴ - تبیین اجمالی مفهوم تنزل امر در آسمانهای هفت گانه و تبیین اتفاقات امری در هر آسمان، ۵ - تبیین مفهوم حجاب و سرادق، ۶ - تبیین مکانیزم مدیریت بت خانه ها در اقوام اولین (بررسی تجربه های اقوام اولین در ارتباط میان انسان و جن)، ۷ - بررسی تأثیرات آسمان رفیع بر زمین (بررسی تأثیر کواکب، نجوم، مصابیح و قمر و شمس بر زندگی)، ۸ - معرفی اجمالی علمی مانند علم اعداد و جداول اوفاق، علم حروف و اسماء، علم جعفر و... تبیین شده است.)

انحراف چهارم مدرنیته، معرفی ناقص خداوند متعال و نادیده گرفتن نقش تام مقام ربوبی در اداره عالم است. مدرنیته عملاً خداوند را به عنوان یک مهندس بازنشسته معرفی می کند و بشر را از تکیه دادن به حضرت غنی حمید محروم کرده است. (برای معرفی مقام ربوبیت، فقه التسییح در محورهای مانند ۱ - تبیین تفصیلی معنای سبحان الله، ۲ - تبیین تفصیلی معنای الحمد لله، ۳ - تبیین تفصیلی معنای لا اله الا الله و ۴ - تبیین تفصیلی معنای الله اکبر، تبیین تفصیلی معنای صلوات، ۵ - تبیین تفصیلی ۹۹ اسم الهی با تأکید بر شرح تفصیلی اسم حسیب (به دلیل مواجهه با مفهوم تنزل یافته سود در تمدن مدرنیته)، شرح تفصیلی اسم ذو انتقام (به دلیل مواجهه با تسامح حداکثری انسان مدرن در مسئله حق الناس) و اسم مُسبب (به دلیل مواجهه با مفهوم ناقص علیت در منطق صوری و مفهوم ناقص متغیر در منطق سیستمی) پایه گذاری شده است.

حجت الاسلام علی کشوری - گفتگو با برخی از نخبگان کرج - چهارشنبه - پنجم محرم الحرام ۱۴۴۴ (۱۲ مرداد ۱۴۰۱) - کرج

پیوست شماره چهار: بیان مبتنی بر سیاق

در قاعده هشتم از قواعد اصولی "فقه البیان"، بحث کرده‌ایم که بیان شارع مبتنی بر "سیاق" است؛ یعنی شارع همواره در بیان خود، یک مقدمات و مفاهیم پیشینی دارد و اگر کسی بخواهد بیان شارع را بفهمد باید به آن‌ها توجه کند. اگر کسی بخواهد روایتی را بصورت روشمند و با توجه به قاعده "بیان مبتنی بر سیاق" بخواند، باید بعد از ترجمه الفاظ و انجام کارهای اولیه صدوری و غیره، از خودش بپرسد که آیا شارع قبل از این مفهوم، مفاهیم دیگری را به عنوان پیش‌فرض با راوی و عرف مخاطب خودش بحث کرده یا نه؟

مثلاً شما به بحث "حج" وارد می‌شوید و می‌خواهید درباره مفهوم حج گفتگو کنید تا مخاطب حج را به صورت کامل بفهمد. قاعده "بیان مبتنی بر سیاق" از شما می‌پرسد: «آیا شارع قبل از حج، مفهومی را به عنوان مبنا برای شرح مفهوم حج قرار داده است یا نه؟» یعنی آیا مفهومی وجود دارد که شارع، بحث را روی آن سوار کرده باشد؟ مفهوم حج یک مفهوم اولیه نیست، حتی خود احکام حج را پیامبر صلی الله علیه و آله در حجة الوداع تکمیل کردند یعنی گذاشتند در آخرین مرحله بحث را مطرح کردند. بنابراین پیداست که قبل از تبیین حج یک سری مفاهیم مطرح بوده و فهم حج به آن‌ها وابسته است و گرنه باید همان سال اول در دوران دعوت مخفی، همه احکام حج را بیان می‌کردند.

چرا پیغمبر صلی الله علیه و آله تقدم و تأخر در بیان احکام داشتند؟ یکی از دلایلی که این بوده که باید فرصت می‌داشتند مفاهیم پیشینی حکم حج یا سایر احکام را تبیین کنند. البته یکی از دلایل دیگرش هم ممکن است بحث‌های سیاسی و اجتماعی باشد یعنی [مخالفین] به پیامبر صلی الله علیه و آله فرصت ندادند که بحث را مطرح کند. به هر حال حتماً یکی از دلایل [تقدم و تأخر در بیان احکام] این است که شما باید ابتدا مفاهیم قبلی را بحث کنید. مثلاً در همین رساله حج بحث کردیم که مفهوم "فرار الی الله" مفهوم پیشینی حج است. امام صادق علیه السلام ذیل آیه «فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ» در سوره ذاریات می‌فرماید: «یعنی به حج بروید: الکافی ج ۴ ص ۲۵۶ / معانی الأخبار ج ۱ ص ۲۲۲». پس اگر کسی می‌خواهد مفهوم حج را خوب بفهمد باید به او بگوید: «شما باید از مجموعه ظلماتی که در دنیا وجود دارد به سمت خدا فرار کنید». اگر کسی بخواهد مفهوم "فرار الی الله" را هم توضیح دهد که مخاطب می‌پرسد: «اصلاً چرا باید ما "فرار الی الله" داشته باشیم؟» اینجا سیاق مفهوم "فرار الی الله" [مطرح می‌شود که] بحث از مفهوم "ظلمت" و اثرات آن بر عاقبت انسان خواهد بود. مثلاً اگر شما با مخاطب خودتان بحث کردید که ابلیس بزرگ با بیست معاون خود، در حال گسترش بیست نوع "ظلمت" ساختاری در دنیا هستند او حتماً به فکر فرار می‌افتد. اما اگر او را با مفهوم "ظلمت" آشنا نکردید اصلاً انگیزه "فرار الی الله" و فرار به پناهگاه برایش پیدا نمی‌شود.

یکی از بازیگران در تلویزیون می‌گفت: «لذت ببرید و لو اینکه غلط زندگی کنید». مفهوم را "لذت" قرار داده بود. این همان ترجمه "هوای نفس" است که قرآن به شیطان و انسان‌های اهل طاغوت نسبت می‌دهد. پس بدون سیاق نمی‌شود بحث کرد. اگر بگویید "فرار الی الله" لازم است باید ابعاد "ظلمت" و آثار مهلکه "ظلمت" را القا کنید تا اگر کسی خواست از مجموعه ظلمات ارض به جایی پناه ببرد، مفهوم فرار برایش منطقی باشد.

وقتی انسان‌ها جانشان به خطر می‌افتد فرار برایشان منطقی و قابل درک می‌شود. حالا که قرار است ابدیتشان به خطر بیفتد [به طریق اولی باید به فکر فرار بیفتند]. بنابراین خیلی برایشان منطقی می‌شود و می‌گویند ما باید به سمت یک پناهگاه فرار کنیم. وقتی باران هم می‌آید می‌گویند: «یک پناهگاه به ما بدهید». اما چطور "فرار الی الله" درک نمی‌شود؟ چون خطرات "ظلمت" بحث نمی‌شود. پس "ظلمت" سیاق "فرار" است. به همین خاطر است که وقتی کسی می‌گوید من می‌خواهم "فرار" کنم به سمت خدای متعال، قرآن و روایت به او می‌گوید که حج بجا بیاورد. هر کس بخواد حج بجا بیاورد اگر این‌ها را بفهمد یک جور خاصی به حج می‌رود و برایش منطقی می‌شود که همه تعلقات حتی دوخت لباس را باید کنار بگذارد تا فرار محقق شود. چون مانع اصلی در رفتن به پناهگاه و مأمّن امن الهی، تعلقات انسان‌هاست. [به همین خاطر] مجموعه احکامی داریم که می‌گوید: «در حج به آینه نگاه نکن». یعنی به اندازه نگاه به آینه و تعلق به جمال هم در ایام حج وابسته نباش. همه این احکام منطقی و قابل درک می‌شود. سیاق اینطور می‌گوید. پس وقتی می‌گوییم اخباری نباشید یکی از قواعدش همین "سیاق‌یابی" برای روایت است. اگر شما "سیاق‌یابی" برای روایت انجام ندهید، روایت برای مردم درک نمی‌شود.

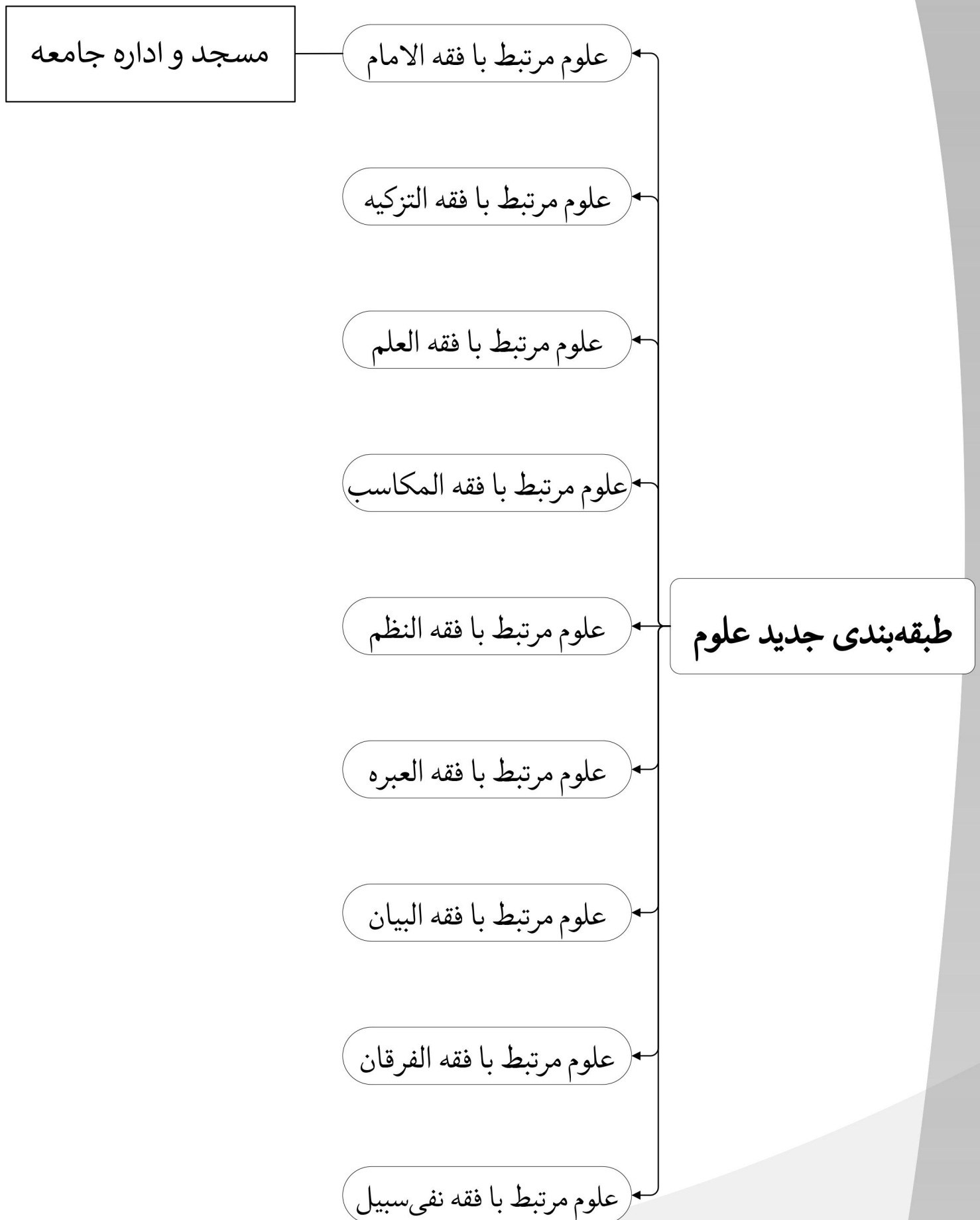
نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله زحمت کشیدند و حج را به عنوان مناسک "فرار الی الله" جا انداختند. وقتی در ادامه وارد دوره ۲۵۰ ساله تشریح می‌شویم، می‌بینیم امام علیه السلام می‌فرمایند: «ثواب کربلا برابر با ثواب حج است» یا «برابر با ثواب ۷۰ حج» است. یعنی زیارت امام علیه السلام را معادل ۷۰ بار فرار کردن به سمت خدا معرفی می‌کنند. ولی الآن این روایات فهم نمی‌شود و ما متوجه نمی‌شویم. چند روز پیش ما توفیق داشتیم که خدمت حضرت ابی‌الحسن الرضاعلیه السلام بودیم ولی من خودم درک ندارم که الآن ۷۰ بار به سمت خدا فرار کرده‌ام. الآن واقعا این درک‌ها نیست، گرچه احادیث آن روی در و دیوار وجود دارد و شما هم برای مردم می‌گویید، ولی درک نمی‌شود. یک بار رفتن به حرم امام رضاعلیه السلام ۷۰ بار فرار کردن به سمت خداست از مجموعه ظلمات دنیا و واقعا هم همین جور است؛ یعنی انسان فرصت فرار پیدا می‌کند. آنقدر مقام امام علیه السلام نورانی است که مجموعه‌ای از ظلمات، از وجود انسان‌ها زدوده می‌شود.

این‌ها بحث‌های فنی در روایات است که باید مورد توجه قرار گیرد. بدون شک فرق اخباری و اصولی، "سیاق‌یابی" در فهم حدیث است. شما اگر می‌خواهید قوت اجتهاد کسی را بررسی کنید و ببینید آیا او دارد ظهور اولیه می‌گیرد یا ظهور تکاملی و پیشرفته؟ باید ببینید قدرت "سیاق‌یابی" او چگونه است؛ آیا می‌تواند روایات را طوری نظم بدهد که معلوم شود کدام دسته از روایات، پیش‌فرض کدام دسته از روایات است یا نه؟ اگر نتوانیم، همه ما اخباری خواهیم بود، چون "بیان مبتنی بر سیاق" در کلامان کمتر جریان دارد.

حجه الاسلام علی کشوری. نشست تخصصی اصول کلی کتابت و تدوین ۲۱ بهمن ۱۴۰۱ قم / توضیح قاعده اصولی "بیان مبتنی بر سیاق" (باب هشتم فقه البیان)

<https://eitaa.com/olgou4/5065>

طبقه بندی جدید علوم



اولویت‌های تمدنی ۱۲ گانه در مقایسه با محورهای ۱۷ گانه سند ۲۰۳۰



در تدابیر شیء پایه چند تدبیر بسیار آسان، مؤثر و عمومی را محضر شما عرض می‌کنم. اولین آنها نگهداری خروس سفید و کبوتر در خانه است. خروس ابزار ضربه به اجنه را دارد اما کبوتر فقط ابزار دور کردن آنها را در اختیار دارد. بهر حال بدانید که افضل حیوانات در فراری دادن جن‌های کافر و شیاطین خروس است. اما کبوتر توان ضربه زدن ندارد و فقط می‌تواند دور کند. جدای از این دو مورد اسب‌ها هم چنین خاصیتی دارند. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند اگر امکانات داشتید، برای خروس‌ها یک انیس (مرغ) هم قرار دهید. به نظرم اگر نگهداری کبوتر در خانه‌ها رواج پیدا کند، بخش عمده‌ای از این مسائل حل خواهد شد. پس تدبیر اول برای مواجهه با "مس جن" استفاده و نگهداری حیوانات خانگی است.